

بسمه تعالی

امر به معروف و نهی از منکر (چستی، چرای، چگونگی)

ویراست اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرفصل عناوین کلی متن

صفحه

عنوان

بخش اول : چیستی فریضه امر به معروف و نهی از منکر ۴

فصل اول: مفهوم شناسی ۵

فصل دوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر..... ۷

فصل سوم: قلمرو امر به معروف و نهی از منکر ۱۰

بخش دوم : چرایی امر به معروف و نهی از منکر..... ۱۲

فصل اول: اهمیت و جایگاه امر به معروف ونهی از منکر..... ۱۳

فصل دوم: فلسفه و آثار امر به معروف و نهی از منکر ۱۹

فصل سوم: آثار و پیامدهای شوم ترک امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۳

فصل چهارم: ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در سپاه ۳۱

فصل پنجم: عوامل فراموشی و بی رونق شدن امر به معروف و نهی از منکر ۳۳

بخش سوم: چگونگی امر به معروف و نهی از منکر..... ۳۷

فصل اول: شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۳۸

فصل دوم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر..... ۴۵

فصل سوم: آداب امر به معروف و نهی از منکر..... ۵۳

فصل چهارم: آمربین به معروف و ناهیان از منکر ۶۲

فصل پنجم: شیوه ها و روش های امر به معروف و نهی از منکر ۶۹

بخش اول:

چستی فریضه امر به معروف و نهی از منکر

شامل سه فصل:

فصل اول: مفهوم شناسی

فصل دوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر

فصل سوم: قلمرو امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در شکل کامل و جامعه‌اش عبارت است از اینکه جامعه اسلامی کمر به ریشه کن ساختن بدی‌ها ببندد، کمر به برقراری خوبی‌ها، نیکی‌ها و فضیلت‌ها ببندد... ۱۳۹۵/۲/۵

برای درک و فهم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چهار کلمه را به اختصار معنی می‌کنیم:

الف- امر: امر دارای دو معنای رایج در قرآن و روایات می‌باشد:

۱- امر به معنای کار و چیز که جمع آن امور می‌باشد و از آن هیچ فعل و صفتی مشتق نمی‌گردد.

مانند: **وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ** (آل عمران/۱۵۹) **وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ** (بقره/۲۱۰) که این معنا از محل بحث ما خارج است.

۲- امر به معنای مطالبه و برانگیختن به چیزی که جمع آن اوامر است و از آن فعل {مثل **أَمَرَ- يَأْمُرُ**} و وصف {مانند **أَمِر- مَأْمُور**} مشتق می‌شود و در عنوان امر به معروف و نهی از منکر همین طلب و خواستن مورد نظر است خواه با لفظ **أَمَرَ** بیاید. مانند: **قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ** (اعراف/۲۹) یا به صیغه امر باشد مانند **أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ** (لقمان/۱۷)

بنابراین منظور از امر یعنی طلب و خواستن چیزی خواه با اظهار قلبی باشد یا با زبان و گفتار یا عمل و رفتار.

ب- معروف: از ریشه معرفت و عرفان به معنای لغوی شناخته شده و در اصطلاح رایج و کاربردی یعنی هر چیزی که شرع یا عقل یا عرف متشرعه آن را پسندیده و ممدوح و نیکو بداند^۱ پس دایره معروف گسترده است و همه آنچه را قرآن، روایات و عقل سلیم و نهادهای مثل سپاه به آن دستور داده و آنرا مطالبه کرده اند در بر می‌گیرد. چنانچه همه مواردی که در این منابع حق، خیر، ممدوح، عمل صالح، طیب، نیکو و... معرفی شده اند مصداق معروف هستند^۲

ج- نهی: نهی نقطه مقابل امر، به معنای طلب ترک و اجتناب و باز داشتن از چیزی یا کاری می‌باشد خواه این مطالبه با قول و لفظ باشد یا با عمل و رفتار باشد و یا خواه با لفظ نهی باشد یا با صیغه نهی و امثال آن باشد که در قرآن هر دو مورد آمده است. مانند: **إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ** (عنکبوت/۴۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ... (حجرات/۱۱)

^۱المعروف اسمٌ لِكُلِّ فِعْلٍ يُعْرَفُ بِالْفِعْلِ أَوِ الشَّرْعِ حَسَنُهُ (مُفْرَدَاتِ رَاغِب)

^۲شهید مطهری می‌فرماید: اسلام از باب اینکه نخواستن موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به امور معین مثل عبادات، معاملات، اخلاقیات، محیط خانوادگی و... محدود کند از کلمه عام معروف یعنی هر کار خیر و نیکو و نقطه مقابلش، منکر یعنی هر کار زشتی استفاده کرده است. حماسه حسینی ج ۲ ص ۷۷

د- **منکر:** لفظ منکر مانند لفظ معروف، عام و فراگیر است و شامل هرآنچه ناپسند، زشت و مذموم باشد، می گردد^۱ خواه منبع منکر و مذموم بودن آن شرع مقدس باشد یا عقل سلیم یا عرف متشرعه باشد یا تدابیر و دستورات رهبری باشد یا اموری باشد که سازمان و نهاد سپاه آن را مردود، منکر و ضد ارزش می داند.

جمع بندی و نتیجه گیری (تعریف امر به معروف و نهی از منکر)^۲

بنابر آنچه گفته شده امر به معروف و نهی از منکر در محیط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عبارت است از «مطالبه جدی با قول و عمل هرآنچه شرع، عقل، رهبری و سازمان سپاه آنرا مطلوب و خیر می داند و باز داشتن از هرآنچه که این منابع آن را ناپسند و ضد ارزش و مذموم معرفی می کنند و از آن نهی کرده اند»

مقام معظم رهبری امام خامنه ای می فرماید: ۳

«امر به معروف یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن، نهی از منکر یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن»^۴

^۱ والمنکر كل فعل تحکم العقول الصبیحه بقیحه أو تتوقف فی استیجابیه واستیجابیه العقول فتحکم بقیحه الشریعة (مفردات راغب)

المنکر ما لیس فیہ رضا الله من قول او فعل والمعروف ضدّه (التعريفات مير شريف جوجانی)

^۲ شهید ثانی(ره) در تعریف امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: الأمر بالمعروف هو الحمل علی الطاعة قولاً أو فعلاً و النهی عن المنکر هو المنع من فعل المعاصی قولاً أو فعلاً (الروضة البهیمة فی شرح اللمعة الدمشقیة کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر)

^۳ ۱۳۷۹/۹/۲۵ خطبه های نماز جمعه تهران

فصل دوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: امر به معروف و نهی از منکر واجب

حتمی همه است... ۱۳۶۱/۴/۱۹

امر به معروف و نهی از منکر دو فرع از فروع دین اسلام است و اصل وجوب آن بر همه مسلمانان قطعی بوده و هیچگونه اختلاف و تردیدی در آن وجود ندارد و لذا انکار آن انکار ضروری دین است^۱ و موجب کفر و خروج از اسلام می گردد.

امام خامنه ای می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می رود و افرادی که این فریضه بزرگ الهی را ترک می کنند یا در برابر آن بی تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می آید^۲»

اما نسبت به اینکه آیا امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است یا عینی دو نظر وجود دارد:

الف- اکثر فقها معتقدند هدف از این دو فریضه تحقق و اقامه معروف ها و نابودی منکرها است و مادامیکه این هدف تحقق نیافته بر همه مسلمانان امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در هر موردی به مجرد اینکه معروف محقق شد یا منکر از بین رفت وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود پس وجوب آنها کفایی است.^۳

ب- برخی از فقهاء وجوب امر به معروف و نهی از منکر را عینی می دانند که اقدام من به الکفایه تکلیف را از دیگران ساقط نمی کند.^۴

ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر:

مستند فقهاء و علماء برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ادله اربعه می باشد.

الف- آیات قرآن:

بیش از هفتاد آیه قرآن مستقیم یا غیر مستقیم وجوب امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت آن در جامعه و نظام اسلامی را دلالت دارد و آن را از شاخص ها و الزامات ایمان شمرده است.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه/ ۷۱)

^۱ رک امام خمینی- تحریرالوسیله ج ۱ ص ۴۱۷

^۲ واجب فراموش شده ص ۷۲ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۳۲۹

امام خمینی: الاقوی ان وجوبها کفایی فلو قام به من به الکفایه سقط عن الاخرین و الا کان کل مع اجتماع الشرائط تارکین للواجب (تحریرالوسیله ج ۱ ص ۴۱۸) صاحب جواهر: و وجوبها علی الکفایه و حیثئذ فیسقط بقیام من فیہ غناء و کفایه کما هو خیرة السید و الحلبي و القاضی و الحلبي و الفاضل و الشهدین و المحقق الطوسی فی التجريد و الاردبیلی و الخراسانی و غیرهم (جواهرالکلام ج ۲ ص ۳۵۹)

^۴ صاحب جواهر این نظریه را به شیخ طوسی و ابن حمزه و فخرالاسلام شهید درغایه المراد و سیوری نسبت داده است. (جواهرالکلام ج ۲۱ ص ۳۵۹)

مردان و زنان با ایمان یار و یاور یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را اقامه می کنند و زکات می دهند و خدا و رسولش را فرمانبرداری می کنند هم ایشان بزودی مشمول رحمت الهی می شوند که خداوند عزیز و حکیم است.^۱

از آنجا که اقامه دین و اقامه نماز و دیگر فرایض با امر به معروف و نهی از منکر است (بهاتقام الفرائض) آیاتی که امر به اقامه دین و اقامه صلاه و دیگر فرایض می کنند نیز بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند.^۲

ب- روایات:

احادیث و روایات درباره وجوب و اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در شریعت اسلام بسیار زیاد و به لحاظ معنی و محتوی در حد تواتر است^۳ و تعابیر معصومین(ع) در این باره شگفت آور و بی نظیر است که تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ابن عباس ذیل آیات ۷۸ و ۷۹ سوره مائده از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود:

لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَتَأْخُذَنَّ عَلَيَّ يَدِ السَّيْفِ وَ لَتَأْطُرْنَهُ عَلَيَّ الْحَقُّ أَطْرًا أَوْ لِيَضْرِبَنَّ اللَّهُ بِقُلُوبٍ بَعْضِكُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ ثُمَّ يَلْعَنُكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ^۴

امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست نادان را بگیرید و به راه حق بیاورید و گرنه خداوند دلهای شما را به هم مرتبط می سازد و همه شما را لعنت می کند، چنانچه آنها را لعنت کرد.

امام علی (ع) می فرماید:

وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كُنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي^۵

تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خداوند در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند رطوبت دهان(و قطره ای) است در برابر دریای موج

امام محمد باقر (ع) می فرماید:... إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ ...^۶

همانا امر به معروف و نهی از منکر واجب بزرگی است که دیگر واجبات به وسیله آن استوار می گردد...^۶

^۱ همچنین رجوع شود به سوره های آل عمران آیه ۱۰۴-۱۱۰-۱۱۳-۱۱۴-اعراف ۱۵۷-۱۶۴-۱۶۵-توبه ۱۱۲-هود ۱۱۶-حج ۴۱-لقمان ۱۷-مائده ۷۸-۷۹-مریم ۵۵

^۲ رک بقره ۴۳-۸۳-۱۱۰-نساء ۷۷-۱۰۳-انعام ۷۲-یونس ۸۷-حج ۷۸-نور ۵۶-روم ۳۱-شوری ۱۳-الرحمن ۹-مجادله ۱۳-مزمّل ۲۰

^۳ رک شیخ طوسی الاقتصاد فیها يتعلق بالاعتقاد ص ۲۳۶- وکثیر من الاخبار المتواتر

^۴ تفسیر مجمع البیان ج ۳ ص ۲۳۱

^۵ نهج البلاغه حکمت ۳۷۴

^۶ فروع کافی ج ۵ ص ۵۵

^۷ همچنین رجوع شود به کتاب های امر به معروف و نهی از منکر کافی ج ۵- وسائل الشیعه ج ۱۱- جواهر الکلام ج ۲۱-بحار الانوار جلد ۱۰۰

علاوه بر احادیث فراوان سیره ائمه معصومین (ع) هم یکی از منابع مهم ما است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر را اثبات می کند و به تعبیر امام محمد باقر(ع) سیره و راه پیامبران و روش صالحان بوده است^۱ امام حسین (ع) یکی از مهمترین اهداف نهضت بزرگ خود را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند.^۲

ج - عقل:

امر به معروف و نهی از منکر تنها یک تکلیف تعبدی و وجوب شرعی نیست بلکه بر اساس معیار های عقلی نیز وجوب و ضرورت دارد و لذا بسیاری از فقهاء برجسته اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر را اقتضاء و معلول عقلانیت دانسته و دستورات و تاکیدات وجوبی شرع را ارشاد به همین حکم عقل می دانند و برای آن براهین عقلی متعددی اقامه کرده اند مانند قاعده لطف - قاعده شکر منعم - برهان ضرورت تقویت دین و شریعت - نصرت دین خدا و احساس مسئولیت برای هدایت دیگران و برهان حفظ نظام ولایی و مبارزه با طاغوت و ظلم.^۳

امام خامنه ای در پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر در این رابطه می فرماید:

"هر چند فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگترین واجبات اسلام است و توصیه به آن در قرآن و گفتار های پیامبر خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و دیگر امامان (ع) دارای لحنی کم نظیر و تکان دهنده است ولی اگر کسی از این هم چشم پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد باز هم بی شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی بر حذر داشتن را کدام خرد سالم ستایش نمی کند و کدام انسان خیر خواه و حساس از آن روی می گرداند؟^۴

د - اجماع:

علاوه بر ادله قطعی و کم نظیر قرآنی به روایی، سیره و ادله عقلی تمام علماء و فقهاء شیعه بلکه اسلامی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق و اجماع محصل و قطعی دارند و گرچه در برخی از جزئیات (مثل واجب کفایی یا عینی بودن یا لزوم قصد غربت و امثال آنها) تفاوت نظر دارند اما در اصل وجوب این دو فریضه هیچگونه اختلافی نداشته و آن را از ضروریات دین می دانند و ترک آن را حرام و موجب عقوبت الهی معرفی می کنند.

بنابراین در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر تمام منابع اتفاق دارند و دلالتشان صریح و کامل است.

^۱ فروع کافی - پیشین

^۲ ...و إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي أَرِيدُ أَنْ أَمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸

^۳ مانند شیخ طوسی - علامه حلی - شهیدین کاشف العطاء - شیخ انصاری - امام خمینی - مقام معظم رهبری و دیگر فقهاء و مراجع معاصر

^۴ نرم افزار حدیث و ولایت ۱۳۷۹/۰۸/۲۳ - واجب فراموش شده ص ۲۶

فصل سوم: قلمرو امر به معروف و نهی از منکر:

مقام معظم رهبری امام خامنه ای (مدظله العالی):

کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر داریم هرچه بزرگتر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرف تر و ماندگارتر باشد امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است. ۱۳۷۹/۸/۲۳

معروف و منکر دو عنوان عام و فراگیر است و محدود به حوزه و عرصه خاص و معینی نمی گردد و هر آنچه در شرع یا به حکم عقل مطلوب، ممدوح و بر آن سفارش و امر شده است مصداق معروف بوده و باید به آن امر شود چنانچه همه اموری که در شریعت مقدس یا نزد عقلاء مذموم و ناشایست دانسته شده است و از آن نهی، گردید مصداق منکر بوده و باید از آن نهی گردد و لذا امر به معروف و نهی از منکر در اعتبارات مختلفی تقسیم شده و همه عرصه ها را در بر می گیرد مانند:

- تقسیم امر به معروف و نهی از منکر به: ۱- حقوق الهی ۲- حقوق مردم
- تقسیم امر به معروف و نهی از منکر به: ۱- امور فردی ۲- حوزه خانوادگی ۳- حوزه اجتماعی ۴- حوزه سازمانی
- تقسیم امر به معروف و نهی از منکر: ۱- در امور فکری و اعتقادی ۲- در امور فرهنگی ۳- در امور سیاسی ۴- در امور اقتصادی ۵- در امور اخلاقی و تربیتی و

تقسیم معروف های شرعی به واجبات و مستحبات و تقسیم منکرهای شرعی به حرامها و مکروهات

امام خامنه ای: « برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزء اعمال خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد هرکسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر کنید به او بگویید و از او بخواهید، امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست تا می گوئیم نهی از منکر فوراً در ذهن مجسم می شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست این جزء دهم است نهی از منکر در همه ی زمینه های مهم وجود دارد مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می رسد و انجام می دهند همین سوء استفاده از منابع عمومی، همین رفیق بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکتهای و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره همین رعایت رفاقت ها از سوی مسئولان^۱

تذکار

۱. معروف و منکر علاوه بر عمومیت و فراگیری تمام عرصه های زندگی دارای مراتب بوده و از مقولات تشکیکی است و هرچه معروف در مرتبه ی بالاتر قرار داشته باشد و از اهمیت و کارکرد بیشتری برخوردار باشد، امر به آن و تلاش برای تحقق آن اولویت و ضرورت افزونتری دارد. مثلاً امر به اقامه دین و تحقق و تحکیم نظام ولایی از برجسته ترین و بزرگترین معروف هایی است که همگان باید نسب به آن اهتمام مضاعف داشته باشند چنانچه منکر هر چه خطرناکتر و برای هدایت و تعالی انسانها زیانبارتر باشد نهی و مقابله با آن واجبتر می باشد. مثلاً مقابله با ظالمان و نهی از پذیرش

^۱ ۱۳۷۹/۰۹/۲۵ خطبه های نماز جمعه تهران

حاکمیت استعمارگران و ستمگران در رأس واجبات قرار دارد و لذا سنگر نشینان اسلام ناب و مجاهدان راه خدا از برجسته ترین افراد آمر به معروف و ناهی از منکر هستند.

علی علیه السلام بیان بی نظیری درباره امر به معروف و نهی از منکر دارند و آن را در مقایسه با تمام نیکی ها همانند اقیانوسی پهناور در برابر قطره ای معرفی می کنند می فرماید: «وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»^۱ و از همه اینها (امر به معروف ها و نهی از منکر ها) برتر سخن حق در پیش روی حاکمی ستمگر است.

امام خامنه ای یکی از برجسته ترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در نظام اسلامی را مطالبه معروف و ترک منکر از مسئولان دانسته خطاب به مردم می فرماید: « البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه های گوناگون دارد که باز مهمترینش حوزه ی مسئولان است یعنی شما باید مارا به معروف امر و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسئولان کار خوب را بخواهند آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا بلکه باید از آنها بخواهند این مهمترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست حوزه های گوناگون وجود دارد»^۲

۲. گاهی معروف ها و منکرها نسبت به افراد و موقعیت های آنها از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار است. رهبران، مصلحان و خواص طرفدار حق باید بیش از دیگران از منکرات فاصله گرفته و نسبت به معروف ها اهتمام داشته باشند و با جهت گیری و رفتار خود طبقات دیگر را به معروف ها دعوت و از منکرها باز دارند^۳ و به علاوه مسئولان و خواص باید قولاً و عملاً حامی امران به معروف و ناهیان از منکر باشند و زمینه و فرصت را برای اقامه این دو فریضه مهیا و آماده کنند.^۴

امام خامنه ای: وظیفه ما مسئولین، قانون گذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم^۲ دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضایی و نیروی انتظامی موظفند که نهی از منکر را پشتیبانی کنند این وظیفه آنهاست^۳

^۱ نهج البلاغه حکمت ۳۷۴

^۲ ۱۳۷۹/۹/۲۵ خطبه های نماز جمعه تهران

آ امام صادق (ع) به یکی از باوران و موالی خود فرمود: يَا سَقْرَانِي إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَأَنْتَ مِنْكَ أَحْسَنٌ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَأَنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَأَنْتَ مِنْكَ أَقْبَحُ

بحارالانوار ج ۴۷ ص ۳۴۹ و ۳۵۰

۱۳۷۱/۰۷/۲۲۹ دیدار با ائمه مختلف مردم

۱۳۷۱/۰۷/۲۲۹ دیدار با ائمه مختلف مردم

بخش دوم : چرایی امر به معروف و نهی از منکر

امام خاتمه ای : من می خواهم این واجب فراموش شده اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم؛ امر به معروف و نهی از منکر. همه آحاد مردم باید وظیفه امر کردن به کار معروف و نهی از کار بد را برای خود قائل باشند این تضمین کننده حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنید تا آثارش را ببینیم. ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

در این بخش با هدف انگیزش افزایی و جبران گذشته به بحث چرایی (اهمیت، ضرورت، آثار مثبت و پیامد های ترک) امر به معروف و نهی از منکر در پنج فصل می پردازیم.

فصل اول : اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام.

فصل دوم : فلسفه امر به معروف و نهی از منکر و آثار آن.

فصل سوم : پیامد های ترک امر به معروف و نهی از منکر.

فصل چهارم : ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در نهاد سپاه.

فصل پنجم: عوامل فراموش شدن دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر.

فصل اول: اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: ما باید خود را به سر چشمه اسلام برسانیم تا

زندگی به تمامی شیرین شود قرآن کریم می فرماید:

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَ
أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ حج/۴۱ ۱۹/۱۰/۱۳۶۸

با آگاهی اجمالی از آنچه در قرآن و روایات و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام نسبت به این دو فریضه و جایگاه آن آمده است این حقیقت آشکار می شود که امر به معروف و نهی از منکر دارای اهمیت و نقش منحصر به فرد، ممتاز و شگفت آوری است که به پنج مورد از آنها اشاره می کنیم.

۱. امر به معروف و نهی از منکر شأن ربوبی دارد:

فروع دین تکالیف و واجباتی هستند که خدا ابلاغ کننده آن می باشد و انجام آن بر عهده مؤمنین است اما امر به معروف و نهی از منکر قبل از مؤمنین دو صفت از اوصاف خداوند متعال می باشد^۱، چنانچه یکی از بزرگترین رسالت انبیاء و به ویژه پیامبر اکرم (ص) امر به معروف و نهی از منکر است^۲. و به تبع خدا و رسولش، اولیاء معصوم الهی و مصلحان و سپس مؤمنین تلاش می کنند خود را به این وصف الهی متصف کنند^۳. ولذا امر به معروف و ناهی از منکر عنوان خلیفه الله و خلیفه کتاب خدا را به خود می گیرد^۴.

امام محمد باقر می فرماید:

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ^۵

امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق خدا هستند

امام خامنه ای در سخنرانی آغاز سال ۱۳۹۴ در حریم شریف رضوی می فرمایند:

اولین امر به معروف هم خود ذات مقدس پروردگار است که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَابْنَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» خدا امر به معروف و ناهی از منکر است... وجود مقدس پیامبر معظم اسلام (ص) از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است.... ائمه علیهم السلام برترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند.... مؤمنین و مؤمنات در هر نقطه ای از جهان اسلام آمران به معروفند^۶.

^۱ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَابْنَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل/۹۰)

^۲ در آیه ۱۵۷ سوره اعراف در معرفی پیامبر امی می فرماید: يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

^۳ امام باقر(ع) می فرماید: إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فروع کافی ج ۵ ص ۵۶

^۴ عن النبي(ص) مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَةُ الرَّسُولِ وَخَلِيفَةُ كِتَابِ مَجْمَعِ الْبَيَانِ ج ۲ ص ۴۸۴

^۵ فروع کافی ج ۵ ص ۵۹ - بحار الانوار ج ۷ ص ۷۵

^۶ ۱۳۹۴/۱/۱۶ حرم مطهر رضوی

۲. امر به معروف و نهی از منکر امتیاز امت اسلامی و شاخص دین داری است:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ آل عمران/ ۱۱۰

شما (مسلمان ها) بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اید چرا که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

« در این آیه مسلمانان به عنوان امتی معرفی شده که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده است و دلیل بهترین امت بودن آنها ذکر شده که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و ایمان به خدا دارند و این خود می رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست و ضمناً از آن استفاده می شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در آیین های پیشین نبوده است.... امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیتی و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است. به علاوه انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می باشد. و ضامن اجراء عملاً بر خود قانون مقدم است.^۱»

مردی خدمت پیامبر رسید پرسید ای رسول خدا بهترین مردم کیست! حضرت فرمود:

کسیکه بیشتر از همه به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد و بیش از دیگران تقوی پیشه خود سازد و نسبت به مقدرات راضی تر باشد.^۲

امام خاмене ای :

مسلمانان خصوصیتی دارند که می توانند اراده خود را در حرکت عالم مؤثر کنند به خاطر چه؟ به خاطر احکام نورانی اسلام بلکه به خاطر روحیات و خلقیاتی که اسلام به مسلمانان می دهد مثل ظلم ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل الله..... این جهاد و امر به معروف و عدم کنار آمدن با بدی و فساد و تحمل نکردن ظلم است (لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ).... به برکت این احکام قادر باشد اراده خود را در اراده جهان و محیط خودش مؤثر سازد این خصوصیت مسلمانان است استعمارگران از چنین خصوصیتی ناراحتند ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند.^۳

^۱ تفسیر نمونه جلد ۳ ص ۴۸ الی ۴۹

^۲ آجاء رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) وَهُوَ عَلَى الْمَنبَرِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ خَيْرُ النَّاسِ قَالَ (ص) أُمُّهُم بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّقَاهُمْ اللَّهُ وَرَضَاهُمْ (مجمع البيان ج ۲ ص ۴۸۴ ذیل آیه ۱۰۶ آل عمران)

^۳ ۱۳۷۵/۳/۱۶ سخنانی در جمع مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم ارتحال امام خمینی (ره)

دست یابی به تمدن اسلامی که در پرتو آن تعالی معنوی، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، سبک زندگی اسلامی واز همه مهمتر استقرار حاکمیت الهی و نابودی ظلم دست یافتنی می گردد^۱.

جز در پرتو مسئولیت همگانی و تحقق امر به معروف ونهی از منکر میسر نخواهد بود و لذا قرآن یکی از برجسته ترین شاخص های دین داری و جامعه اسلامی را امر به معروف و نهی از منکر همگانی می داند^۲. که همواره مؤمنین باید به آن اهتمام داشته باشند.

امام خامنه ای : ما هنوز تایک جامعه کاملاً اسلامی که نیک بختی دنیا و آخرت مردم را به طور کامل تأمین کند و تباهی و کج روی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، فاصله زیادی داریم این فاصله باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد^۳.

۳. شرافت و فضیلت امر به معروف ونهی از منکر نسبت به دیگر فرائض

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مهمترین عامل اقامه دین و تحقق فرائض و نیکویی ها هم بر آنها شرافت و عظمت دارد هم تقدّم و هیچ عمل نیک و فریضه ای با آن قابل مقایسه نمی باشد.

امام حسین(ع) در خطبه معروف منی که در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است با استناد به آیه ۷۱ سوره توبه می فرماید « مردان و زنان مؤمن دوستان همدیگرند و امر به معروف ونهی از منکر می کنند» خدا با امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه الهی آغاز کرده است زیرا می دانست که هرگاه این فریضه انجام گیرد و اقامه گردد همه فرائض از آسان و دشوار اقامه خواهد شد و این برای آن است که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است. همواره ردّ مظالم و مخالفت با ظالم و تقسیم بیت المال و غنائم و گرفتن زکات از موارد خود و صرف آن در جای خود^۴.

امام خامنه ای که در تمدن اسلامی در سطح جهانی را مرحله پنجم اهداف نهضت اسلامی می داند در رابطه با تمدن اسلامی می فرماید: تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد زندگی خوبی داشته باشد زندگی عزتمندی داشته باشد. انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت، تمدن اسلامی یعنی این، هدف نظام جمهوری اسلامی و ارمان نظام جمهوری اسلامی این است. ۱۳۹۲/۶/۱۴ در دیدار با اعضاء مجلس خبرگان

سوره توبه آیه ۷۱ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

^۱ ۱۳۶۹/۳/۱۰ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)

امام حسین می فرماید: « وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ » (توبه/۷۱) فَبَدَا اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ مِنَ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لِعَلِمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدْبِتْ وَأُقِيمَتْ، اسْتَقَامَتِ الْفَرَايِضُ كُلُّهَا هَيِّنًا وَصَعْبًا وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءُ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَ قِسْمَةُ الْفَيْءِ وَ الْغَنَائِمِ وَ أَخْذُ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعُهَا فِي حَقِّهَا (تحف العقول ص ۲۴۰ و ۲۴۱)

در روایات تعبیر نسبت به شرافت و تقدّم امر به معروف و نهی از منکر بردیگر فرائض بی نظیر است مانند واجب بزرگ (فریضه عظیمه)^۱ برترین و شریفترین واجب (اسمى الفرائض و اشرفها)^۲ از با فضیلت ترین اعمال^۳ و.....

علی (ع) پس از آنکه انسان ها را در نهی از منکر به چهار گروه تقسیم می کند^۴ می فرماید:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي^۵

وتمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره ای در برابر دریای موج و پهناور است^۶.

امام خمینی (قدس سره) با اشاره به حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام)^۷ می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر جزء بالاترین و شریف ترین فرایض اسلام است که سایر فرائض به وسیله آن دو اقامه می شود و وجوب آن از ضروریات دین است و منکر آن اگر توجه داشته باشد که انکار آن چه لوازمی دارد و به لوازم آن ملتزم باشد از کافران است.^۸

امام خامنه ای: تمام آحاد ملت مسلمان در حفظ و حراست از احکام نورانی آن (اسلام) و سعی در گسترش و تعمیق آن (اسلام) در جامعه دارای وظیفه ای بزرگ اند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپا داشتن همه فرائض اسلامی است باید در جامعه ما احیاء شود و هر فردی از آحاد مردم خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد مسئول احساس کند.^۹

۴. امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای احکام اسلامی و دستیابی به سبک زندگی اسلامی:

سعادت و رستگاری انسان در پرتو عمل به شریعت و احکام اسلامی تأمین می شود و استواری و تحقق احکام و فرائض و شریعت با امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت همگانی تضمین می شود.

^۱ فروغ کافی ج ۵ ص ۵۵

^۲ وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۴

^۳ وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۶ و غررالحکم و دزرالحکم

^۴ چهار گروه عبارتند از: (۱) گروهی که منکر را با دست و زبان و قلب انکار می کنند که تمام خصلتهای نیکو را دارند. (۲) گروهی که منکر را تنها با زبان و قلب انکار می کنند که دو خصلت نیکو را دارند (۳) گروهی که تنها با قلب منکر را انکار می کنند که تنها یک خصلت نیکو را دارد (۴) گروهی که اصلاً نهی از منکر نمی کند که اینها مردگان میان زندگان هستند. نهج البلاغه / حکمت ۳۷۴

^۵ همان

^۶ همین مطلب با تغییر مشابه از پیامبر اکرم (ص) هم نقل شده است و مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ عِنْدَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي وَمَا جَمِيعُ أَعْمَالِ الْبِرِّ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي / محجة البيضاء ج ۵ ص ۹۹

^۷ یکون فی آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مُرَاوُن و لَوْ اضْرَتِ الصَّلَاةُ بَسَاتِرَ مَا يَعْمَلُونَ بِمَوَالِهِمْ وَ اِبْدَانَهُمْ لَرَقَضُوا كَمَا رَقَضُوا اِسْمِي الْفَرَايِضِ وَ اَشْرَفُهَا اَنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ ... وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۴ / کتاب امر به معروف و نهی از منکر-تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۸۰

^۸ و هما من اسمی الفرائض و اشرفها و بها تقام الفرائض و وجوبها من ضروریات الدین و منکر هما مع الالتفات بلازمه و الانتزام به من الکافرین / تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۹۱

۴۹۱

^۹ ۱۳۶۹/۰۳/۱۰ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام

قال علی (ع): قِوَامَ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ^۱

امر به معروف و نهی از منکر عامل استواری و قوام شریعت است.

در حدیث مشهور امام محمد باقر (ع): احیاء فرائض دینی، امنیت اجتماعی، نظام اقتصادی مشروع، عدالت اجتماعی و احقاق حقوق، آبادانی زمین، ناکام گذاشتن دشمنان، سبک زندگی اسلامی و حرکت در صراط مستقیم با امر به معروف و نهی از منکر معرفی گردیده است که سیره انبیاء و مصلحان ملازمت بر آن است.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلَ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمُ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضَ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ^۲

امر به معروف و نهی از منکر روش انبیاء و سیره مصلحان است. فریضه بزرگی است که دیگر فرائض به واسطه آن برپا می شوند و امنیت راهها (فکری و مادی) تحقق می یابد و کسب های حلال و مشروع رونق می گیرد. و مظالم و حقوق غصب شده به صاحبانش بر می گردد. و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور دین و دنیا سامان می یابد.

امام خامنه ای می فرماید: من همین امر به معروف و نهی از منکر را ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی واقعاً یکی از معجزات اسلامی می دانم.^۳

امر به معروف تبلور، تعهد دلسوزی، عشق و علاقه همراه با احساس مسئولیت هر کدام از آحاد مسلمانان نسبت به سرنوشت دیگران و هدایت آنهاست. و شایسته ترین و کارآمدترین شیوه اصلاحات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و بویژه فرهنگی است و لذا حقیقت و عصاره دعوت و عمل همه مصلحان و در پیشاپیش آنها انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) احیاء این دو فریضه و به تبع آن احیاء معروف ها و بازدارندگی از بدی ها و منکران بوده است.^۴

۵. امر به معروف و نهی از منکر عامل عزت و سعادت امت اسلامی و ناکامی دشمنان است.

حرکت امت اسلامی در صراط مستقیم الهی و استقامت بر اصول و مبانی فکری و اعتقادی و خنثی سازی وسوسه های شیطانی و فتنه گری های مستکبران جز با مسئولیت و نظارت همگانی و عمومی یعنی امر به معروف و نهی از منکر تضمین نمی گردد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرًا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ^۵

^۱ شرح غرر الحکم ج ۴ ص ۵۱۸

^۲ فروع کافی ج ۵ ص ۵۶ - در قسمت پایانی این روایت آمده است: وَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى شُعْبَةَ النَّبِيِّ (ص) إِنِّي مُعَذِّبُ مَنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَ سَيِّئِ سَيِّئِ الْفَأْمَنِ خِيَارِهِمْ فَقَالَ (ع) يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بِالْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ دَاهِنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَفْضُبُوا لِعَضْبِي

^۳ ۱۳۷۷/۱۲/۴ - جلسه پاسخ به پرسش های مدیران و مسئولان و سردبیران نشریات دانشجویی

^۴ قرآن اساس هدایت و رسالت همه انبیاء را دعوت به بزرگترین معروف و نهی از خطرناکترین منکر معرفی کرده . می فرماید: وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ نحل / ۳۶

^۵ وسائل الشیعه - چاپ سسی جلدی ج ۱۶ ص ۱۲۳

مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کار نیک یاور یکدیگر باشند بر خیر و سعادتند و اگر چنین نکنند برکات از ایشان گرفته می شود و بعضی از آنان بر بعضی دیگر مسلط خواهند شد و دیگر یآوری در زمین و آسمان نخواهند داشت.^۱

امر به معروف و نهی از منکر از برجسته ترین مصادیق نصرت دین خداست که نصرت الهی و ثبات قدم در مسیر هدایت و تعالی انسانی را به دنبال دارد^۲ و تضمین کننده عزت و سعادت جامعه می گردد.

امام محمد باقر (ع) می فرماید: **الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَ هُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَمَنْ خَدَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ**^۳

امر به معروف و نهی از منکر دو وصف و خلق الهی هستند پس هر کس این دو را یاری کند خدا او را عزیز می کند و هر کس این دو فریضه را ترک کند خدا او را ترک کرده یاری نمی کند.

یکی از مؤثرترین ابزارهای دشمنان در تهاجم فرهنگی و جنگ نرم برای تغییر باورها، ارزش ها و مبانی دینی، ایجاد انحراف عملی و شیوع دادن انحرافات رفتاری است که به فرموده قرآن سرانجام انحراف عملی، انحراف علمی است.

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ روم / ۱۰

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می نمودند.

و آنچه دشمنان شیطانی را در ایجاد انحراف عملی و علمی ناکام می سازد و فتنه ها و نقشه های آنان را در استحاله فرهنگی خنثی می سازد فراگیر شدن امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت همگانی است که مطالبه عمومی نسبت به ارزش ها و مقابله با ضد ارزش ها را به دنبال دارد و عزت و اقتدار و استحکام جامعه و حاکمیت دینی را تضمین می کند.

امام خامنه ای می فرماید: اگر در جامعه به دستورات اسلام و فرموده قرآن عمل شود هیچکدام از ابزار و عوامل فساد نمی تواند کمترین اثری بکند. به معنای دقیق تر توجه از جوامع مختلف و امر به معروف و نهی از منکر نمی گذارد دشمن پیروز شود. این است که جامعه اسلامی یک جامعه ماندگار است.^۴

و در بیانی دیگر می فرماید: امروز فقط جنگ نظامی نیست اما همه تهاجم های دیگر با شدت کم سابقه ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم این جامعه اسلامی باید زنده، هوشیار، آسیب ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم ... جامعه اسلامی با انجام این تکلیف زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر است.^۵

^۱ در مباحث آینده می بینیم که یکی از پیامدهای شوم ترک امر به معروف و نهی از منکر سلطه یافتن اشرار و مستکبران است به جهت گیری جامعه را تغییر به سوی گمراهی و سقوط قرار می دهند.

^۲ سوره محمد آیه ۷ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.

^۳ فروع کافی ج ۵ ص ۵۹ - بحار الانوار ج ۹۷ ص ۷۵

^۴ - ۱۳۷۵/۰۲/۲۶ در دیدار با روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم

^۵ - ۱۳۷۱/۰۵/۰۷ در دیدار با علما و روحانیون

فصل دوم: فلسفه و آثار امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: موضوع امر به معروف و نهی از منکر که موضوع جدیدی نیست، این تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی با انجام این تکلیف زنده می ماند قوام حکومت اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر است که فرمود: اگر این کار نشود آن وقت لَيْسَلُنَّ اللهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوْكُمْ اَخْيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ، قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اختیار به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. ۱۳۷۱/۵/۷

بزرگترین نعمت معنوی خدا نعمت دین است که هدایت و سعادت انسان را تضمین می کند^۱ و مؤثرترین و کارآمدترین راه برای اقامه دین امر به معروف و نهی از منکر است که ماهیت رسالت همه انبیاء و اولیاء را تشکیل داده است. امر به معروف هم در مرحله مبارزه با نظام های غیر الهی و ایجاد نظام دینی و اقامه جامعه اسلامی نقش اساسی دارد و هم در استمرار حرکت در صراط مستقیم و حفاظت و صیانت از نظام ولایی کارآمدترین است.

بنابراین می توان گفت فلسفه و هدف غائی امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از:

« اقامه دین خدا و حاکمیت الهی و سپس صیانت و حراست از سلامت فکری، عملی و حرکت عمومی در صراط مستقیم که هدایت و تعالی معنوی و نیل به سعادت دنیوی و رستگاری اخروی را تضمین می کند»

برای آشنایی بیشتر با نقش و کارکرد این فریضه الهی و فلسفه وجودی آن، برخی از آثار و نتایج و برکات امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد مختلف را به اجمال و بصورت فهرست وار بیان می کنیم^۲:

الف: برکات و آثار فردی

امر به معروف و نهی از منکر هم برای امر به معروف و ناهی از منکر هم برای افرادی که مورد امر و نهی قرار می گیرند دارای آثار و نتایج مهمی است مانند:

۱. رسیدن به مقام خلیفه الهی که هدف آفرینش انسان است^۳ چرا که امر به معروف و نهی از منکر دو وصف و خلق الهی هستند و التزام به آنها مصداق تخلقوا با خلق الله می باشد.
۲. تقویت روحیه دیگرگرایی و احساس مسئولیت نسبت به دیگران^۴

^۱قرآن محور شرایع انبیاء اولعزم و مهمترین مأموریت آنها را اقامه دین معرفی کرده می فرماید: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسى وَ عيسى أَنْ أقيموا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ شوری/۱۳

آلبته نباید غفلت کرد که بسیاری از برکات و آثار امر به معروف و نهی از منکر عمومیت دارد و محدود به یک صحنه و بُعد خاصی نمی شود. مانند آنچه در فصل قبل ذکر شد
^۳قال رَسُولُ اللهِ(ص) مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللهِ فِي الْأَرْضِ وَ رَسُولُهُ (مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۷۹)

^۴در فرهنگ اسلامی انسان نسبت به هدایت و سعادت انسان های دیگر هم مسئولیت دارد و نمی تواند بگوید به من چه که دیگران چه می کنند و راه ضلالت را می روند. امام محمد باقر(ع) می فرماید: وَ أوحى اللهُ الى شعیبُ النبی(ع) إني مَعْدَبٌ من قومیک ماة الف. أربعین الفاً من شیارهم وستین الفاً من خیارهم فقال ع یا ربِّ هؤلاء الاشرار فما بال الاخیار فاوحى اللهُ عزوجل اليه داهنوا اهل المعاصی ولم بعضوا لعصبي (کافی ج ۵ ص ۵۶)

۳. جلب رضایتمندی و عنایت ویژه خدا^۱

۴. تعمیق معرفت دینی و تقویت التزام به واجبات و ترک محرمات، {خودسازی}^۲

۵. افزایش روحیه انتقادپذیری و مقابله با فرهنگ چاپلوسی^۳

۶. عزّت و محبوبیت نزد خدا^۴

۷. بهرمندی از پاداش بزرگ الهی^۵

۸. تعای معنوی و بهرمندی از صفا و نورانیت قلبی (حیات طیّبه) چراکه امر به معروف موجب تثبیت فضایل و زدودن

رذایل و تخلّق به اخلاق اسلامی و سبک زندگی اسلامی میشود^۶

۹. شرکت در ثواب هدایت شدگان: هرگاه با امر به معروف و نهی از منکر دیگرانهدایت گشته و از نافرمانی خدا اجتناب و

اعمال صالح را انجام دهند امر به معروف و ناهی از منکر در ثواب اعمال وی شریک خواهد بود.^۷

۱۰. تعمیق بصیرت و تقویت روحیه جهادی و انقلابی

ب- آثار و برکات خانوادگی:

۱. انجام وظیفه الهی نسبت به هدایت خانواده و بستگان^۸

۲. افزایش روحیه تعاون و همکاری خانوادگی در امور خیر

۳. ارتقاء منزلت خانوادگی

۴. مصونیت بخشیدن فرزندان و بستگان در برابر آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی

۵. تحکیم نهاد مهمّ خانواده با مسئولیت نسبت به یکدیگر

۶. قناعت در زندگی و معیشت و تنظیم امور اقتصادی خانواده

۷. حرکت به سمت سبک زندگی خانواده اسلامی

۸. همراهی و همبستگی خانواده در دفاع از ارزش ها و مقابله با ضد ارزش ها

۹. حاکمیت امنیت، صفا و صمیمیت و نورانیت در خانواده

۱۰. جذب و جلب رضایتمندی و عنایات ویژه خدا به خانواده

^۱ یکی از برجسته ترین مصادیق عمل صالح که به فرموده قرآن انسان را خیرالبریه و مشمول رضوان الهی می کند امر به معروف و نهی از منکر است (بینه ۷ و ۸)

^۲ امام علی(ع) به امام حسن(ع) می فرماید: وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ أَهْلَهُ (نامه ۳۱ نهج البلاغه بند ۱۵)

^۳ قال الصادق(ع) أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غَيْبِي كَافِي ج ۲ ص ۶۳۹

^۴ قال الصادق(ع) أَنْ الْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَهَى هُمَا عِزَّةَ اللَّهِ وَ مَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ (کافی ج ۵ ص ۵۹)

^۵ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء/۱۱۴)

^۶ رُكْ مُسْتَدْرِكِ الْوَسَائِلِ ج ۱۲ ص ۱۹۳ روایت علی(ع)

^۷ قال علی(ع) وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ فَإِنْ اسْتِمَامَ الْأُمُورَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ (وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۱۵۰ دوم ۳۰ جلدی)

^۸ ابا بصیر از معنای آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا أَمْام صادق(ع) سوال کرد که چگونه اهل و بستگان را از آتش حفظ کنیم امام فرمودند: تَأْمُرْهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ

وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوا كُنْتَ قَدْرًا وَ قِيَتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ فَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ (کافی ج ۵ ص ۶۲)

ج - آثار اجتماعی:

بیشترین آثار و کارکردهای مهمّ امر به معروف و نهی از منکر به عرصه اجتماعی، مربوط است که سبب می شود معروف های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی احیاء و منکرات آن از بین بروند.

برخی از آثار و برکات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از:

۱. جهت گیری اصلاحی جامعه و سامان یافتن امور انسان ها

۲. احقاق حقوق فردی و اجتماعی و ریشه کن شدن ظلم

۳. اقامه دین خدا و اقامه سبک زندگی اسلامی در تمام عرصه های اجتماعی

۴. حاکمیت ارزش ها و منزوی و مطرود شدن ضد ارزش ها

۵. دستیابی به امنیت فکری و عملی

۶. عمران و آبادانی هرچه بیشتر

۷. ناکام گذاشتن دشمنان از ایجاد انحراف

۸. تحکیم و تقویت نظام ولایی و مشارکت مردمی

۹. اصلاح امور اقتصادی و عدالت اجتماعی

۱۰. حاکمیت نظارت عمومی و مسئولیت همگانی

۱۱. نا امن شدن جامعه برای بی بند و باری و انحراف

۱۲. ارتقاء بصیرت دینی و سیاسی امت اسلامی نسبت به واقعیّات

۱۳. از بین رفتن روحیه تملق و چاپلوسی و ترویج روحیه نقدپذیری

۱۴. فراهم شدن زمینه برای امدادهای غیبی و نصرت الهی

۱۵. تحقق سنن و قوانین تغییرناپذیر الهی

د - آثار و برکات سازمانی:

احیاء و اقامه امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر آثار و برکات فردی، اجتماعی در درون نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارای پیامدهای مثبت و برکات فراوانی است که فهرست و عناوین برخی از مهمّ ترین آنها (از نظر نگارنده) عبارتند از:

۱. تحقق تدابیر و انتظارات امامین انقلاب از سپاه و فرزندان پاسدارشان

۲. پر فروغ شدن معنویت تعالی بخش در سپاه

۳. تقویت و تحکیم پیش روندگی و پیش برندگی سپاه در حرکت دائمی و پرشتاب به سمت آرمانهای انقلاب

۴. مصون سازی نهاد سپاه در مقابل تهاجم فرهنگی و آسیب ها و آفت ها

۵. تبدیل شدن ارزش ها و معروف ها به گفتمان غالب در سپاه

۶. تقویت و تحکیم روابط اسلامی و اخوت دینی در عین حفظ روابط سازمانی

۷. ارتقاء منزلت اجتماعی و قداست سپاه در جامعه

۸. غلبه آخرت گرایی و مقابله با دنیاگرایی و اشراف گری و راحت طلبی و عافیت طلبی

۹. ارتقاء روحیه مسئولیت پذیری در سازمان بر محور شایستگی ها

۱۰. تقویت بُعد الگوئی سپاه برای سازمان های دیگر

۱۱. تحکیم و تثبیت روحیه جهادی و انقلابی و غیرت دینی و انقلابی در سنگر نشینی از انقلاب

۱۲. تقویت روحیه نقدپذیری و انتقاد سازنده بجای روحیه چاپلوسی در نهاد مقدس سپاه

۱۳. ارتقاء روحیه امید، نشاط، خوش گمانی و تعادل سازمانی

۱۴. اصلاح نظامات و مقررات با مطالبه و همراهی پاسداران

۱۵. تقویت فرهنگی حق گرایی و عدالت طلبی و باطل ستیزی در سپاه

۱۶. آمادگی بیشتر و با انگیزه فزونتر برای انجام مأموریت های پاسداری در مقابل تهدیدات سخت و نرم

۱۷. شتاب در حرکت به سوی سبک زندگی اسلامی در بُعد سازمانی

۱۸. تقویت و غلبه رهبری مدیریت و فرماندهی اسلامی بر مدیریت صرف نظامی و قراردادی

۱۹. نهادینه شدن شایسته سالاری و جلوگیری از خطر نفوذپذیری فکری و فیزیکی

۲۰. فراهم شدن زمینه ها برای نصرت، امداد و هدایت ویژه خدا

و در یک کلمه امر به معروف و نهی از منکر روحیه ولایت محوری را در ابعاد مختلف در سپاه تقویت و ارتقاء می بخشد و آن را به عنوان بازوی پرتوان نظام و ولی امر در سنگر نشینی خط مقدم پاسداری و حفاظت او انقلاب در همه عرصه ها قوت و قدرت مضاعف می بخشد^۱

^۱ با توجه به اهمیت بحث امر به معروف و نهی از منکر در سپاه در مباحث آینده فصلی را تحت عنوان ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در سپاه ارائه خواهیم کرد که علاوه بر آثار فوق ضرورت و لزوم اهتمام سپاه در موقعیت فعلی برای پرداختن به این دو فریضه را تبیین می کند.

فصل سوم: آثار و پیامدهای شوم ترک امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: تهدید خدا را کند شمارید، دیر شده ندانید، خداوند نسل گذشته ای را که پیش روی شما بودند از رحمت خود دور نساخت مگر به خاطر آنکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند... امروز اگر ما هم، امر به معروف و نهی از منکر نکنیم باید بدانیم با اینکه انقلاب کرده ایم و در قدم اول پیش رفته ایم، عقب خواهیم ماند و دچار لعنت خدا خواهیم شد امروز بر ما لازم است که امر کنیم به نیکی و نهی کنیم از بدی ۱۳۵۹/۲/۵

به همان میزان که التزام و عمل نمودن به این دو فریضه دارای برکات فراوانی می باشد و آثار مهمی در هدایت و سامان یافتن زندگی فردی و اجتماعی در دستیابی به مقاصد عالییه و سبک زندگی مطلوب و استاندارد اسلامی دارد، ترک امر به معروف و نهی از منکر و تعطیلی این دو فریضه بزرگ دارای پیامدهای شوم و خطرناک و ویرانگری است که به برخی از مهمترین آنها از نگاه آیات و روایات اشاره می کنیم:

۱. لعن و نفرین خدا و انبیاء الهی:

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ مائده/۷۸ و ۷۹

کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن (و نفرین) شدند این بخاطر آن بود که گناه کردند و تجاوز می نمودند. آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند یکدیگر را نهی نمی کردند چه بد کاری انجام می دادند^۱ مرحوم طبرسی در تفسیر آیات فوق از ابن عباس نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) خطاب به مسلمانان فرمود:

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَتَأْخُذَنَّ عَلَيِّدَ السَّفِيهِ وَ لَتَأْطُرَّنَّهُ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا أَوْ لَيَضْرِبَنَّ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ يَلْعَنُكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ^۲

امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست نادان را بگیرید و به راه حق بیاورید و گرنه خداوند دلهای شما را به هم مرتبط می سازد و همه شما (اعم از گناهکار و ساکت) را لعنت می کند چنانچه آنها (از بنی اسرائیل) را لعنت کرد.

امام علی (ع) پس از سفارش به تأمل در قرآن که سرنوشت امت های قبلی و عذاب و کیفر دیدن آنها را ارائه کرده است می فرماید:

^۱ در آیه اول عامل کفر و ملعون شدن آنها را عصیان و تعدی معرفی می کند و آیه بعد این عصیان و تعدی را بیان و روشن می سازد که تعدی آنها این بود که نهی از منکر نمی کردند. (رک تفسیرالمیزان ج ۶ ص ۱۱۳)

^۲ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۳ ص ۲۳۱

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ أَلَّا لَتَرَكْتُمْ الْأَمْرَ الْمَعْرُوفَ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُكَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي^۱

خداوند مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر پس خدا بی خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک نهی از منکر دیگران لعنت کرد.

۲. محرومیت از برکات و عنایات ویژه خدا:

بی تفاوتی نسبت به منکرها و تعطیلی معروف ها در جامعه سبب می شود برکات و رحمت واسعة خدا از چنین جامعه و محیطی رخت بر بندد. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ^۲

تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نموده و یکدیگر را بر نیکی یاری کنند همواره در خیر و سعادت خواهند بود و در غیر اینصورت برکتها و [خیر الهی] از آنان گرفته می شود و برخی (اشرار) بر دیگران مسلط خواهند گردید و یآوری نه در زمین و نه در آسمان نخواهند داشت.

۳. محرومیت از حیات انسانی:

قرآن پیروی و اجابت دعوت خدا و رسولش را عامل حیات و بالندگی و تأثیرگذاری جامعه می داند^۳ حیاتی که در فرهنگ اسلامی، حیات طیبه و معنوی نامیده شده و با ایمان راسخ و عمل صالح زمینه های افاضه آن برای لبیک گوینان به دعوت دینی فراهم می گردد^۴ و هرگاه در جامعه ای گناه و نافرمانی خدا رواج پیدا کند و واجبات و معروف ها متروک گردد و اهل ایمان نسبت به این بلیه بزرگ بی تفاوت باشند و احساس درد و نگرانی نکنند و امر به معروف و نهی از منکر تعطیل گردد چنین جامعه ای از حیات طیبه و انسانی محروم گشته و در همان نشأی حیوانی و خاکی درجا خواهد زد. امام علی (ع) بی تفاوتی در برابر منکرات و نافرمانی خدا را موجب محرومیت از حیات انسانی و خاموش شدن فطرت الهی دانسته می فرماید: مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ^۵

کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار و طرد نمی کند پس او مرده ای است بین زنده ها.

حیات و زنده بودن یک جامعه و انسان به اثرگذاری او است و کسانیکه نسبت به ویروس های خطرناک و منکرات و تعطیلی واجبات بی تفاوت هستند و با امر به معروف و نهی از منکر جلوی ناهنجاری ها را نمی گیرند در واقع از

^۱ نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ (قاصعه) بند ۱۰۹ و ۱۱۰

^۲ تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۸۱ حدیث ۲۲ - بحرالانوار ج ۹ ص ۹۴

^۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ انفال/ ۲۴

^۴ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً نحل / ۹۷

^۵ تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۸۱

حیات و اثرگذاری محروم و مردگانی هستند که مانند حیوانات نفس کشیده و تنها جسم آنها زنده است و از حیات روحانی و انسانی بی بهره اند.

۴. هلاکت و مجازات دنیوی:

عذاب و هلاکت الهی تنها متوجه گناهکاران و فاسدان نمی گردد بلکه آنان که نسبت به فساد فکری و عملی دیگران بی تفاوت باشند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند نیز در این مجازات شریک بوده و قرآن آنها را هم ظالم معرفی کرده و مستحق عذاب شدید می داند و تنها آمران به معروف و ناهیان از منکر را نجات یافته معرفی می کند. درباره بنی اسرائیل می فرماید:

وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ اعراف/۱۶۴ و ۱۶۵

و (به یادآور) هنگامی را که گروهی از آنها گفتند چرا گروهی (گناهکار) را که خداوند هلاکشان خواهد کرد یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت اندرز می دهید؟ گفتند این اندرزها برای اعتذار (و انجام وظیفه) در پیشگاه پروردگار شما است (به علاوه) شاید آنها (بپذیرند) و تقوا پیشه کنند. اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شد فراموش کردند (و لحظه عذاب فرا رسید) نهی کنندگان از بلا را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند بخاطر نا فرمانیشان به عذاب سختی گرفتار ساختیم.

علامه طباطبایی در تفسیر آیات فوق می فرماید: این آیات، راهنمایی به این سنت الهی می کند که باز نداشتن ظالمین و یا ممانعت از آنها نکردن و یا حداقل فاصله نگرفتن از ظالمان، مشارکت در ظلم آنهاست و در مجازات الهی با ظالمان همراه خواهند بود^۱

این یک سنت الهی است که هرگاه در جامعه گناه و فساد رواج یافت و انسانهای خردمند و مؤمن با آن مبارزه نکردند خدا آنها را گرفتار عذاب می کند. قرآن پس از انتقاد از گذشتگان که چرا خردمندان اهل قدرت نبودند که نهی از فساد کنند^۲ به صورت یک قانون کلی می فرماید:

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِیُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ (هود/۱۱۷) و اینگونه نیست که پروردگارت آبادی ها را به ناحق از بین ببرد در حالیکه افراد آن به دنبال اصلاح (خویش و جامعه) باشند.

یعنی هرگاه خصیصه اصلاح گری و احساس مسئولیت نسبت به جامعه و دیگران از بین رفت عذاب و نابودی آن جامعه اجتناب ناپذیر است.

^۱ المیزان ج ۸ ص ۲۹۶ - ایشان در بحث روایی از امام صادق (ع) نقل می کند که درباره آیه فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا به... فرمود: کَانُوا ثَلَاثَةَ اصْنَافٍ صَفَّ اتَّعَمُوا وَاوَامَرُوا وَ نَجُوا وَ صَفَّ اتَّعَمُوا وَ لَمْ یَأْمُرُوا فَمَسَخُوا وَ صَفَّ لَمْ یَأْتَمُرُوا وَ لَمْ یَأْمُرُوا فَهَكَالِوَا - بنی اسرائیل سه گروه بودند: گروهی که هم خود امرپذیر بودند و هم دیگران را به نیکی امر و از بدی منع می کردند پس نجات یافتند و گروهی که خود مرتکب منکر نمی شدند لیکن نهی از منکر هم نمی کردند اینها مسخ شده و چون مورچگان شدند و گروهی که اهل منکر و نافرمانی بودند که به هلاکت رسیدند. (همان ص ۱۷۱)

^۲ رک سوره هود/۱۱۶

در روایات فراوانی آمده که ساکنین در برابر انحراف مانند منحرفین گرفتار عذاب الهی خواهند شد^۱

۵. سلطه یافتن اشرار:

هرگاه جامعه و افراد آن نسبت به رواج ضد ارزشها و تعطیلی ارزش ها ساکت و بی تفاوت شد و روحیه جهادی و دفاعی نسبت به احکام و معارف الهی نداشت اثر طبیعی آن این است که نظام ولایی و حاکمیت اولیاء خدا تضعیف گشته و اقتدار لازم برای اعمال ولایت و هدایت جامعه را نیابد و به جای آن اشرار و انسانهای فاسد تصدی امور مردم را در دست بگیرند.

پیامبر اکرم ص می فرماید:

وَ إِذَالَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَشْرَارَهُمْ فَيَدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ^۲

هرگاه (مسلمانان) امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از خوبان خاندانم (معصومین علیه السلام) پیروی نکنند خداوند اشرار و بدان را بر آنان مسلط می نماید و در این هنگام انسانهای خوب دعا می کنند ولی دعایشان اجابت نمی گردد^۳

مقام معظم رهبری با استناد به روایتی به همین مضمون از امام رضا علیه السلام می فرماید:

روایتی که می خوانم روایت تکان دهنده و عجیبی است می فرماید: لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمِلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ^۴ باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید اگر نکردید خدا اشرار و فاسدها و وابسته ها را بر شما مسلط می کند یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد.

^۱ مانند روایتی که قبلاً از امام محمد باقر (ع) درباره قوم شعبی نقل کردیم (کافی ج ۵ ص ۵۶) و مانند روایتی که از امام علی (ع) نقل شده که فرمود: انما هلك من كان قبلكم حيث ما عملوا من المعاصي ولم ينههم الربانيون و الاحبار عن ذلك نزلت بهم العقوبات فأمروا بالمعروف و انهوا عن المنكر... (کافی ج ۵ ص ۵۷) و یا حدیث امام صادق (ع) که فرمود خدا دو ملک را برای عذاب شهری مأمور کرد و یکی از آنها برگشت و گفت خدایا از بندگان تو مردی هست که مشغول دعا و تضرع به درگاه تو است (و او را چگونه هلاک کنیم) خدا فرمود آنچه را امر کردم انجام دهید که آن مرد تا کنون یکبار هم برای من (نسبت به منکرات و زشتی هایی که در آن شهر صورت می گیرد) چهره اش تغییر نیافته و (عکس العملی نشان نداده است) همان ص ۵۸ - امام زین العابدین (ع) گناهی که سبب فرود آمدن بلا و مصیبت می شود را باری نکردن به مظلوم و ستم دیده و ترک امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند و الذنوب التي تنزل البلاء ترك اعانة الملهوف و ترك معاوثة المظلوم و تضييع الامر به المعروف و النهي عن المنكر (وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۵۲۰)

^۲ تحف الحقول ص ۵۱

^۳ همچنین رجوع شود به نهج البلاغه نامه ۴۷ و بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۷۷ و ص ۹۰ از علی علیه السلام و همینطور بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۷۶ و ۷۷ روایت امام صادق علیه السلام درباره امت ارمیای پیامبر

^۴ کافی جلد ۵ ص ۵۶ حدیث ۳

همان کوفه ای که امیر المؤمنین (ع) در رأس آنقرار داشت و در آنجا امر و نهی می کرد و در مسجدش خطبه می خواند به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر به مرور به جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند... وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود در جامعه خلاف کاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و به تدریج جزء فرهنگ جامعه شود زمینه برای روی کار آمدن آدم های ناباب فراهم خواهد شد^۱

۶. عدم استجاب دعا:

یکی از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر آن است که توجه و عنایت خدا از جامعه قطع می شود و دعاهاى بندگان به اجابت نمی رسد که روایات قبلی به خوبی بر آن دلالت داشت^۲

این سنت الهی است که امتی خود قیام نکند و نسبت به تحقق نیکی ها مطالبه گر و جهادگر نباشد و در مقابل زشتی ها و فسادها مبارزه زبانی و عملی نکند خدا تغییر و تحوّل در آن جامعه ایجاد نخواهد کرد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ أَفْلا مَرَدًّا لَهُ وَمَالَهُمْ مِنْ دُونِهِ مَنَواِلِ (رعد/۱۱)

و خداوند سرنوشت هیچ قوم و (ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در (وجود) خودشان است تغییر دهند و هنگامی که خدا برای قومی (به خاطر اعمالشان) بدی و(عذاب) بخواهد هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و جز خدا (نجات دهنده) سرپرستی نخواهند داشت.

مگر می شود ما در برابر بی بند و باری ها و فسادها و تعطیلی احکام خدا ساکت و بی تفاوت باشیم و با مفسدان و تهاجم کنندگان به فرهنگ و باورهای اسلامی مبارزه نکنیم و از خدا بخواهیم مارا نجات دهد؟

۷. گسترش فساد:

از خطرناکترین پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر آن است که به تدریج قبح و زشتی گناهان و معاصی از بین رفته و منکرها معروف و معروف ها منکر شوند و با عادی شدن نافرمانی خدا بی دردی و بی احساسی بر جامعه حاکم می گردد. ارزش ها دگرگون گشته. آنچه را خدا ارزش و زیبا و خوب دانسته، منکر و ناپسند و عقب افتادگی قلمداد می کنند و آنچه را خدا زشت و ناپسند دانسته، معروف و ارزش و افتخار می شناسند و کار به جایی می رسد که گرفتار نفاق گشته و یکدیگر را به منکر امر و از معروف باز می دارند.

قرآن در وصف منافقین می فرماید:

^۱ ۱۳۷۹/۹/۲۵ خطبه نماز جمعه تهران

آمرحوم شهید مرتضی مطهری در تفسیر و تبیین جمله ی فید عواخبارکم فلا یستجاب لهم می فرماید: اکثرا اینطور معنی می کنند که بعد از آنکه بدان شما مسلط شدند نیکان شما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنان را مستجاب نمی کند. ولی غزالی معنی لطیفی برای آن کرده است و می گوید: معنای این جمله فیدعوا خيارکم فلا یستجاب لهم این نیست که خداوند را می خوانند و خدا دعای آنها را مستجاب نمی کند. معنایش این است که وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند آنقدر پست می شوند آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود... (حماسه حسینی ج ۲ ص ۴۵)

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمَا لَفَاسِقُونَ توبه/۶۷

مردان و زنان منافق همه از یک گروهند آنها امر به منکر و نهی از معروف می کنند و دستهایشان را (از انفاق) می بندند خدا را فراموش کردند و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (و از رحمتش محروم ساخت) به یقین منافقان همان فاسقانند.

یکی از مهمترین جلوه های تهاجم فرهنگی جبهه استکبار سلب کردن حساسیت نسبت به دگرگونی ارزش ها و ایجاد روحیه بی دردی و بی احساسی نسبت به رواج فساد و تعطیلی ارزش های دینی است تا جایی که نافرمانی خدا برای مردم قبیح و زشت دانسته نشود در مقابل گرایش به فرهنگ بیگانگان مطلوب و ارزش قلمداد گردد و فساد مانند موربانه از درون، نظام و جامعه اسلامی را نابود سازد و ترک امر به معروف و نهی از منکر بهترین فرصت را برای تهاجم فرهنگی به دشمن می دهد.

مقام معظم رهبری امام خامنه ای با استناد به روایتی از پیامبر (ص) می فرماید:

کار دنیا به جایی رسیده است که قدرتهای زورگوی عالم، جلوه چشم مردم دنیا، معروف را منکر و منکر را معروف می کنند به نظر من در عالم فساد و تباهی بشریت، هیچ چیز بالاتر از این نیست اینکه پیغمبر اکرم (ص) طبق روایت^۱ فرمود: " کسانی پیدا خواهند شد که امر به منکر و نهی از معروف می کنند و مردم که تعجب کردند فرمود: " منکر معروف خواهد شد " انسان احساس می کند که امروز هم در دنیا چنین وضعی را دست قدرت مادی استکباری لجام گسیخته متکبر متفرعن زورگویی استکبار به وجود می آورد به مردم دروغ می گویند و این دروغ را یک کار مقدس می شمارند. ظلم را تشویق می کنند و ظالم را به خاطر این ظلم ذی حق به حساب می آورند؛ مظلوم را نکوهش می کنند و بر سر مظلوم می زنند و این بر سر مظلوم زدن را کاری خوب بشمار می آورند^۲

۸. شرکت در گناه مجرمان و گناهکاران:

هرگاه سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر نشانه رضایت از آن باشد و انسان با اینکه می تواند امر به معروف و نهی از منکر بکند بی تفاوتی پیشه کند و نسبت به منکرات و معاصی عکس العمل نشان ندهد چنین انسانی با مجرمان و گناهکاران شریک است و گویا خود او آن عمل را انجام داده است. قرآن به یهودیان زمان پیامبر اکرم (ص) بخاطر رضایت به عمل نیاکانشان می فرماید: چرا انبیاء پیشین را کشتید^۳

علی علیه السلام می فرماید: انما یجمع الناس الرضا و السخط

همانا خشنودی و ناخشنودی (رضا و سخط) مردم را گرد هم می آورد.

^۱ رک بحار الانوار ج ۶ ص ۳۰۶ - شهید مطهری در کتاب اسلام و نیازهای زمان جلد اول و همینطور در کتاب بیست گفتار این روایت را بیان کرده اند

^۲ ۱۳۷۲/۰۶/۱۴ در دیدار کارگزاران نظام

^۳ جاءکم رسل من قبلی بالبینات وبالذی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِینَآل عمران/۱۸۳

سپس حضرت به عنوان مثال داستان قوم ثمود را گوشزد کرده و می فرماید: ناقه ثمود را تنها یک نفر پی (وکشت) کرد ولی عذاب الهی همه را فرا گرفت چون همه به این عمل راضی بودند. خداوند (پی کردن ناقه را به همه آنها نسبت داد) و فرمود: آنها ناقه را پی کردند^۱

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: من به حقیقت به شما می گویم همانطور که هرکس ببیند که ماری می خواهد برادرش را نیش بزند و او وی را بر حذر ندارد و او کشته شود از شرکت در خون او ایمن نخواهد بود همچنین اگر کسی ببیند که برادرش می خواهد گناه کند و او را بر حذر ندارد از شرکت در آن گناه ایمن نخواهد بود و هرکس بتواند جلوی ستمگری را بگیرد و اقدام نکند همانند مرتکب ظلم است و چگونه ظالم بهرآسد با اینکه در میان شما آسوده زندگی می کند و او را باز نمی دارید... همین بس است که یکی از شماها بگوید من خود ستم نکنم و هرکه خواهد ستم کند و ستم را بنگرد و جلو نگیرد اگر مطلب این است که شما می گوئید چرا شما با ظالمانی که همکار آنها نیستید در عقوبت و گرفتاری دنیایشان شریکید...^۲

۹. ذلت و خواری در دنیا:

این یک سنت الهی است که جامعه و افراد آن با فرمانبرداری از خدا و عمل به شریعت، به عزت و سربلندی می رسند و در مقابل عصیان و نافرمانی خدا موجب ذلت و خواری می گردد و هرگاه در جامعه ای منکر و گناه رواج یابد و معروف ترک شود و افراد نسبت به این وضعیت ساکت و بی تفاوت باشند و اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نمایند، پلیدی و ذلت معاصی دامن این جامعه را خواهد گرفت.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: وَ إِذَا تَرَكَتْ [اُمَّتِي] الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لِحَقِّهَا ذِلَّةُ الْمَعَاصِي^۳

هنگامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند حقارت و پستی معاصی دامن آنان را می گیرد.

سرچشمه و مبدأ عزت خداست و عزت مؤمنین هم در پرتو عمل به دستورات الهی و تحقق جامعه دینی و مبرای از معصیت به دست می آید^۴ و هرگاه در جامعه دین داری و ارزشهای دین کم فروغ و مورد مطالبه نباشد و ضد ارزشها و معاصی رواج یافته گناهکاران و هنجارشکنان برای فساد احساس امنیت کنند و کسی آنها را منع و نهی نکند از سرچشمه عزت و سربلندی فاصله گرفته و خواری و پستی و ذلت گناه فراگیرتر می گردد مانند قوم بنی اسرائیل که با آن همه نعمت ها وقتی راه عصیان و نافرمانی را پیمودند خدا مهر ذلت بر آنها زد و بهخشم خدا مبتلا شدند^۵

^۱ نهج البلاغه خطبه ۲۰۱ وَ إِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمُّوه بِالرَّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ فَعَرُّوْهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (سقراء ۱۵۷)

^۲ تحف العقول - مواظ السميع ص ۵۳۹ و ۵۴۰

^۳ كفاية الاثر النص على الائمة الاتنى عشر (هم بیدار ص ۱۴۰۱ق) ص ۲۲۸

^۴ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا فَاطِر / ۱۰

^۵ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَتَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ بِقَره/ ۶۱ - از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که ذیل این آیه شریفه خطاب به مسلمانان فرمود: آنگونه که بنی اسرائیل عمل کردند، عمل نکنید و خداوند را به خشم نیاورید... ای بندگان خدا از فرو غلتیدن در گناهان و سست انگاری نسبت به آنها پرهیز کنید چرا که گناهان خواری را بر صاحبش فرود می آورد تا اینکه او را در معاصی بزرگتر وارد کند. (البرهان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۲۲۸)

قبلاً این روایت امام صادق را نقل کردیم که امر به معروف و نهی از منکر دو خلق الهی هستند و هرکس این دو را یاری می کند خدا او را عزیز می کند و هرکس آن دو را خوار سازد خدا هم او را خوار می سازد^۱

۱۰. عذاب اخروی:

از همه عواقب و پیامدهای شوم ترک امر به معروف و نهی از منکر شدیدتر، عذاب اخروی و مجازات در قیامت است که چون نافرمانی خدا و نادیده گرفتن یکی از مهم ترین عوامل حیات و اقامه دین است انسان را در ردیف کافرین، ظالمین و فاسقین مستحقّ وِیل^۲ و جهنم می کند و در قیامت در بدتریت شکل محشور می شوند.

قال رسول الله(ص): والذی نفسی بیده لیخرجنّ من امتی أناسٌ قبورهم فی صورة القردة والخنازیر ممّا داهنوا أهل المعاصی وکفّوا عن نهیم و هم یستطیعون^۳

به خدایی که جانم در دست اوست از امت من گروهی از قبر برمی خیزد در حالی که در قیافه بوزینه و خوک هستند این قیافه ها بخاطر آن است که آنان قدرت نهی از منکر داشتند ولی با گناهکاران سازش کردند.

و امام باقر (ع) می فرماید: و یلّ لِقَوْمٍ لَا یَدِیْنُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْكَرِ^۴

وای بر مردمی که خدا را با امر به معروف و نهی از منکر اطاعت نمی کنند.

برای ترک امر به معروف و نهی از منکر آثار و پیامدهای ویرانگر خطرناک دیگری به ویژه برای مجموعه هایی انقلابی و دینی وجود دارد که بخاطر اجتناب از طولانی شدن بحث از نقل و تفصیل آنها خودداری کردیم مانند: حاکمیت یافتن روحیه چاپلوسی به جای نقد سازنده، رواج پرده دری و تجرّی به گناه، آسیب پذیری بالای خانواده و جامعه در برابر دشمنان، رواج بی اعتمادی و سوء ظنّ و عدم صداقت در گفتار و رفتار، کاهش منزلت و اعتبار اجتماعی، محرومیت از امداد های الهی، ابتلا به حرام خواری و بی غیرتی و ...

^۱ کافی ج ۵ ص ۵۹

^۲ وِیل نام چاهی در جهنم می باشد

^۳ درالمنتور- جلال الدین طوسی ج ۲ ص ۳۰۲

^۴ تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۷۶

فصل چهارم: ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در سپاه

امام خامنه ای: نباید بگذارید در درون سپاه عناصر اصلی پیروزی و موفقیت تضعیف شود روحیه تعبد، روحیه دینداری، خلوص در نیت، عمل مخلصانه برای خدا انجام دادن... نگذارید مجموعه سپاه از این روحیات انقلابی و دینی دور شود... سپاه را با قدرت معنوی نگه دارید. ۱۳۸۳/۶/۲۸

احیاء و اقامه امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر وجوب شرعی و اهمیت و آثار فراوانی که در مجموعه نظام و جامعه اسلامی دارد برای سپاه پاسداران بویژه در وضعیت فعلی یک ضرورت و وجوب مضاعف دارد که در این فصل به اجمال به تبیین آن می پردازیم.

فلسفه وجودی و رسالت اساسی سپاه حفظ انقلاب و دست آوردهای آن است، آن هم حفظ و پاسداری غیر محافظه کارانه یعنی پاسداری همراه با تعمیق و گسترش و پیش روی به سمت اهداف والای انقلاب نه حفظ وضع موجود انقلاب زیرا در ذات انقلاب به عنوان یک موجود زنده و بالنده حرکت و پیش رفت نهفته است و حفاظت و نگهبانی از حالت انقلاب نیازمند پاسداری درست، به موقع و غیرمحافظه کارانه است و این مطالبه مهم مقام معظم رهبری و فرمانده معظم کل قوا از فرزندان سپاهی خود می باشد که فرمودند:

«هویت سپاه که هویت پاسداری است به معنی یک مفهوم محافظه کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را می توان یک تفسیر محافظه کارانه، معنا کرد یعنی بگوییم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم من این را نمی گویم حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست»^۱

در مراحل اولیه و مشخصاً دهه اول انقلاب اسلامی بنا بر ضرورت و تهدیدات سخت، حفظ و پاسداری از انقلاب بیشتر جنبه نظامی و عملیاتی داشت و سپاه پاسداران به اقتضاء تهدیدات و خطرهایی که متوجه انقلاب بود بیشتر بعد نظامی یافت و انصافاً خدمات بی نظیری به انقلاب کرد و سنگر نشینی خط مقدم انقلاب را در تمام عرصه های سخت بخوبی انجام داد مانند نقش بی بدیل آن در دوران دفاع مقدس، مبارزه با جریان تروریسم در داخل کشور، مقابله با ضد انقلاب داخلی و گروهکهای وابسته به استکبار، حفاظت از شخصیت ها و مراکز حساس نظام و... همین پاسداری و مجاهدت فرزندان انقلابی اسلام و ولایت، دشمنان انقلاب و جبهه استکبار را به این نتیجه و جمع بندی رساند که عملیات سخت و تهاجم نظامی در مقابله با انقلاب اسلامی جواب نمی دهد بلکه فرصت هایی را در اختیار انقلاب سبگرنشینان آن می گذارد که نسبت به تعمیق، گسترش و صدور انقلاب و بیداری ملت های دیگر پیش روی هایشگفت آورو پیروزی های بزرگی را بدست آورند.^۲

^۱ ۱۳۹۰/۴/۱۳ - ایشان در پیامد شوم محافظه کاری می فرماید: من معتقدم محافظه کاری و اکتفای به آنچه داریم و نداشتن همت و بلند پروازی در همه زمینه های فکر و فرهنگ قتلگاه انقلاب است. ۱۳۷۹/۱۲/۹

^۲ حتی ورود سپاه به عرصه سازندگی و اقتصادی با هدف و انگیزه پاسداری از انقلاب و نظام برآمده از آن بود نه انگیزه اقتصادی و درآمدزایی که به اعتراف دوست و دشمن در این عرصه هم سپاه و قرارگاه خاتم الانبیاء موفقیت های بزرگ و بی نظیری داشته و به رغم کارشکنی ها و مشکلات فراوان به خوبی از عهده مسئولیت و انجام کارهای بزرگی که هیچ نهاد و سازمان دیگری توان انجام آن را نداشت برآمده است.

در دهه دوم انقلاب هرچه به جلو رفتیم نوع تهدیدات ابعاد جدیدی گرفت و دشمن ناکام در عملیات سخت و جنگ مستقیم، استحاله از درون و جنگ نرم را در دستور کار خود قرار داد و با بکارگیری اتاق های فکر، مراکز تحقیقاتی و علمی و کارشناسان خبره خویش طرح ها و برنامه های متعددی را علیه انقلاب تهیه و در دستور کار خود قرار داد و با استفاده از ابزارها و امکاناتی که در اختیار داشت تهاجم فرهنگی، سیاسی و جنگ نرم گسترده ای را به جبهه انقلاب اسلامی تحمیل کرد.

و حال که جبهه استکبار، مرگ تدریجی خود را با حیات پویا و رو به جلو انقلاب اسلامی قطعی و اجتناب ناپذیر دانسته و حمله و تهاجم به عناصر ماندگاری انقلاب، مکتب امام و رهبری، ارکان و اصول انقلاب اسلامی مانند: ولایت محوری، جهاد کبیر و روحیه استکبار ستیزی، تعبد به شریعت و تکلیف گرایی، حضور و مشارکت مردمی و ... را از طریق فتنه ها، نفوذ و جنگ نرم و شبیخون فرهنگی با قدرت بیشتر در دستور کار خود قرار داده است ضرورت دارد که سپاه گام بلندتر و مهمتری را برای تحقق و اجرایی شدن راهبرد تحوّل تعالی بخش بردارد و این نهاد اسلامی و انقلابی و به تبع آن بسیج مردمی را در پاسداری غیر محافظه کارانه و پیش برنده، استحکام و اقتدار بیشتری ببخشد و از آنجا که شرط اساسی پیش بردگی سپاه، برای انقلاب پیش روندگی و پیش رو بودن است مسئولین سپاه با اجماع فکری به این جمع بندی رسیده اند که با احیاء و اقامه دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت و نظارت همگانی می توان به این انتظار چندین ساله مقام عظمای ولایت در ساخت سپاه معنوی و انقلابی جامه عمل پوشانید و تمام ارزش های دینی و انقلابی را بر فضای سپاه حاکم ساخت.

احیاء این دو فریضه در سپاه هم ارزش ها را سکه رایج و مطالبه همگانی می سازد و اقتدار معنوی (که اولین و محوری ترین عامل اقتدار سپاه و پاسداری از انقلاب اسلامی است) را تضمین می کند و هم پیش بردگی و انجام مأموریت ها و پاسداری از انقلاب در تمام عرصه های جنگ نرم و فرهنگی را سرعت می بخشد و تهدیدات جبهه استکبار را دفع کرده و به فرصت هایی برای گسترش و عمق بخشی داخلی به انقلاب تبدیل می کند و در یک جمله انتظار و توقع رهبری عزیز را برآورده می سازد که اینها همه جز با فرهنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر و مطالبه عمومی نسبت به ارزش ها و احکام اسلامی و مقابله با ضد ارزش ها و عوامل بازدارنده و ایستا امکان ندارد.

و به همین جهت بود که نهضت احیاء امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک ضرورت برای پاسداری از انقلاب به عنوان بزرگترین دستور کار مجموعه مسئولین سپاه در همه حوزه ها قرار گرفت و پس از جلسات کارشناسانه و عالمانه و مطالعه واقعیات موجود مقدمات اجراء آن در مراحل متعدّد و مرتبط با هم فراهم گردید و آموزش کاربردی همه پاسداران نخستین گام اجراء این طرح در مرحله اول قرار گرفت و در صورتی که این مرحله به خوبی و با اقدام جهادی و انقلابی همه مسئولین، فرماندهان، مربیان و بویژه پاسداران عزیز انجام گیرد اقدامات بعدی می تواند مؤثر و مفید باشد.

انتظار از این برنامه آموزشی آن است که اولاً انگیزه و شوق اسلامی و انقلابی پاسداران مؤمن، ولایتمدار، انقلابی، بصیر و سنگر نشین انقلاب را نسبت به این دو واجب مانند نماز و دیگر واجبات بالا ببرد و تمام پاسداران بعد از این دوره آموزشی مطالبه ارزشها و دستورات دینی و مقابله با ضد ارزش ها و منکرات را تکلیف اسلامی، انقلابی و سازمانی خود قرار دهند و ثانیاً نسبت به احکام، مراتب، شرایط و بویژه شیوه ها و روش های انجام این دو فریضه بزرگ آگاهی کامل پیدا کنند و با توانایی علمی و عملی، رسالت و مأموریت بزرگ خود را در ساخت سپاه معنوی و انقلابی برای دفاع همه جانبه از اسلام و انقلاب انجام دهند. انشاءالله...

فصل پنجم: عوامل فراموشی و بی رونق شدن امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: مسلمانان خصوصیتی دارند که می توانند اراده خود را در حرکت عالم مؤثر کنند به خاطر چه؟ به خاطر احکام نورانی اسلام بلکه به خاطر روحیات و خلقیاتی که اسلام به مسلمانان می دهد مثل ظلم ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل الله... این خصوصیت مسلمانان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی ناراحتند... برای اینکه مسلمان بی خطر شود دو کار باید با او بکنند یکی اینکه او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم اینکه روحیه او را بشکنند و تحقیرش کنند. ۱۳۷۵/۳/۱۶

این سؤال برای خیلی از مؤمنین و جوانان مطرح است که با وجود جایگاه ویژه و اهمیتی فوق العاده و وجوب قطعی این دو فریضه و همینطور آثار و برکات بی نظیر و تأکیدات فراوان قرآن و روایات و نیز پیامدهای شوم و مهلک، ترک امر به معروف و نهی از منکر چرا این دو فریضه بی فروغ و به حالت فراموش شده درآمده و تعطیل گشته است!! و حتی بین اهل ایمان و متدینان التزام اعتقادی و عملی به آنها مانند دیگر واجبات مانند نماز و روزه، سکه رایج و پر فروغ نمی باشد؟

پاسخ به این سؤال اهمیت و ضرورت نهضت احیاء این دو فریضه را مضاعف می کند و ما تنها به برخی از مهمترین عوامل تعطیلی نسبی و کم فروغ شدن امر به معروف و نهی از منکر به اجمال می پردازیم:

۱. تحریف دین:

طاغوت ها و ستمگران همواره اسلام و احکام آن را مزاحم سلطه و حاکمیت ظالمانه خود یافته و هرگاه از نابودی اسلام مأیوس گردیده اند، تحریف دین را در دستور کار خود قرار داده اند و با محدود ساختن آن به یک سلسله امور عبادی و فردی و دور نمودن مسلمانان از احکام و دستورات تحرک آفرین و جهادی و انقلابی مانع طغیان و جنبش و قیام مسلمانان گردیده اند و یکی از بزرگترین احکام و دستورات اسلامی که آنها نسبت به آن احساس خطر زیادی می کردند و آنرا عامل حرکت و بیداری مسلمانان می دانستند موضوع امر به معروف و نهی از منکر بوده است لذا با تمام توان و بکارگیری همه ابزار قدرت تلاش کردند این دو فریضه بزرگ از فرهنگ دین داری و اسلامی پاک شود و مسلمانان به همان امور عبادی و فردی که برای استعمارگران و ستمگران خطری ندارد مشغول شوند.

تلاش مشترک بنی الامیه و بنی العباس و بسیاری از حاکمان ستمگر دیگر همین تحریف دین و تعطیل کردبخشهایی از احکام اسلام بوده که روحیه انقلابی، جهادی و دشمن ستیزی مسلمانان را تقویت و تحریک می کرد، و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد از مهمترین اینها می باشد. فراموش نکرده ایم که داشتن رساله عملیه حضرت امام خمینی(ره) بخاطر اینکه (بر خلاف روال معمول) همراه واجبات و احکام، دیگر به موضوع امر به معروف و نهی از منکر و دفاع هم پرداخته بود.

از نظر رژیم ظالم پهلوی و دستگاه های امنیتی آن جرمی بزرگ قلمداد می شد که رسیدگی به آن توسط ساواک با مجازات های سنگین همراه بود.

امید است حوزه های علمیّه و مراکز تحقیقاتی همانند سایر واجبات، موضوع امر به معروف و نهی از منکر و عرصه های مختلف و اهمّیت و ضرورت آن را بیش از گذشته مورد تبیین و تحلیل قرار دهند. انشاءالله...

۲. تعطیلی امر به معروف و نهی از منکر ارمغان غرب:

عملکرد زشت و خردستیزانه و خشونت طلبانه ارباب کلیسا در قرون وسطی سبب شده بعد از رنسانس غرب، دین از حضور و دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و زندگی مردم بیرون و به امور فردی و شخصی محدود و محصور گردد و فرهنگ سکولاریسم و دین بی خاصیت و بی تحرک جایگزین دین تحرک آفرین و انقلابی قرار گیرد و سپس همین فرهنگ تجربه شخصی بودن دین و تفکر سکولاریسم را به عنوان برجسته ترین عامل تمدن و پیشرفت غرب به کشورهای اسلامی صادر و نفوذ دادند و حاکمان و دست نشاندهاگان آنها و روشنفکران منفعل بیشترین خدمت را به غرب کردند و متأسفانه مسلمانان بدون توجه به تفاوت ماهوی و اساسی اسلام با مسیحیت قرون وسطی به تدریج در اندیشه و عمل سکولار گشته و حتی متدینان دین داری را به امور عبادی فردی محدود کرده و مفاهیمی مانند امر به معروف و نهی از منکر را از قاموس دین داری حذف و یا حداکثر آن را به همان عبادات فردی منحصر کردند.

۳. عدم آگاهی:

سومین عامل بی فروغی این دو فریضه در جوامع اسلامی (که تحت تأثیر دو عامل قبلی می باشد) آن است که عموم مسلمانان نسبت به وجوب، جایگاه و اهمّیت امر به معروف و نهی از منکر آگاهی و شناخت لازم را نداشته و نمی دانند که ترک این دو فریضه و تعطیلی آنها چه پیامدهای خطرناک و شومی را متوجّه آنها خواهد کرد و دنیا و آخرت آنها را تباه می سازد و لذا انگیزه لازم را در خود برای انجام این فریضه نمی یابند.

۴. تسلّط نداشتن بر چگونگی انجام این دو فریضه (عدم مهارت):

برخی از مؤمنین هم که اهمّیت و وجوب این دو فریضه را تا حدودی دریافته اند لکن نسبت به شیوه ها و مهارت های لازم و چگونگی انجام آن آگاهی لازم را نداشته و نمی دانند در شرایط مختلف چگونه باید وظیفه خود را انجام دهند تا تأثیرگذاری مفید را داشته باشد و بجای آنکه به دنبال کسب مهارت و شناخت احکام، شیوه ها و مراتب امر به معروف و نهی از منکر باشند، حذف و ترک این دو واجب را انتخاب می کنند.

۵. هزینه بر بودن امر به معروف و نهی از منکر:

بسیاری از ما مسلمانان عادت کرده ایم بخش هایی از دین که زحمت زیادی نداشته و نیاز به هزینه کردن از مال، جان و متاع دنیوی نداشته باشد را عمل کنیم اما اگر دین داری نیازمند تحمل رنج و زحمت و یا گذشتن از دنیا باشد با بهانه های مختلف از آن شانه خالی کنیم و امر به معروف و نهی از منکر در بسیاری از موارد با گرایش های دنیوی ما قابل جمع نبوده و گاهی ممکن است نیاز به هزینه کردن وقت، مال و یا حتی جان باشد که جز انسان هایی که ایمان راسخ دارند به آن ملتزم نمی شوند.

امام حسین (ع) در اولین خطبه در کربلا در تحلیل اینکه چگونه مردم کوفه با آن همه دعوت و طومارها وقتی برق شمشیر عبیدالله را دیدند از یاری امام حسین (ع) دست کشیده و حتی به جبهه مقابل پیوستند. می فرماید:

إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينَ لَعَقٌ عَلَى السِّنْتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مَحَسُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَاتُونَ^۱

همانا مردم بندگان دنیا هستند (و دنیا را می پرستند) و این تنها بر سر زبان آنها است و این دین مادامیکه معیشت و دنیای آنها آباد باشد آنها را احاطه کرده (و عمل می کنند) اما وقتی با بلاء آزموده شوند دینداران کم می شوند.

۶. معرفی نشدن مناسب معروف ها و منکرها :

امر به معروف و نهی از منکر متوقف است بر اینکه خوبی ها، ارزش ها و معروف ها و همینطور زشتی ها، ضدارزش ها و منکرات به خوبی برای مردم روشن باشد تا بدانند به چه چیزی امر کنند و از چه اموری نهی نمایند اما وقتی مرز بین ارزش ها، معروف ها و منکرها از بین برود و قدرت تشخیص خیر از شر، حق از باطل و معروف از منکر وجود نداشته باشد نمی توان انتظار داشت که امر به معروف و نهی از منکر شکل بگیرد و لذا لازم است معروف ها و منکرها در همه عرصه های فردی، اجتماعی، سیاسی و... تبیین و معرفی شوند تا جامعه بدانند به چه چیزی دعوت و از چه اموری منع نمایند. به تعبیر دیگر بهترین راه اقامه امر به معروف و نهی از منکر آن است که واجبات و ارزش ها بین مردم معروف و پسندیده شوند و محرمات و ضد ارزش ها بین مردم منکر و زشت و مورد نفرت دانسته شود.

۷. القاء شبههاتی راجع به امر به معروف و نهی از منکر:

گاهی شبههاتی به جامعه القاء می شود که نتیجه آن ترک امر به معروف و نهی از منکر است. مثل اینکه گفته می شود انسان ها آزادند و مسئول عمل خویش و دخالت دیگران و امر و نهی آنها محدود کردن آزادی است در حالیکه اسلام آزادی جامعه دینی و مؤمنین را در چهارچوب قوانین و احکام الهی و عقل و فطرت می پذیرد^۲ و مخصوصاً آنجا که آزادی موجب فساد و گمراهی دیگران باشد چون تعرض به حقوق و امنیت فکری و دینی دیگران است حرمتی ندارد باید جلوی آن گرفته شود و امر به معروف و نهی از منکر عمدتاً مربوط به گناهان پنهانی مردم نیست بلکه در جایی است که تظاهر به نافرمانی خدا و عقل شده و دیگران را به خطر می اندازد. آیا اگر شما به کسی گفتید در محیط بسته سیگار نکشد تا دیگران آزار و اذیت نشوند این خلاف آزادی است؟! همینطور اگر به کسی گفته شده با روزه خواری علنی حرمت جامعه اسلامی را در ماه رمضان حفظ کن یا اگر به خانمی گفتید با بد حجابی، امنیت فکری و روانی جوانان را به خطر نینداز این خلاف آزادی است؟!...

شبهه دیگر اینکه گفته می شود اگر خدا می خواست خودش جلوی منکرات را می گرفت و معروف ها را احیاء می کرد و ما نباید دخالت کنیم در حالیکه عالم تشریح غیر از عالم تکوین است و خداوند انسان را آزاد گذاشته تا به اختیار خویش احیاءگر ارزش ها و مقابله کننده با ضد ارزش ها باشند و همگان امتحان شوند.

برخی هم امر به معروف و نهی از منکر را مخالف مفهوم انتظار دانسته و می گویند باید جلوی گناه و فساد را باز گذاشت تا مقدمات ظهور فراهم شود، گویا اینان مفهوم انتظار را با احتضار خلط کرده و توجه ندارند که انتظار یعنی آماده باش و ایجاد عطش در جامعه برای ظهور خورشید عالم، تاب انتظار عامل سازنده و حرکت آفرین است نه عامل بازدارنده.

^۱ تحف العقول کلمات قصار امام حسین (ع) حدیث ۱ ص ۲۴۹ - همچنین رجوع شود به خطبه آن حضرت که با بحث امر به معروف و نهی از منکر شروع فرموده است. همان

۸. محافظه کاری و بهانه تراشی های غلط:

برخی برای فرار از زیر بار مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر به دنبال بهانه های غلط و توجیه کننده رفته و به خیال خویش تکلیف و مسئولیت را از خود سلب می کنند. بهانه هایی مثل ترس از عواقب آن یا نگران اثر نکردن یا خجالت کشیدن و ملاحظه کاری یا اینکه با تذکر من و یک گل بهار نمی شود یا اینکه دیگران هستند و آنها اقدام می کنند و یا اینکه بعداً اقدام خواهم کرد یا اینکه کار از کار گذشته و فایده ای ندارد و یا اینکه فرصت ندارم^۱ و گاهی هم از ضرب المثل ها استفاده غلط می کنند و می گویند عیسی به دین خود، موسی به دین خود، یا من و گناهکار را در یک قبر نمی گذارند، یا سری که درد نمی کند نباید دستمال بست و... در حالیکه همه این بهانه ها نشأت از ضعف ایمان انقلابی است و رافع تکلیف نمی باشد. جرم و گناه در جامعه فقط گناهکار را هلاک نمی کند بلکه دیگران را به سقوط کشانده و زمینه انحراف آنها را فراهم می کند.

بنابراین احیاء و اقامه دو فریضه بزرگ و مهم اسلامی نیازمند نهضتی عظیم فراگیر است که در بُعد علمی و معرفتی مؤمنین به وظایف و تکالیف خود در این زمینه آشنایی کامل پیدا کنند و با آگاهی از اهمیت، قلمرو، روش ها و مهارت های امر به معروف و نهی از منکر، توانایی و انگیزه لازم را برای انجام این فریضه کسب کنند و هم در بُعد عملی گرفتار شبهات، بهانه ها و دسیسه های دشمن نگشته با قدرت و قوت مسئولیت همگانی و نظارت عمومی خویش را اعمال نمایند و جامعه را در مسیر هدایت و تعالی سوق داده نگذارند دشمنان با تهاجم فرهنگی و نفوذ در افکار و قلوب، انحراف را در بین مردم نهادینه و معروف ها را منکر و منکرها را معروف کنند و این همان مطالبه جدی رهبری است که می فرماید:

یکی از عواملی که در جامعه از بدیها جلوگیری می کند نهی از منکر و منکر ساختن منکر است، نگذاریم منکر، معروف و معروف، منکر شود^۲

و در بیان دیگری خطاب به علماء و روحانیون می فرماید:

باید خطر را بشناسیم باید تقاطعی را که خطر از آن تقاطع جامعه اسلامی را تهدید می کند درست بشناسیم آن عبرت های قضایای صدر اسلام را برای مردم و خودمان باز کنیم مهمترین وظیفه ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد این است که نیروهای مؤمن و آمر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند باید در صحنه باشند همه جا باید حضور داشته باشند حزب الهی بودن یعنی آماده کار بودن برای انجام تکالیف الهی این یک ارزش است یک ارزش انقلابی است^۳

^۱ رجوع شود - محسن قرائتی - امر به معروف و نهی از منکر ص ۷۵ تا ۸۲

^۲ ۱۳۷۷/۱۲/۴ در جلسه پاسخ به پرسش مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی

^۳ ۱۳۷۱/۵/۷ در دیدار با علماء و روحانیون

بخش سوم: چگونگی امر به معروف و نهی از منکر

بعد از شناخت مفهوم و مقصود از امر به معروف و نهی از منکر و گستردگی حوزه و قلمرو آنها و همینطور پس از آگاهی از اهمیت و آثار فراوانی که بر این دو فریضه و واجب همگانی مترتب است و نیز پیامدهای شومی که ترک آنها دارد اینک این مسأله مطرح می شود که سازوکار، شیوه و روش مناسب امر به معروف و نهی از منکر چیست و چگونه می توان این دو واجب بزرگ الهی را در شرایط و موقعیت های مختلف و در عرصه های متفاوت امتثال و عملی کرد؟

در این بخش چگونگی امر به معروف و نهی از منکر در پنج فصل ارائه خواهد شد. انشاءالله...

فصل اول: شرایط امر به معروف و نهی از منکر

فصل دوم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر

فصل سوم: آداب امر به معروف و نهی از منکر

فصل چهارم: آمرین به معروف و ناهیان از منکر

فصل پنجم: شیوه ها و روش های امر به معروف و نهی از منکر

فصل اول: شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: مسئله امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز است
یاد گرفتنی است باید بروید یاد بگیرید مسئله دارد که کجا و چگونه
باید امر به معروف و نهی از منکر کرد ۱۳۷۱/۴/۲۲

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه ای هستند که در تعامل و ارتباط با دیگران و با هدف اصلاح جامعه و خیرخواهی برای افراد آن شکل می گیرد، برای اینکه جهت گیری اصلاحی و خیرخواهانه آن حفظ شود و در عین حال شخصیت و حرمت انسان ها بی جهت آسیب نبیند دارای احکام و دستوراتی است که نخستین آنها شرایط و الزامات انجام این دو فریضه الهی هستند. شرایط و الزاماتی که بدون آنها نمی توان امر و دعوت کننده به نیکی ها و بازدارنده از زشتی ها بود.

شرایط وجوب یا واجب:

قبل از ورود به شرایط امر به معروف و نهی از منکر به یک سؤال مهم باید پاسخ بدهیم که: آیا این شرایط، شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر هستند که بدون آنها اولاً امر به معروف و نهی از منکر وجوب نداشته و ما تکلیفی نداریم و ثانیاً تحصیل و تلاش برای تحقق این شرایط لازم نیست و باید منتظر ماند و هرگاه این شرایط خود به خود و به صورت طبیعی فراهم شد تکلیف می آید و امتثال آن لازم است مثل استطاعت نسبت به حج که تحصیل آن لازم نیست و تا استطاعت خوددیده خود نیاید حج وجوب نخواهد داشت یا اینکه این شرایط، شرایط واجب اند و تحصیل آنها به عنوان مقدمه واجب، واجب است و وجوب این دو فریضه متوقف بر تحقق این شرایط نیست؟

در پاسخ باید بین وجوب و اقامه این دو فریضه و بین پیاده سازی آن در مصادیق معروف و منکر تفاوت قائل شد به این معنی که نسبت به مصادیق معروف و منکر و آنجا که مکلف می خواهد امر به نیکی یا نهی از زشتی بکند بدون این شرایط وجوبی تحقق ندارد و در واقع این شرایط، شرایط وجوب اند و تا کسی این شرایط را نداشته باشد نباید و واجب بلکه چه بسا جایز نیست اقدام امر به معروف و نهی از منکر بنماید چون به خطا خواهد رفت و خود عمل او منکر است لکن اینطور نیست که اصل وجوب این دو فریضه و اقامه آن معلق و مشروط باشد بوجود این شرایط به این معنی که تا این شرایط بصورت طبیعی به وجود نیامده ما وظیفه ای نسبت به امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم بلکه در این مرحله تحصیل این شرایط و مقدمات برای انجام این دو فریضه به عنوان مقدمه واجب، وجوب یافته و باید آنها را کسب کرد^۱

بنابراین کسی نمی تواند با این ادعا که امر به معروف و نهی از منکر وجوبش متوقف بر این شرایط است و تحصیل شرایط وجوب هم که لازم نیست پس من شرایط را فراهم نمی کنم تا امر به معروف و نهی از منکر اصلاً و هیچگاه بر من واجب نباشد چرا که اولاً در بسیاری از موارد شرایط خود به خود دارد و ثانیاً گفتیم در تطبیق بر مصادیق و اجرا کردن امر به معروف و نهی از منکر این شرایط، شرایط وجوبند اما اصل تشریح و ابلاغ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو

^۱ به تعبیر دیگر اصل ابلاغ و وجوب امر به معروف و نهی از منکر مانند حج نیست که در اصل تشریحش معلق و متوقف بر استطاعت باشد (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ إِسْتِطَاعَةٍ) بلکه شارع بطور مطلق مؤمنین را مأمور به امر به معروف و نهی از منکر کرده است بنابراین باید تلاش کرد مقدمات و شرایط این دو فریضه را فراهم نمود اما در مرحله عمل اگر مثلاً در معروف بودن چیزی شک داشتیم بخاطر حفظ حرمت دیگران امر به آن واجب نیست و یا اگر در منکر بودن چیزی تردید نمودیم نهی از آن واجب نمی باشد.

وظیفه مقید و مشروط نمی باشد و تحصیل مقدمات و شرایط آن واجب است و لذا فقهاء در عین آنکه غالباً شرایط امر به معروف و نهی از منکر را شرایط وجوب می دانند اما یاد گرفتن و تحصیل شرایط را لازمی دانند^۱ مثلاً شناخت معروف ها و منکرهای دینی را به عنوان موضوعات مبتلا به واجب دانستند و یا می گویند راههای تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر را باید دنبال کرد و راهی یافت که اثر بگذارد (یعنی نمی توانید بگویید چون شناخت معروف و منکر و اثربخشی شرط وجوب است من به دنبال تحصیل آنها نمی باشم).

اما شرایط کدامند:

شرط اول: علم به معروف و منکر

نخستین شرط که در عین حال بسیار روشن و بدیهی می نمایاند اما در تطبیق آن بر مصادیق دارای ظرافت و اهمیت فوق العاده ای می باشد این است که امر در هر موردی بدانند که آنچه به آن امر می کند واقعاً معروف و از نظر شرع یا عقل یا عرف متشرعه دارای حُسن و مطلوبیت می باشد و ناهی آگاهی به منکر و مذموم بودن آن از طرف منابع ذکر شده داشته باشد نه اینکه بر اساس وهم، خیال یا تحت تأثیر اغراض شخصی و عوامل دیگر اقدام کند و بعلاوه در نهی از منکر و امر به معروف به همان مورد و چیزی که شرع و عقل معروف و منکر دانسته اند اقدام کند مثلاً اگر دید کسی در ماه مبارک رمضان تظاهر به روزه خواری می کند و احتمال بدهد او عذر شرعی دارد بجای اینکه به او بگوید چرا روزه نمی گیری بگوید تظاهر به روزه خواری نکن و حرمت رمضان و مؤمنین روزه دار را حفظ کن.

امام صادق (ع) می فرماید:

صَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ^۲

آمر به معروف (و ناهی از منکر) نیازمند آن است که حلال و حرام را بشناسد.

امام خامنه ای: البته به شما بگویم عزیزان من منکر را باید بشناسید چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید در حالی که منکر نباشد باید معروف و منکر را بشناسید واقعاً باید بدانید این منکر است^۳
معظم له در پاسخ سؤال هایی که در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر شده. بارها به این شرط تصریح دارند:

امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند بلکه نباید چنین کاری بکند زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به معروف و نهی از منکر کند بنابراین نهی از منکر کردن کسی نمی دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی ای که گوش می دهد از نوع مبتذل و حرام یا حلال) واجب بلکه جایز نیست^۴

^۱ یَجِبُ تَعَلُّمُ شَرَايِطِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ مَوَارِدِ الْوُجُوبِ وَ عَدَمِهِ وَالْجَوَازِ وَ عَدَمِهِ حَتَّى لَا يَتَّقِيَ فِي الْمُنْكَرِ فِي أَمْرِهِ وَ تَهْيِئِهِ (تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۱)

^۲ مصباح الشریعه ترجمه مصطفوی ص ۲۷۲

^۳ ۱۳۸۲/۲/۲۲۳ دانشگاه تهران - پرسش و پاسخ

^۴ واجب فراموش شده ص ۷۳ به نقل از رساله اجوبه الاستفتاعات ص ۱۰۵۷ - ۱۰۵۹ و ۱۰۶۷

چند مسئله راجع به علم به معروف و منکر:

۱. شناخت معروف و منکر محدود به علم تفصیلی و برهانی نیست. بلکه اگر چیزی با صراحت در منابع دینی یا فتوای مراجع تقلید یا حکم رهبری و یا قانون نظام اسلامی معروف یا منکر شمرده شد یا از آن مدح یا مذمت شد همه اینها مصادیق معروف و منکر شناخته شده می باشند و امر و نهی به آنها واجب است اگر کسی مقررات راهنمایی را رعایت نکرد باید امر به معروف و نهی از منکر شود و نمی توان بهانه آورد و ادعا کرد که از کجا این مقررات، معروف باشد و من علم به معروف بودن آنها ندارم که دیگران را به آن امر و نهی کنم^۱

۲. امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که بدانیم کسی عالمانه و عامدانه مرتکب منکر یا ترک معروف می شود. اما اگر از روی نسیان (مانند کسی که فراموش کرده روزه است و چیزی می خورد) یا از روی جهل به موضوع (نه حکم) عملی را انجام می دهد^۲ (مثلاً مایعی را بدون اینکه بداند مسکر است بنوشد) امر به معروف و نهی از منکر او واجب نیست^۳ بله اگر عاصی جهل به حکم داشت باید او را متوجه حکم و قانون شرعی نمود مخصوصاً در جایی که جهل به حکم پذیرفتنی نباشد و جاهل مقصر باشد^۴

۳. امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر این نیست که امر و ناهی تفصیلاً تمام معروف ها و منکرات را بشناسد و سپس اقدام کند (که این شناخت برای غالب افراد آسان و مقدور نمی باشد) بلکه در هر موردی که می خواهد اقدام کند باید نسبت به همان مورد علم به معروف و منکر بودنش داشته باشد. مثلاً اگر دید واجبی عالمانه و عامدانه ترک می شود یا حرامی انجام می گیرد که او علم به وجوب یا حرمت آن دارد باید اقدام به امر به معروف و نهی از منکر بنماید [اگرچه همه واجبات و محرمات را شناسد] و در مصداقی که علم به وجوب و حرمت ندارد نباید اقدام کند^۵

شرط دوم: احتمال تأثیر

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر احیاء خوبی ها و ارزش ها و واجبات شرعی و جلوگیری از زشتی ها و ضد ارزش ها و محرمات است و تابع تحقق این هدف می باشد و لذا شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر اثربخشی و تأثیرگذاری آن است و اگر در موردی علم قطعی و یقین داشته باشد که هیچگونه اثری بر آن مترتب نیست^۶ [اگر چنین قطعی واقعاً حاصل شود] امر به معروف و نهی از منکر مصداق نداشته و واجب نمی باشد. البته در همین موارد نادر هم نباید بی تفاوت بود و باید به دنبال راه هایی بود که اثرگذار باشد. مثلاً اگر دید امر و نهی خود او اثر ندارد ولی اگر دیگری بگوید اثر می کند باید از آن فرد بخواهد که او امر به معروف و نهی از منکر کند^۷ یا اگر دید گفتن اثر ندارد اما با نوشتن اثر

^۱ لا فَرْقَ فِي الْمَعْرِفَةِ بَيْنَ الطَّرُقِ الْمُعْتَبَرَةِ الْاجْتِهَادِيَةِ وَالْتَقْلِيدِ... (تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۰)

^۲ رک تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۰ مسئله ۴

^۳ امر به معروف و نهی کننده از منکر باید عالم به معروف و منکر باشد و همچنین بداند که فاعل منکر عمداً و بدون عذر شرعی مرتکب آن می شود... (اجوبه الاستفتاعات امام خامنه ای ص ۱۰۵۷)

^۴ لو كانت المسئلة غير خلافية واحتمل أن يكون المتركب جاهلاً بالحكم فالظاهر وجوب أمره و تهيه سيما إذا كان مُقَصِّراً والا حوط إرشاده الى الحكم أولاً ثم انكاره اذا اصر سيما إذا كان قاصراً (تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۰ مسئله ۳)

^۵ برای آگاهی از مسائل دیگر رجوع شود به اجوبه الاستفتاعات مقام معظم رهبری و تحریر الوسیله امام خمینی

^۶ زمانی اقدام به امر و نهی واجب می شود که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده شود اجوبه الاستفتاعات مقام معظم رهبری ص ۱۰۵۷

^۷ تحریر الوسیله امام ج ۱ ص ۴۲۲ مسئله ۱۰

لذا امام خامنه ای می فرماید: بعضی گفته اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد من می گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است. مگر در نزد حکومت های قدر، قدرتمندان و سلاطین. آنهایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی رود و اثر نمی کند اما برای مردم چرا برای مردم حرف اثر دارد.^۱

بعلاوه مؤمن دلسوز و اصلاح گر دینی همواره باید به دنبال یافتن راهکارها و شیوه های باشد که امر و نهی او اثر کند نه اینکه وقتی دید یک روش اثر نمی کند این دو فریضه بزرگ را ترک نماید^۲

شرط سوم: اصرار و استمرار عمل

امر به معروف و نهی از منکر برای این است که جلوی وقوع منکر یا ترک معروف در زمان حال یا آینده گرفته شود و حکم خدا مخالفت نشود اما اگر کسی در گذشته خلافی کرده و در آینده بنا ندارد آن را تکرار کند و اصرار بر مسیر انحرافی خود ندارد در اینجا امر به معروف و نهی از منکر معنی و اثر ندارد.

امام خمینی ره می فرماید:

شرط سوم این است که عاصی مصر بر استمرار باشد. پس اگر از حال او دانسته شود که معصیت را ترک خواهد کرد و خوب ساقط است حتی اطمینان و یا وجود بینة یا توبه فرد کفایت می کند بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد.^۳

امام خامنه ای می فرماید: شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر اصرار بر گناه است یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار گناه اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون اینکه امر و نهی شود خود از خطا دست بر می دارد یعنی معروف را بجای می آورد و منکر را ترک می کند امر و نهی او واجب نیست.^۴

البته نباید فراموش کرد حتی نسبت به کسی که قبلاً گناهی کرده و اصرار به ادامه او ندارد گرچه نسبت به آن معصیت امر و نهی او واجب نیست لکن اگر از آن گناه و نافرمانی توبه نکرده است باید امر به توبه شود زیرا خود توبه از گناه یک واجب الهی و امر می باشد به آن هم واجب است^۵

چنانچه هرگاه برای معصیت کار امکان تکرار گناه نباشد ولی بدانیم که بنا دارد اگر توانست آن را تکرار کند باید او را از عزم و تصمیم بر گناه نهی کرد گرچه نهی او از عمل غیر مقدور واجب نیست^۶

^۱ ۱۳۷۰/۲/۲۲ دانشگاه تهران پاسخ به پرسش های دانشجویان

^۲ برای شرط تأثیرگذاری و موارد آن مسائل متعددی وجود دارد که می توانید به تحریرالوسیله امام خمینی و اجوبه الاستفتاعات یا رساله آموزشی امام خامنه ای مراجعه کنید

^۳ رک تحریرالوسیله ج ۱ ص ۴۲۴ و ۴۲۵

^۴ واجب فراموش شده ص ۷۴ به نقل از اجوبه الاستفتاعات

^۵ تحریرالوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۴ مسئله ۵

^۶ تحریرالوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۵ مسئله ۸

در مستند اعتبار این شرط گفته شده است که اولاً خلافی در این باره وجود ندارد و ثانیاً اگر معلوم شود که گناه و معصیت تکرار نخواهد شد موضوعی برای امر و نهی باقی نخواهد ماند لذا برخی حتی حکم به حرمت امر و نهی در این فرض کرده اند^۱

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر بیشتر متوجه زمان حال یا آینده است. اما نسبت به گناهی که در گذشته انجام گرفته و عاصی بنای بر استمرار و تکرار ندارد یا امکان آن برای او وجود ندارد موضوعیت ندارد^۲

شرط چهارم: نداشتن مفسده

امر به معروف واجب توصلی است و هدف از آن اصلاح و هدایت دیگران است و اگر خود آن منشأ مفسده دیگری گردد یا ضرر مهمی بر آن مترتب باشد موضوعیت نداشته و واجب نمی باشد مثلاً اگر امر به معروف و نهی از منکر به یک واجب فردی، موجب قتل نفس شود نباید اقدام کرد.

امام رضا (ع) می فرماید:

وَالْأَمْرُ وَالْمَعْرُوفِ وَنَهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ إِذَا امْكُنْ وَلَمْ يَكُنْ خِيفَةَ عَلَى النَّفْسِ^۳
امر به معروف و نهی از منکر زمانی واجب است که امکان داشته باشد و ترسی بر جان نباشد

امام خمینی می فرماید: اگر علم یا گمان (عقلانی) داشته باشد که انکار منکر موجب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه برای خود او یا یکی از بستگان و یاران او می شود پس نهی از منکر واجب نیست و از او ساقط می شود.^۴

امام خامنه ای می فرماید: زمانی اقدام به امر و نهی واجب می شود که احتمال تاثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده شود و ضرری برای خود او نداشته باشد و در غیر این مورد باید تناسب بین ضرر احتمالی و اهمیت معروفی را که به آن امر می نماید یا منکری که از آن نهی می کند، ملاحظه نماید.^۵

و نیز می فرماید: اگر ترس از ضرر منشأ عقلایی داشته باشد مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.... ولی سزاور نیست کسی به مجرد ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به مجرد احتمال ضرر کمی از طرف او تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند.^۶

در رابطه با این شرط هم مسائل و نکات مهمی وجود دارد^۷ که به چهار مورد اشاره می کنیم:

^۱ پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات - محمد اسحاق مسعودی ص ۲۵۸ به نقل از جواهر الکلام ج ۲۱ ص ۳۷۰ و جامع المدارک ج ۵ ص ۴۰۴

^۲ برای آگاهی از مسائل این شرط رجوع شود به تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۴ و ۴۲۵

^۳ وسائل الشیعه ج ۱۱ کتاب امر به معروف و نهی از منکر ص ۴۰۲

^۴ تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۲۵

^۵ اجوبه الاستفتاءات ص ۱۰۵۷

^۶ همان ص ۱۰۶۱

^۷ رک تحریر الوسیله امام ج ۱ ص ۴۲۵

۱. علم به مفسده و ضرر باید عقلائی باشد نه احتمالی که قابل اعتناء و پذیرفتنی نزد عرف و عقلا نمی باشد و ثانیاً ضرر و مفسده باید زیانش قابل توجه و از ترک واجب و انجام منکر بیشتر باشد اما ضرر اندک و کوچک مانع انجام این دو فریضه بزرگ نمی گردد.

۲. در آنجا که حفظ و دفاع از اساسدین و اصول مذهب متوقف به امر به معروف و نهی از منکر باشد، بذل جان مال واجب است و بخاطر اهمیتی که بر آن مترتب است تحمل ضرر مانع آن نمی شود چنانچه امام حسین علیه السلام با علم به اینکه حرکت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکرش موجب شهادت خود و فرزندانش و اسارت خانواده اش می گردد برای دفاع از دین خدا قیام کرد. در واقع پیام نهضت امام حسین(ع) این بود که من جان می دهم تا دین خدا جان ندهد من عزیزانم را فدا می کنم تا حیات دین را تضمین کنم یا باید فاتحه اسلام خوانده شود (عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَام) یا باید شهادت نامه حسین و فرزندانش نوشته شود و او برای حفظ اسلام شهادت را عاشقانه می پذیرد.

بنابراین نسبت به ضرر مترتب بر امر به معروف و نهی از منکر باید ملاحظه اهم و مهم و اهمیت آنچه به آن امر یا نهی می شود را نمود و اگر اهمیتی آن آنقدر زیاد بود که تحمل مشقت مانند: زندان رفتن، آزار واذیت دیدن و حتی جان و مال دادن نسبت به آن کمتر باشد باید اقدام کرد.

۳. احتمالات ضعیف و کوچک نباید بهانه و مانع ترک این دو فریضه بزرگ گردد. چنانچه در روایات ما آمده که امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر آجلی را نزدیک و روزی را کم نمی کند.^۱

۴. مؤمن باید تلاش کند راه هایی را بیابد که بدون مفسده و ضرر جلوی عصیان و نافرمانی خدا گرفته شود. نه اینکه با صرف علم به ضرر این دو واجب را ترک کند مثلاً اگر می داند که امرونی خودش ضرر دارد اما گزارش آن به کسانی که قدرت دارند می تواند جلوی معصیت را بدون ضرر بگیرد باید اقدام کند.

فصل دوم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: خودتان را مجهز کنید. مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون های فرهنگی و هنری روید و پذیرای جوانان ها باشید با روی خوش هم پذیرا باشید با سماحت و مدارا...؛ با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می کند. نهی از منکر با زبان خوش. نه با ایجاد نفرت. در دیدار با روحانیون خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت همگانی و طبابت و درمان است که هر کدام از مؤمنین نسبت به بیماری ها و ویروس هایی که هدایت، سعادت و سلامت جامعه و انسان های دیگر را به خطر می اندازد و تهدید می کند، انجام می دهد و بدیهی است که انجام این مسئولیت و معالجه دلسوزانه بدون درک صحیح از شرایط و موقعیتها و معاینه صحیح از بیماری، که سلامت او مورد هدف قرار گرفته امکان ندارد. امر به معروف و نهی از منکر باید با شناخت دقیق از مخاطب و میزان بیماری و مرحله ای که در آن قرار دارد، نسخه درمان آن را در همان مرحله تجویز کند تا به نتیجه برسد و اگر انحراف و لغزش او با یک نسخه ساده درمان می شود به سراغ جراحی و اقدام سخت نرود.

ولذا علما و فقها با الهام از روایات معصومین علیهم السلام^۱ برای امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و مرتبه کلی را ذکر کرده اند [که البته هر کدام از این مراتب درجات فراوانی دارد] و تاکید دارند این مراتب متناسب با دستورات و نسخه های هدایت بخش شرع و عقل کاملاً رعایت شود تا امر به معروف و نهی از منکر هم اثربخش و تأمین کننده سلامت و سعادت گردد، هم عوارض مضر نداشته باشد.^۲

امام خامنه ای می فرماید: رعایت مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب است یعنی تا به مرحله پایین تر مقصود حاصل می شود نباید وارد مرحله بالاتر شود.^۳

مرتبه اول: اظهار محبت و انزجار قلبی

از ویژگی های مؤمن گرایش و عشق به ارزش ها، خوبی ها و انجام معروف ها و تنفر و انزجار قلبی نسبت به پلیدی ها، ضد ارزش ها و منکرهایی است که سعادت و تعالی انسان ها را تهدید می کند.^۴ حداقل انتظار از هر انسان با ایمانی آن است که از اینکه بندگی خدا و اطاعت او می شود خرسند و از وجود منکرات و محرّمات قلباً ناراحت و منزجر باشد^۵ لکن این

^۱ امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: فَانْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفُطُورَ بِالسِّنِّتِكُمْ وَصَكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ - کافی ج ۵ ص ۵۶

^۲ امام خمینی: برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی هست که تعدی از یک مرتبه به مرتبه بعد با حصول مطلوب و حتی احتمال حصول آن جایز نیست - تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۲۹

^۳ واجب فراموش شده ص ۷۵ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۲۳۵

^۴ عشق به خوبی ها و سرچشمه آنها و تنفر و بغض به زشتی ها و عامل آنها آنقدر اهمیت دارد که در روایات ما حقیقت ایمان همین حبّ و بغض معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ فضیل بن یسار که از رابطه حبّ و بغض با ایمان سؤال کرد می فرماید: وَهَلْ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ - کافی ج ۲ ص ۱۲۵

^۵ امام خمینی می فرماید: يُحْرَمُ الرِّضَا بِفِعْلِ الْمُنْكَرِ وَ تَرْكِ الْمَعْرُوفِ بَلْ لَا يَعْْبُدُ وَجُوبَ كِرَاهَتِمْ قَلْبًا وَ هِيَ غَيْرُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ - تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۳۰

کفایت نمی کند و باید وارد اولین مرحله امر به معروف و نهی از منکر شود یعنی این خرسندی و رضایت از معروف ها و انکار و تنفر قلبی از منکر ها را به مخاطب خود یا افراد خطاکار نشان دهد و در عمل و رفتار خودش خوشنودی از انجام معروف و ناراحتی قلبی از انجام منکر یا ترک معروف را آشکار سازد تا مخاطب به انجام معروف و ترک منکر ترغیب شود.

پس منظور از امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه قلبی آن است که آمر و ناهی، رضایت و خشنودی خود را نسبت به معروف و تنفر و عدم رضایت خویش را از منکر به هر وسیله ای که ممکن و مؤثر است ظهور دهد تا در مخاطب اثر کند.

امام خامنه ای می فرماید: منظور از امر و نهی قلبی، اظهار رضایت یا کرامت قلبی است یعنی مکلف باید رضایت قلبی خود را نسبت به معروف و تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به منکر آشکار سازد و از این راه فردی که معروفی را ترک می کند یا منکری را به جامی آورد را به انجام معروف و ترک منکر وادار سازد.^۱

هر گاه شما در محیط خانواده و ارتباط با خویشاوندان یا در محیط کار و ارتباط با همکاران یا در محیط جامعه نسبت به معروف ها و منکرها، بی تفاوت نباشید و عملاً مشوق خوبی ها و ارزش ها باشید و هر جا ترک معروف یا انجام منکری را شاهد بودید نارضایتی و تنفر خود را در رفتار خویش آشکار ساخته و دیگران را متوجه خطایشان نمودید این خود مصداق امر به معروف و نهی از منکر است و بسیار اثربخش می باشد. چنانچه حضور در مجالس بندگی و اطاعت خدا و تشویق عملی برگزارکنندگان و حاضرین از موارد امر به معروف می باشد و حاضر نشدن در مجالس گناه و مصعیت که نمی توانید جلوی آن را بگیرید به عنوان اعتراض و رساندن ناخشنودی خویش از مصداق نهی از منکر است.

البته چنانکه فقها به ما آموخته اند در اظهار خشنودی یا انکار قلبی باید رعایت درجات و شدت و ضعف (الایسر فالایسر) بشود^۲ مثلاً درجایی که نهی از منکر با غمض عین (چشم بستن) تحقق پیدا می کند نباید سراغ اخم کردن یا ترک مجالست بشود (توضیح این درجات و شیوه ها در بحث روش ها و شیوه ها می آید انشاء...)

امام خامنه ای می فرماید: امر و نهی قلبی (اظهار رضایت و تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین ترین درجه و سبک ترین راه می توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت نباید متوسل به درجه ی بالاتر شد این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند برخی از آنها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشم فرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان بر لب گرفتن، با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن و روگرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر و ترک معاشرت کردن^۳.

هرگاه مؤمن به مجالس میهمانی خانوادگی یا مجالس جشن و یازدواج و امثال آن دعوت می شود که می داند در آن منکرانجام می گیرد پس اگر بداند که حضور او مانع انجام منکر یا ترک معروف می شود باید شرکت کند و اگر با عدم حضور ناخشنودی خود را آشکار می سازد و نهی از منکر می کند نباید شرکت نماید.

^۱ واجب فراموش شده ص ۷۶ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۳۳۵

^۲ تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۹ - مراتب امر به معروف و نهی از منکر مسئله ۱

^۳ واجب فراموش شده ص ۷۶ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۳۳۵

امام خامنه ای در پاسخ رابطه با اقوامی که به ارتکاب معصیت می پردازند می فرماید:

اگر احتمال بدهید که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از معصیت می شود به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در غیر این صورت قطع رحم جایز نیست.^۱

حتی در معاشرت با حاکمان جور و ظالمان و قبول هدایای آنها فرموده اند ملاک بازداشتن آنها از ظلم و ستم است. اگر دوری از آنها و برگرداندن هدایای آنان موجب می شود از ظلم و ستم آنها کاسته شود و حداقل مشروعیت آنها زیرسؤال برود باید حضور نیافت و هدیه را نپذیرفت و برعکس اگر حضور و پذیرش هدیه بدون هیچگونه عوارض و سوء استفاده ای بود و جلوی ظلم و ستم آنها به بندگان خدا را می گرفت اینجا حضور و پذیرفتن واجب است.^۲

مرتبه دوم: امر و نهی زبانی

اگر اظهار و انکار قلبی نسبت به منکر یا ترک معروف نتیجه نداد بر مؤمن مکلف واجب است که با گفتن و زبان امر به معروف و نهی از منکر کند و ساکت و بی تفاوت نباشد که اگر چنین نکرد واجب الهی و تکلیف شرعی خود را انجام نداده و خود او هم مرتکب منکر گردیده است.

شایع ترین، مبتلابه ترین و در عین حال اثربخش ترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی زبانی است که اهمیت و آثار فراوانی که در بخش اول ذکر شد بیشتر به همین مرتبه مربوط می باشد که یک وظیفه عمومی و همگانی است.

امام خامنه ای خطاب به جوانان دانشجو و دانش آموز می فرماید:

جوانان در محیط خودشان امر به معروف و نهی از منکر کنند چرا این واجب امر به معروف، امر به کارهای خوب در جامعه اسلامی هنوز اقامه نشده است نگویید به من چه، او هم نمی تواند بگوید به توجه؛ اگر هم گفت شما اعتنا نکنید بعضی خیال می کنند تا منکری دیده شد باید با مشت به سراغش بروند؛ نه ما سلاحی داریم که از مشت کارگرفته است آن چیست؟! سلاح زبان، زبان از مشت خیلی کارگرفته و نافذتر و مؤثرتر است.^۳

در عصر ما که به لطف الهی نظام اسلامی و ولایی وجود دارد و امر و نهی با اعمال قدرت و یدی از وظایف و مأموریت های نهادها و سازمان های حکومتی است، امر به معروف و نهی از منکر زبانی از اهمیت بیشتری برخوردار است و به عنوان وظیفه بزرگ عموم مردم و به ویژه حافظان و سنگر نشینان اسلامیت نظام می باشد که هیچگونه محدودیتی نداشته و هیچ عذری بر ترک آن وجود ندارد.

امام خامنه ای خطاب به فرماندهان بسیج در سراسر کشور می فرماید:

^۱ اجوبه الاستفتاءات س ۱۰۵۸

^۲ رک تحریر الوسيله امام خمینی ج ۱ ص ۴۰۳ مسئله ۳-۴-۵ و ۶ و همینطور اجوبه الاستفتاءات امام خامنه ای س ۱۰۷۸

^۳ ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

امر به معروف یک مرحله گفتن و یک مرحله عمل دارد، مرحله عمل یعنی اقدام با دست و بازو. این مرحله امروز به عهده حکومت است و باید با اجازه حکومت انجام بگیرد و لاغیر اما گفتن با زبان بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.^۱

در انجام زبانی امر به معروف و نهی از منکر، جایگاهها و مناصب و زبردست و بالادست بودن مطرح نیست و همگان باید عرصه را بر منکر تنگ و معروف را رواج بدهند و نمی توان با ملاحظه مقام و منصب کسی از امر و نهی او خودداری کرد. (البته با رعایت اصول و آداب امر به معروف که عوارض مضر نداشته باشد.)

امام خامنه ای می فرماید: سزاوار نیست کسی به مجرد ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند.^۲

بلکه نهی از منکر در سازمان ها و ادارات و نهادها به وسیله کارکنان همان سازمان اولویت بیشتری داشته و افراد مجاز نیستند نسبت به ترک معروف یا انجام منکر بی تفاوت باشند.

امام خامنه ای در این رابطه می فرماید:

یک وقت دو نفر تاجر و کاسبند و با هم همکاری و رفاقت می کنند آن یک حکم دارد. یک وقت هم است که آن کسی که مسئول دولتی است و قدرت و اجازه و امضاء در دست اوست با یک نفر رابطه ویژه برقرار می کند. این ان چیز است که ممنوع و گناه و حرام است و نهی از آن بر همه کسانی که این چیزها را فهمیده اند در خود آن اداره، در خود آن بخش، بر مافوق او، بر زیر دست او واجب است تا فضا برای کسی که اهل سوء استفاده است تنگ شود.^۳

مطلب مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم این است که امر به معروف و نهی از منکر زبانی درجات و ابعاد زیادی دارد و متناسب با عظمت معرفی که ترک شده و شدت و ضعف منکری که انجام گرفته است و همینطور متناسب با فرد عاصی و محیط دارای روش ها و شیوه های فراوان و متنوعی است که حتماً باید این درجات و روش ها هر کدام در جای خود شناخته شود و بکار گرفته شود^۴ مثلاً درجایی که می توان با موعظه و بیان نرم، فاعل منکر یا تارک معروف را به انجام وظیفه هدایت و از لغزش و گناه باز داشت نباید از ادبیات تند و عناب آمیز و سخنان درشت استفاده نمود.^۵

در امر به معروف و نهی از منکر همواره باید به حداقل ها اکتفا کرد و اگر نتیجه نداد و مؤثر نبود سراغ مرتب بعد رفت و از آنجا که حال و وضعیت اشخاص چه آمر و ناهی و چه مخاطب آنها و همینطور محیط ها متفاوت است، آمر و ناهی باید رعایت همه این جزئیات را بنماید و از هر مرتبه زبانی که اثر مثبت بیشتری داشته و عوارض منفی کمتری دارد استفاده کند مثلاً برای برخی افراد نهی از منکر زبانی قابل تحمل تر و شدت آن از برخورد با چهره عبوس کمتر است. در اینجا با اینکه برخورد با چهره عبوس و تند در مرتبه قلبی قرار داشت و مقدم بر مرتبه زبانی بود لکن چون برای این مخاطب از امر و نهی زبانی بدتر و ناراحت کننده تر است در مرتبه بعد از تذکر زبانی قرار دارد.

^۱ ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

^۲ آجوبه الاستفتاءات س ۱۰۶۱

^۳ ۱۳۷۹/۰۹/۲۵ خطبه های نماز جمعه تهران

^۴ توضیح این درجات و شیوه ها را در فصل شیوه های امر به معروف و نهی از منکر بیان خواهیم کرد انشاء...

^۵ رک تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۳۱ الامر و النهی لساناً مسئله ۲ تا ۸

امام خامنه ای می فرماید: « امر و نهی لسانی درجاتی دارد که تا پایین ترین درجه و آرام ترین لحن می توان به مقصود رسید نباید اقدام به درجه بالاتر کرد این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند برخی از آنها عبارتند از شاد کردن - تذکر دادن - موعظه کردن - پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیان ها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن.»^۱

باید تلاش کنیم امر به معروف و نهی از منکر زبانی [که بیشترین کارکرد را دارد] اولاً به صورت فرهنگ عمومی و فراگیر درآید و تکرار و همگانی گردد و ثانیاً امر و اهی تحمّل و آمادگی خود را بالا ببرد و به بهانه های واهی مثل خجالت، ترس، گرفتار ضعف نفس نگردد و از اینکه ممکن است برای خدا با او برخورد نامناسبی هم بشود خسته و مأیوس نگردد.

امام خامنه ای می فرماید: من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعاً یکی از معجزات اسلام می دانم مثلاً یک نفر کار خلافی می کنده گویند آقا شما این کار را نباید می کردی. این مطلب را بگو و برو. می گوید او بر می گردد و دو تا فحش به من هم می دهد. خیلی خوب حالا دو تا فحش هم به شما بدهد برای خاطر امر خدا تحمّل کنید اگر نفر دوم هم بگوید آقا شما باید این کار را نمی کردی. بدانید اگر دعوا هم بکند دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اول کرده است نفر سوم و نفر دهم و نفر بیستم هم همینطور. بنابراین اگر نهی از منکر باب شد و تا نفر بیستم رسید شما خیال می کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟!^۲

مرتبۀ سوم امر و نهی یدی (با قدرت و اجبار)

مقابله با منکر و احیاء معروف به ویژه آنجا که آثارش متوجه جامعه و غیر عاصی بشود آنقدر اهمیت دارد که اگر با دو مرتبۀ قبلی به نتیجه نرسید باید با اعمال قدرت فاعل منکر و تارک معروف را وادار کرد که قانون الهی و مصلحت عامّه را رعایت کند و جلوی تظاهر او به فسق و گناه گرفته شود.^۳ ولذا در ادبیات دینی ما مرتبه و مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر امر و نهی عملی یا یدی (به دست) تعبیر شده که کنایه از اعمال قدرت و زور است.

امام خامنه ای می فرماید: مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی با دست (کنایه از اعمال قدرت و بکار بردن جبر و زور) است مقصود از امر نهی عملی این است که مکلف باید با اعمال قدرت و بکار بردن جبر و زور طرف را از انجام منکر و ترک معروف باز دارد.^۴

سه مطلب مهم در رابطه با این مرتبۀ امر به معروف باید مورد توجه باشد:

^۱ واجب فراموش شده ص ۷۶ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۳۳۵

^۲ ۱۳۷۷/۱۲/۰۴ - پرسش و پاسخ با مسئولان نشریات دانشجویی

^۳ بنابراین آنچه از برخی فقها مثل شیخ طوسی در نهایه نقل شده که منظور از امر به معروف و نهی از منکر با ید این است که انسان خودش معروف را انجام دهد و از منکر اجتناب ورزد بگونه ای که مردم به او تأسی کنند (النهایه ص ۲۹۹) این بیان خلاف ظاهر روایات و تعبیر فقها است و در مرتبه اول که اظهار خشنودی قلبی است قرار دارد.

^۴ واجب فراموش شده ص ۷۷ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۳۳۶ - همچنین رجوع شود تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۳۲

۱- جایی باید سراغ اعمال قدرت برای مقابله با منکرها و ناهنجاری های افراد رفت که امر به معروف زبانی به هیچ وجه و صورتی نتیجه بخش نباشد و فرد یا افراد خاطی به رغم راهنمایی و دعوت رعایت احکام و ضوابط شرعی و قانونی را نکنند و چه بسا عامل ترویج منکرها و ترک معروف ها گردند که در این مرحله به حکم عقل و شرع باید با اعمال قدرت جلوی آنها گرفته شود.

۲- امر به معروف و نهی از منکر عملی با اعمال قدرت دارای درجات فراوانی است که باید از آسان ترین آنها شروع شود و اگر جواب نداد سراغ درجه بعدی رفت [وَهِيَ اَعْمَالُ الْقُدْرَةِ مُرَاعِيًا بِلَا يَسْرِ فَا لَآيَسْرٌ^۱] امر به معروف و ناهی از منکر در این مرتبه باید سراغ درجه ای برود که عوارض و محظور آن کمتر است و رعایت درجات را بنماید. برخی از مصادیق درجات امر به معروف و نهی از منکر یدی عبارتند از:

۲-۱- بین منکر و فاعل آن حائل و مانع ایجاد کند که او نتواند منکر را انجام دهد.

۲-۲- آلت و ابزار منکر را از او بگیرد.

۲-۳- دست او را بگیرد و با ایجاد محدودیت نگذارد مرتکب منکر شود.

۲-۴- ابزار و آلات و مقدمات انجام منکر را خراب و یا پرتاب کند و از بین ببرد.

۲-۵- برای ارتکاب منکر یا ترک معروف مجازات قرار دهد (مانند مجازات تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی یا قوانین دیگر یا حدود و تعزیراتی که در فقه برای متظاهر به فسق و فجور آمده است.)

۲-۶- فاعل منکر را مورد ضرب قرار دهد که این خود دارای درجاتی است که باید رعایت شود.

۲-۷- ...

۳- گرچه برخی موارد ضعیف اعمال قدرت برای برخی از کسانی که نسبت به هدایت و راهنمایی افراد تحت تکفل و مدیریت مسئولیت دارند قابل اجراء بوده امکان دارد مانند پدر و مادر نسبت به فرزندان لکن در عرصه اجتماعی و عمومی این وظیفه زمانی متوجه عامه مؤمنین می شود که حکومت و حاکمیت در دست اسلام و حاکمان اسلامی نباشد و در نظام ولایی و حکومت اسلامی این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حکومت و نهادها و سازمان های حکومتی است و مردم باید به همان دو مرتبه قبلی اکتفا کنند تا اولاً حاکمیت با اقتدار و سازمان دهی صحیح نسبت به احیاء دو فریضه و مقابله با هنجار شکنی و تعرض به احکام شرعی و قوانین ابلاغی اقدام کند و ثانیاً نظام اجتماعی مختل نگردد و امکان سوء استفاده برای کسی وجود نداشته باشد.

امام خامنه ای در این رابطه می فرماید:

با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب بعد از مرحله امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخل (مثل پلیس) و قوه قضاییه واگذار کرد به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد، یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و

^۱تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۳۲

اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است کلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توصل به زور موضوع را به مسئولین ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند.^۱

همچنین خطاب به مردم می فرماید: در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است اما اگر کار به برخورد بکشد آن دیگر به عهده مسئولین است.^۲

اگر مسئولین حکومتی به وظایف خود در مقابله با منکرات عمل نکردند باز مردم نمی توانند و نباید خود وارد عمل شده و نظام اجتماعی را مختل کنند مگر جایی که نظام و مشخصاً رهبری و ولی امر در موضوعی از مردم بخواهد حضور پیدا کنند و اقدام عملی نمایند که در این صورت به عنوان امتثال امر ولایت و در همان حدودی که اذن داده شده می توانند و باید ورود پیدا کنند ولی بدون موجوز هرگز نباید اقدام کنند.

امام خامنه ای می فرماید: آنجایی که نوبت اجراء و عمل برسد همه باید طبق قوانین عمل کنند هیچ چیزی مجوز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه قضاییه عمل نکردند خودمان وارد میدان شدیم نخیر آن روزی که لازم باشد مردم برای حائثه ای خودشان وارد عمل شوند رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت.^۳

بله مردم می توانند بلکه وظیفه دارند با روش منطقی عمل به قانون و اجراء آنرا از مسئولین مطالبه کنند که این خود مصداق امر به معروف و نهی از منکر زبانی است و اختصاص به حوزه خاص یا مسئولیت معینی ندارد و در همه موارد صادق است .

امام خامنه ای خطاب به مردم می فرماید: البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه های گوناگون دارد که باز مهمترینش حوزه مسئولان است یعنی شما باید ما را به معروف امر و از منکر نهی کنید مردم باید از مسئولان کار خوب را بخواهند آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا بلکه باید از آنها بخواهند این مهمترین حوزه است البته فقط این حوزه نیست حوزه های گوناگون وجود دارد.^۴ چنانچه مسئولین موظفند هم نسبت به انجام وظایف خود اهتمام داشته و مطالبات مردم را پاسخگو باشند هم حامی آمران به معروف و ناهیان از منکر باشند و میدان و زمینه را برای تحقق این دو فریضه بزرگ فراهم کنند.

امام خامنه ای می فرماید: بنابراین وظیفه ما مسئولین، قانونگذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم.^۵

و نیز می فرماید: مأمورین رسمی چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمر و ناهی دفاع کنند همه دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع کنند این وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نمازگزار حمله کند دستگاه های ما از کدامیک باید دفاع کنند؟ از نمازگزار یا آن کسی که سجاده را از زیر پای نمازگذار می کشد؟

^۱ واجب فراموش شده ص ۷۷ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۲۲۶

^۲ ۱۳۷۱/۰۴/۲۳

^۳ ۱۳۸۰/۰۵/۱۱ مراسم تنفیذ حکم رییس جمهور وقت

^۴ ۱۳۷۹/۰۹/۲۵ خطبه های نماز جمعه تهران

^۵ ۱۳۷۱/۰۷/۲۹ دیدار با اقشار مختلف مردم

امر به معروف و نهی از منکر نیز همینطور است امر به معروف هم مثل نماز واجب است. مگر مأمورین و مسئولین ما می توانند امر به معروف و نهی از منکر را با دیگران مساوی قرار دهند چه رسد به اینکه تقط مقابل او را تایید کنند.^۱

و بالاخره با قاطعیت حمایت رهبری از آمران به معروف و ناهیان از منکر اینگونه بیان فرمودند:

مبادا در گوشه و کنار یا در دستگاه انتظامی یا قضایی کسانی باشند که راه را جلوی آمر به معروف و ناهی از منکر سد کنند مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد از او حمایت نکنند بلکه از مجرم حمایت کنند البته خبرهایی از گوشه و کنار کشور در بعضی از موارد به گوش می رسد هر جا که بدانم و احساس کنم و خبر اطمینان بخشی پیدا کنم که آمر به معروف و ناهی از منکر خدای نکرده مورد جفای مأمور و مسئولی قرار گرفته خودم وارد قضیه خواهم شد.^۲

بنابراین در جامعه اسلامی و نظام ولایی مردم باید با قوت و قدرت امر به معروف و نهی از منکر مرتبه اول (ظهار و انکار قلبی) و مرتبه دوم (زبانی) را انجام دهند و مسئولین نسبت به مرحله سوم (اعمال قدرت) و همچنین حمایت و زمینه سازی برای مؤمنان وظیفه شناس و آمران به معروف و ناهیان از منکر فرصت را فراهم نمایند و البته مردم نباید وارد مرحله سوم شوند.

^۱ ۱۳۷۱/۰۴/۲۲ دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور

^۲ ۱۳۷۱/۰۷/۲۹ دیدار با اقشار مختلف مردم

فصل سوم: آداب امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: تذکر خوب است امر به معروف خوباست
نصیحت خوب است اما با خیرخواهی با روش عقلایی
بدون اینکه موجب تضعیف یک مجموعه خدمتگذار شود.

۱۳۷۷/۱/۲۷

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عامل اقامه دین و تمام فرائض و ارزش ها، ضامن اقتدار و استقامت جامعه اسلامی و نظام ولایی، عروج بخش جامعه به حیات طیبه و افراد به مقام خلیفه اللهی، ناکام کنند تهاجم نرم و فرهنگی دشمنان، تسهیل و تضمین کننده دستیابی به سبک جامعه اسلامی، مصونیت بخش امت اسلامی از قهر و عذاب و لعن الهی، رهایی بخش از سلطه اشراک و ضامن حرکت مستمر در صراط مستقیم بدون تأثیرپذیری از توطئه ها، وسوسه ها و راهزنی شیاطین، با آن همه آثار فراوانی که در عرصه های مختلف زندگی دارد، زمانی در تأمین اهداف بلند خود توفیق کامل را می یابد و اثربخشی آن افزونتر می گردد که علاوه بر شرایط و مراتبی که ذکر شده از سه جهت دیگر مورد توجه قرار گیرد و کمال یابد یکی آداب امر به معروف و نهی از منکر که در این فصل به آن می پردازیم و همینطور ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر (که انشاءالله در دو فصل آینده به آنها خواهیم پرداخت).

آداب امر به معروف و نهی از منکر:

منظور از آداب امر به معروف، اصول و چهارچوب های کلی است که در همه موارد و موقعیت ها ظرفیت اثربخشی و سازندگی این دو فریضه را تضمین و بالا می برد^۱

۱. اصل اول: پیشگامی در عمل به معروف و ترک منکر

برای مصلح و هادی بودن باید صالح بود تا دعوت و امر و نهی در دیگران اثرگذار باشد. علی علیه السلام می فرماید: مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصْلِحْ غَيْرَهُ^۲ کسیکه خود را اصلاح نکرده باشد نمی تواند دیگری را اصلاح کند

امر به معروف و نهی از منکر برای هدایت و پیش بردگی دیگران است و این بدون پیش روندگی چندان توفیق نخواهد داشت و کسی که امر و نهی به نفس خودش کارساز نبوده چگونه انتظار دارد در دیگران مؤثر واقع شود؟ کسی که در درمان خود ناکام است چگونه می تواند طبیب شفابخش دیگران باشد؟ و لذا به ما دستور داده شده که قبل از هر اقدامی با رفتار شایسته خود امر به معروف و ناهی از منکر باشیم.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

^۱ بنابراین مراد ما از آداب نه معنای عام و مجموعه برنامه ها و احکام چگونگی امر به معروف و نهی از منکر است و نه خصوص شیوه ها که هر کدام به مرتبه ای خاص اختصاص دارد.

^۲ غررالحکم ج ۸۹۰

كُونُوا دُعَاءَ لِنَاسٍ بَعِيْرٍ السِّيْنَتِكُمْ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَاِنَّ ذَالِكَ دَاعِيَةٌ^۱

دعوت کننده مردم باشید (به خوبی ها و ترک بدی ها) با غیر زبانتان تا ورع و اجتهاد و اقامه نماز و کار خیر را از شما بینند همانا این سازنده دیگران (امر و نهی آنها) می باشد.

امر و نهی بدون التزام عملی به آن نه تنها بر دیگران تأثیر ندارد بلکه به تدریج انسان را مبتلا به بیماری نفاق و دوگانگی شخصیت می کند. علی علیه السلام می فرماید:

أَظْهَرَ النَّاسِ نِفَاقًا مَنْ أَمَرَ بِالطَّاعَةِ وَلَمْ يَعْمَلْ بِهَا وَنَهَى عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَلَمْ يَنْتَهَ عَنْهَا^۲

آشکارترین انسان منافق بین مردم کسی است که امر به طاعت می کند ولی خود عمل نمی کند و نهی از معصیت می کند و خود از آن اجتناب نمی نماید^۳

یکی از بزرگترین انتقادات قرآن به بنی اسرائیل (بویژه علمای آنها) این است که چرا دیگران را به نیکوئی دعوت می کنید و خودتان را فراموش کرده اید

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ بقره ۴۴/

آیا مردم را به نیکوئی دعوت می کنید اما خودتان را فراموش می نمایید با اینکه شما کتاب آسمانی (تورات) را می خوانید آیا نمی اندیشید^۴

کسی که دعوت به خوبی و نهی از بدی می کند ولی خود ملتزم به آن نیست گویا دین خدا را به سخره و استهزاء گرفته و لذا از رحمت و اسعه خدا محروم و مورد لعن قرار می گیرد. علی علیه السلام پس از انتقاد از کسانی که بدون مقابله با معصیت انتظار دارند در دار قدس مجاور و عزیز خدا باشند می فرماید:

لَعْنَةُ اللَّهِ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ^۵

لعنت بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر نهی کند و خود آن را بجا آورند.

امام خامنه ای می فرماید:

^۱ اصول کافی ج ۲ ص ۷۸ و ۱۰۵

^۲ مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۲۰۶

^۳ در بیان دیگر می فرماید كُنْ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَعَامِلًا بِهِ وَلَا تَكُنْ مَمَّنْ يَأْمُرُ بِهِ وَيُنَادِي عَنْهُ فَيَبُوءُ بِإِثْمِهِ وَيَتَعَرَّضُ لِمَقْتِ رَبِّهِ امر به معروف کن و خود به آن عمل کن و از کسانی نباش که امر به معروف می کنند و خود آن را انجام نمی دهند که گناه ترک معروف به خود این امر کنند بر می گردد و در معرض خشم خدا قرار می گیرد- همان

^۴ همچنین رک سوره صف آیه ۲ و ۳

^۵ نهج البلاغه خطبه ۱۲۹ قسمت پایانی

هر کس باید و اعرض خود باشد خود را مراقبت کند از تخطی خود مانع شود امر به معروف و نهی از منکر هم بکند که آن امر خود به معروف و نهی خود از منکر و موعظه کردن خود، بر امر و نهی و موعظه دیگران مقدم است این همان تقوای الهی است که از ما خواسته اند تقوا را مراقبت کنیم و به یکدیگر توصیه نماییم^۱

اما اینکه فقهاء گفته اند عامل بودن شرط امر به معروف و نهی از منکر نیست به این معنی است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر عمل خود او نیست بلکه چنانچه بر خود فرد عمل به معروف و ترک آن واجب است امر و نهی هم واجب است و اگر هر دو را ترک کرد دو مجازات برای او وجود دارد یکی اینکه چرا خود ملتزم نبوده و دیگری اینکه چرا امر و نهی نکرده است نه اینکه عامل نبودن بهانه ای باشد برای ترک امر به معروف و نهی از منکر. بنابراین اینکه گفته اند عامل بودن شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به خود عاملی است برای اینکه فرد هم خود عمل کند هم به دیگران امر و نهی کند که اگر هر دو را ترک کرد دو گناه مرتکب شده است.

امام خامنه ای می فرماید:

در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی کننده به آنچه امر می کند عمل نماید و از آنچه نهی می کند اجتناب ورزد یعنی امر و نهی بر شخص گناهکار هم واجب است و او نمی تواند به عذر اینکه گناه می کند خود را از این وظیفه بزرگ تبرئه سازد (اینکه در منابع دینی از افرادی که خود عمل نمی کنند و دیگران را به عمل و یا می دارند و یا خود گناه می کنند و دیگران را از گناه باز می دارند مذمت و نکوهش بسیار شده برای این است که چرا خود عمل به وظیفه نکرده اند نه برای اینکه چرا امر و نهی کرده اند)^۲

این ادب و دعوت به خوبی ها و نهی از بدی ها با عمل برای همگان لازم است و برای کسانی که عنوان و لباسشان بُعد دینی دارد مانند روحانیون - پاسداران و مسئولین و خواص از اهمیت مضاعف و بیشتری برخوردار است و نباید موجب بدبینی مردم گردند که مجازات مضاعف دارند مانند آنچه قرآن درباره زنان پیامبر بخاطر انتسابشان به آن حضرت بیان کرده است^۳

۲. اصل دوم: رعایت اخلاق اسلامی در امر و نهی دیگران

امر به معروف و نهی از منکر درمان بیماری ها و برای تأمین سلامت و صلاح جامعه و افراد است و این در صورتی است که ضوابط و دستورات اخلاقی کاملاً رعایت شود. برخی از این ضوابط عبارتند از:

۱-۲ قلمرو امر به معروف و نهی از منکر امور آشکار و علنی است و تجسس در امور شخصی و پنهان دیگران و به دنبال عیب یابی بودن ممنوع است و این خود یک امر منکر است که خدا از آن نهی کرده است^۴

و در روایات مورد مذمت فراوان قرار گرفته است علی علیه السلام می فرماید:

تَتَّبِعُ الْعُيُوبَ مِنَ الْغُيُوبِ وَ شَرَّ السَّيِّئَاتِ^۵

^۱ ۱۳۷۴/۱۲/۱ خطبه های نماز عید

^۲ واجب فراموش شده ص ۷۸ به نقل از رساله آموزشی ج ۱ ص ۳۳۲

^۳ رک سوره احزاب آیه ۳۰ تا ۳۲

^۴ حجرات آیه ۱۲

^۵ شرح غررالحکم ج ۳ ص ۱۳۸۶

جستجو کردن از عیب دیگران از زشت ترین عیوب و بدترین گناهان است

۲-۲ رعایت حرمت و شخصیت انسانی؛ برای اصلاح دیگران و جلوگیری از انحراف تا آنجا که ضرورتی پیش نیامده باید شخصیت و حرمت عاصی شکسته نشود و از پرده دری، رسوا کردن و افشای عیوب و ریختن آبروی و تحقیر وی اجتناب شود مخصوصاً نسبت به مؤمنین باید مراقبت داشت که ضربه زدن به حرمت آنها از شکستن حرمت کعبه گناهش بیشتر است چرا که به فرموده امام صادق علیه السلام المؤمنُ أعظمُ حُرْمَةً مِنَ الكعبه^۱

امام خامنه ای می فرماید: افشاء نکردن معنایش این نیست که نهی از منکر نکنید چرا به خود آن کسی که به کارش اشکالی وارد است باید ایراد گرفته شود، گفته شود اما افشاء کردن این چیزها مصلحت نیست^۲

۲-۳ اعتدال در امر و نهی؛ در امر و نهی دیگران باید متناسب با واجبی که ترک شده یا حرامی که انجام گرفته و متناسب با فضا و موقعیت عاصی، متعادل و به دور هر گونه افراط و تفریطی عمل کرد.

۲-۴ تقدم دادن جذب بر دفع و مدارا بر طرد؛ جزء در موارد خاصی که عاصی لجاجت و عناد دارد برخورد با مهربانی و جذب کننده بسیار توفیق آورتر است از برخورد تند و دفع کننده مانند اقدام امام حسن مجتبی (ع) نسبت به مرد شامی^۳

۳. اصل سوم: رعایت اولویت ها

همه گناهان زشت و منکر هستند و همه واجبات معروف و مطلوب می باشند لکن اهمیت همه آنها در یک سطح نیست و در امر به معروف و نهی از منکر توجه به میزان زشتی هر منکر و مصلحت هر معروف و از این مهمتر اهتمام و اولویت دادن و معروف های بزرگتر و منکرهای خطرناکتر یکی از اصول موفقیت است.

فراموش نکنیم یکی از نیرنگ ها و فریب های شیاطین آن است که جامعه اسلامی را به مبارزه و نهی از منکر های کوچک مشغول کنند تا از منکرهای بزرگ و نقشه های شیاطینی و استعماری آنها غافل شوند

بد حجابی منکر است اما آیا آنقدر اهمیت دارد که ما تمام همت و سرمایه خود را مشغول آن کنیم و از منکر بزرگتری مثل بی عدالتی و سلطه پذیری در برابر استکبار غافل باشیم؟ آزادی فردی معروف و محترم است اما آیا باید آنقدر به آن مشغول باشیم که از استقلال و آزادی امت و جامعه از سلطه استکبار غافل شویم؟! بنابراین مصلحان و هادیان امر به معروف و نهی از منکر کنند باید نسبت به درک صحیح از اولویت ها و پرداختن هر معروف و منکری به میزان اهمیت و جایگاهش و نسبت به سایر معروف ها و منکر های آن زمان تسلط کامل داشته باشند

یکی از بهترین راه ها برای درک اولویت ها در سطح بندی معروف ها و منکرها، مواضع و رهنمودهای رهبری جامعه اسلامی است. ولایت امر و رهبری با اشراف کامل که هم به مبانی دینی دارد هم نسبت به شرایط و موقعیت ها احاطه

^۱ بحار الانوار ج ۶۵ ص ۱۶

^۲ ۱۳۹۰/۵/۱۶ در دیدار با مسئولان نظام

^۳ کشف الغمه - علی بن عیسی اربلی - ترجمه حسین زورائی ج ۲ ص ۱۳۵ و ۱۳۶

دارد، بهترین و محوری ترین طبیبی است که می تواند تشخیص دهد چه بیماری و منکری امروز اولویت دارد و برای جامعه خطرناکتر است و چه معروفی اهمیت و ضرورت بیشتری دارد

اگر امروز مقام معظم رهبری بزرگترین منکرات را، خطر نفوذ، تغییر عناصر ماندگاری انقلاب، تحریف مکتب امام، تضعیف روحیه انقلابی و جهادی، فتنه اختلاف، اسلام ستیزی... معرفی می کنند و برای مقابله با آنها نسخه می دهند آیا سزاوار است مسائل جزئی مذهبی یا گناهان شخصی محدود گشته تمام همت و تلاش برخی را بخود مشغول کند و آیا این بازی خوردن به وسیله دشمن نمی باشد؟

۴. اصل چهارم: محبت و موضع خیرخواهانه

اساس و مبنای امر به معروف و نهی از منکر محبت، خیرخواهی و دلسوزی نسبت به مؤمنین و سعادت و سلامت آنها و احساس نگرانی و دغدغه نسبت به ابتلاء آنها به بیماری های روحی است. امر به معروف و نهی از منکر یعنی اقدام از سر لطف و خیرخواهی برای کمک و نجات آنهایی که در دریای دنیا و منجلاب گناه در حال غرق شدن هستند و درمان آنان که به بیماری های خطرناک و مهلک مبتلاء شده اند و این جز با محور قرار دادن مصلحت، خیر و سعادت فرد و جامعه عاصی با نیت مصلحانه و خیرخواهانه امکان ندارد و لذا در امر به معروف اجتناب از هرگونه غرض ورزی شخصی، گروهی و جناحی و انگیزه های غیر خیرخواهانه مثل انتقام گیری و عیب جویی و ضربه زدن به دیگران و خود را برتر نشانیدن ممنوع می باشد و محور همه اقدامات باید صلاح، هدایت، کمک و درمان مخاطب باشد.

امام خمینی می فرمایند:

سزاوار است امر به معروف و ناهی از منکر در چگونگی امر و نهی کردن و مراتب آن همانند پزشک معالج مهربان و پدر دلسوز مهربان باشد و تنها مراعات حال و وضعیت شخص مبتلاء به آلودگی را بکند به گونه ای که انکار و نهی او هم لطف و رحمت خاص و ویژه ای برای خود مرتکب باشد و هم لطف و رحمت عمومی برای جامعه و امت باشد و امر و ناهی شایسته نیست که قصد و نیتی غیر خدا و رضایت او داشته باشد و سزاوار است عمل خود را از هرگونه آمیخته شدن به هواهای نفسانی و خود برتر بینی خالص و منزله نماید و خود را بی عیب و نقص و بالاتر از مرتکب (خلاف) نداند...^۱

رمز موفقیت همه انبیاء بویژه خاتم و افضل آنها و ائمه اطهار علیهم السلام در جذب و هدایت های انسان های غیر معاند همین موضع خیرخواهانه و محبت آنها به مردم است.

آنچه بهره مندی همه موانع و توطئه ها و فتنه های مشرکین و یهود و منافقین، پیامبر اکرم (ص) را در هدایت امت و بزرگترین امر به معروف و نهی از منکر موفق کرد، همان ویژگی هایی است که قرآن برای آن حضرت بیان کرده است مانند غله نشینی فضایل اخلاقی^۲ - مهربانی، محبت، دلسوزی و حریص در هدایت امت^۳ - رحمت برای همه انسان ها^۴

^۱ تحریرالوسیله ج ۱ ص ۴۳۴ مسئله ۱۴ از مسائل مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر

^۲ وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ/قلم/۴

^۳ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ توبه/۱۲۸

^۴ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ انبیاء/۱۰۷

دارای قلبی سرشار از محبت و مهربانی^۱... او آنقدر دلسوز هدایت و نجات امت بود که از اندوه ایمان نیاوردن آنها می خواست جان بدهد^۲

۵. اصل پنجم: موقعیت شناسی

امر به معروف و نهی از منکر بدون درک جامع از واقعیت های خارجی و تحلیل منطقی آنها و بدون ملاحظه موقعیت فاعل منکر یا تارک معروف، مانند نسخه دادن بدون معاینه و تشخیص عامل بیماری است که نه تنها اثر مطلوب را ندارد بلکه چه بسا نتیجه عکس بدهد و مخاطب را در عصیان و نافرمانی جسورتر و متجری سازد.

انتخاب شیوه ها و روش های فراوان و متنوعی که برای امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و اینکه نمی شود برای همه موارد یک شیوه را تجویز کرد متوقف و مبتنی است بر همین اصل موقعیت شناسی و درک صحیح و اقتضاءات موجود مثلاً اینکه آیا روش آشکار استفاده شود یا تذکر پنهانی، با نرمی و ادبیات عاطفی اقدام شود یا روش استدلالی یا برخورد تند و تحکمی، با صراحت باشد یا با کنایه، خودم اقدام کنم یا به دیگری بگویم همه اینها مبتنی هستند بر تحلیل صحیح از صحنه عمل و واقعیت های موجود.

اینکه در بین منکرهای موجود مقابله و نهی از کدام اولویت دارد و با هر منکر چگونه باید مقابله کرد که هم اثربخش باشد و هم عوارض مخرب نداشته باشد جز با بصیرت و درک عمیق و تحلیل درست، شرایط زمانی و مکانی، محیطی و اجتماعی قابل تشخیص نمی باشد.

لغزش و انحراف بسیاری از خواص در هدایت فکری و امر به معروف و نهی از منکر همین درک صحیح و به موقع از واقعیت نداشتن بوده است که سبب شده بوسیله دشمنان بازی خورده و در میدان آنها، آنگونه که آنها می خواهند بازی کنند و نه تنها نجات دهنده دیگران نباشند بلکه خودشان از صراط مستقیم خارج شده و عامل گمراهی بخشی از جامعه هم باشند. و البته موقعیت شناسی و درک درست از خطرها، آفت ها و چگونگی مقابله با آنها نیازمند آن است که انسان در صحنه حضور فکری و عملی داشته و تنها از دریچه چشم و تحلیل دیگران (که بعضاً بی غرض نیستند) به واقعیات خارجی نگاه نکند.

امام خامنه ای می فرماید:

باید خطر را بشناسیم باید تقاطعی را که خطر از آن تقاطع جامعه اسلامی را تهدید می کند درست بشناسیم آن عبرت های صدر اسلام را برای مردم و برای خودمان باز کنیم مهمترین وظیفه ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد این است که نیروهای مؤمن و آمر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند باید در صحنه باشند و همه جا حضور داشته باشند^۳

۱. «بِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ آل

عمران/۱۵۹

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ شعراء/۳

^۳ دیدار با علماء روحانیون ۱۳۷۱/۵/۷

۶. اصل ششم: اصل استمرار و تکرار

اسلام به ما آموخته که در صراط مستقیم حضور یافتن مهم است اما مهمتر از آن استقامت و استمرار حرکت در صراط مستقیم است^۱ و در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر که یک امر تربیتی و اثرگذاری است استقامت عبارت است از در موضع امر و ناهی بودن و استمرار و تکرار تا جایی که به نتیجه برسد.

نباید انتظار داشت که با یکبار یا چند بار امر و نهی، مخاطبی که به گناه و انحرافی خو گرفته متوجه انحرافش بشود و توصیه دلسوزانه امر و ناهی را بپذیرد، نباید از برخورد ناشایست او گرفتار یأس شد و تصور کرد امر و نهی اثر نداشته بلکه باید آنقدر تکرار کرد و نسبت به امر به معروف و نهی از منکر استمرار داشت تا در عاصی احساس درد ایجاد کند مانند هشدارهای پزشکی که ابتدا در بیماری که مبتلاء به مرض بی درد و بی احساس شده اثر نمی کند اما تکرار این هشدارها بالاخره در او این انگیزه را ایجاد می کند که به فکر درمان خود باشد، و همانند هشدارهای پی در پی تابلوهای راهنمایی که بالاخره راننده غافل را متوجه خطر در جاده می کند

استمرار و دوام امر به معروف و نهی از منکر مخصوصاً اگر با مشارکت دیگران و تکرار آن توسط افراد متعدد باشد قطعاً کارساز خواهد بود و لذا باید امر به معروف و نهی از منکر را فرهنگ عمومی کرد.

امام خامنه ای می فرماید:

نهی از منکر کردن مثل این است که بگویند آقا چرا اینکار را می کنی؟ این چه حرکت بدی است که انجام می دهی؟ یک نفر بگوید، دو نفر بگویند، ده نفر بگویند بالاخره طرف مجبور می شود ترک کند یعنی اگر بارها گفته شد روحاً مغلوب می گردد^۲

۷. اصل هفتم: رعایت آداب سخن گفتن

در امر به معروف و نهی از منکر زبانی که بیشترین کاربرد را برای عموم مردم دارد لازم است آداب سخن گفتن و آنچه را در ارتباط کلامی به ما سفارش شده رعایت کنیم تا اثربخشی آن بیشتر باشد هم در انتخاب کلمات و الفاظ باید دقت کرد که تأثیرگذار و بدون عوارض باشد و هم در چگونگی القاء و ادای آنها باید رعایت اصول خطابه و تبلیغ را نمود.

برخی از آداب سخن گفتن که بویژه در تبلیغ و هدایت و امر و نهی دیگران باید رعایت شود و در منابع دینی ما مثل قرآن و روایات به آنها سفارش شده عبارتند از:

ساده و در عین حال مستدل و منطقی سخن گفتن - استفاده از الفاظ و تعابیر نیکو و جذاب با بار ارزشی - تعابیری که عواطف و احساسات طرف را برانگیزد - مختصر و به میزان لزوم سخن گفتن (همین که مخاطب را متوجه اشتباهش کردید دیگر ادامه ندهید) - از الفاظ و تعابیر تند، تحقیر آمیز، نیش دار و دارای کنایه، استهزاء کننده و... استفاده نشود.

^۱ إِنْ أَلَدَيْنَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

^۲ ۱۳۷۷/۱۲/۴ پرسش و پاسخ با مسئولین نشریات دانشجویی

۸. اصل هشتم: فرصت سازی و تهیه مقدمات

امر به معروف و نهی از منکر کردن به ویژه نسبت به انحرافات و گناهایی که شیوع پیدا کرده بدون فراهم کردن مقدمات و استفاده از تمام ظرفیت ها و فرصت ها امکان ندارد و باید همه زمینه های تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر و پذیرش آن در مخاطب را فراهم کرد مثلاً برای اینکه امر به معروف و نهی از منکر زبانی نافذ و اثربخش باید ابتدا راههای نفوذ کلام و مقبولیت در مخاطب مانند اثبات موضع خیرخواهانه و طیبانه را کسب کرد تا مخاطب تصور نکند شما به دنبال عیب جویی و تحقیر او هستید.

در امر به معروف و نهی از منکر تأثیر شرط است اما یافتن راههای تأثیرگذاری و فراهم نمودن زمینه و مقدمات تأثیرگذاری به لحاظ شرایط عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر عهده آمرین به معروف و ناهین از منکر است گاهیبا دادن یک هدیه، به دیدار محبت آمیز و عیادت خاطی رفتن و امثال آن و تحصیل موفقیت و مقبولیت اجتماعی بسیار می تواند در تأثیرگذاری مؤثر باشد.

گاهی باید با راههای مشروع جایگزین جلوی منکر را گرفت. حضرت لوط برای نهی امت خویش از عمل زشت هم جنس بازی، ازدواج با دختران خود را مطرح می کند. اسلام در عین تحریم ربا بیع و مضاربه و امثال آن را مطرح می کند تا در بانکداری جامعه گرفتار بن بست نشود.

باید به گونه ای امر و نهی کرد که مخاطب احساس دخالت بی مورد در کارهای خود را نکند و موضع امر و نهی کننده را دلسوزانه و در راستای کمک و تعالی خود بداند.

۹. اصل نهم: جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان

نباید فراموش کرد که دشمنان از احیاء و اقامه این دو فریضه که ارزش ها و حریت و روحیه جهادی و انقلابی را تضمین می کند سخت احساس خطر می کنند و اگر نتوانند آن را از بین ببرند تلاش می کنند با تحریف آن، روحیه مسئولیت همگانی و ساکت نبودن در برابر مفاسد و انحرافات را تفسیر غلط نموده آن را مخدوش نمودن کرامت انسانی و محدود کنند آزادی و تعرض به حقوق اجتماعی معرفی کنند و در این برنامه بارها دیده شده که از اقدامات نسنجیده و غلط برخی نیروهای انقلابی بیشترین سوء استفاده و بهره برداری را کرده اند.

نباید در امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای عمل کرد که اصل نظام آسیب ببیند و موجب تضعیف نهادهای حکومتی شود و دشمن اینگونه القاء کند که مردم و نخبگان از نظام فاصله گرفته اند. برای نهی از بعضی خطاها و انحراف برخی از مسئولین نباید [آن را به همه مسئولین سرایت داد] و کلیت نظام را زیر سؤال نبرد و به دشمن فرصت سوء استفاده داده نشود. امر به معروف و نهی از منکر نباید انسجام و امید و نشاط را در مردم تضعیف و محیط محبت و دوستی و برادری را مخدوش سازد. قرآن حتی برای اینکه دشمنان سوء استفاده نکنند دستور می دهد تعابیر خودتان را اصلاح کنید و به جای راعنا بگویید أَنْظَرْنَا^۱

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا أَنْظَرْنَا بقره/۱۰۴ زیرا راعنا دو معنا داشت یکی اینکه ما را مهلت بده که منظور مسلمانان همین معنی بود و دیگر معنای ما را تعمیق کن که یهود این معنی را گرفته و آن را موجب طعن و اشکال می دانستند لذا خدا فرمود وقتی از پیامبر مهلت می خواهید برای درک آیات قرآن بگویید أَنْظَرْنَا و نگویید راعنا

امام خامنه ای می فرماید:

مواظب باشید کسانی از این واجب الهی سوء استفاده نکنند حساب صاف کردن ها، به خرده حسابهای گذشته رسیدن، پرده دری، آبرو ریزی، تعرض به نوامیس و عرص و مال این و آن به بهانه این واجب الهی اینها نباید باشد مردم باید هشیار باشند... خود مردم با تیز هوشی نباید بگذارند این واجب الهی و این فریضه بزرگ زمین بماند یا خدایی ناکرده مورد سوء استفاده قرار گیرد^۱ در امر به معروف و نهی از منکر نباید بزرگنمایی کرد و وجود خطاهای موجود را مرادف و به معنای از بین رفتن اسلام و ناتوانی نظام معرفی کرد.

امام خامنه ای می فرماید:

کدام کشور است که هیچ مشکلی نداشته باشد نباید مشکلات را بزرگ کرد نباید در زمینه های گوناگون درشت نمایی کرد البته تذکر خوب است امر به معروف خوب است نصیحت خوب است اما با خیرخواهی با روش عقلایی بدون اینکه موجب تضعیف یک مجموعه خدمتگذار شود^۲

۱۰. اصل دهم: اهتمام به علت ها و ریشه ها

در امر به معروف و نهی از منکر این اصل نیز باید مورد اهتمام باشد که ریشه های انحراف و لغزش از بین برود و عوامل معروف تقویت شود مثلاً ایمان به خدا، خدا حاضری و خدا ناظری، ایمان به معاد و پاداش و مجازات آخروی، کرامت انسانی، حقوق اجتماعی اگر تقویت گردد خود به خود فضای جامعه ارزشی و ضامن اجراء درونی در افراد تقویت می شود. چنانچه نهی از وابستگی و دل بستگی زخارف دنیوی و بی توجهی به منزلت و ارزش های انسانی، اعتماد به دشمنان و شیاطین، غفلت از آسیب ها و خطرهای بهترین راه ها برای مقابله و جلوگیری از ناهنجاری های اجتماعی است و نمی گذارد منکر معروف و معروف منکر شود و ریشه های منکر از بین می رود.

امام خامنه ای می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر در شکل کامل و جامع اش عبارت است از اینکه جامعه اسلامی کمر به ریشه کن ساختن بدی ها ببندد، کمر به برقراری خوبی ها و نیکی ها و فضیلت ها ببندد و امروز همه بدی های ما خلاصه می شود در باقیمانده های اسارت فکری و مادی ما در دست قدرت های بزرگ، باید همه ملت یکپارچه دست به دست هم داده یک صدا و یک گام حرکت کنند تا این وابستگی هایی را که هنوز ما به فرهنگ گذشته داریم ببریم و بگسلیم و کوشش کنیم که ندا و پیام انسانی خود را به همه جا بگسترانیم^۳ آنچه ذکر شد تنها برخی آداب و شرایط کمال امر به معروف و نهی از منکر بود.

^۱ ۱۳۷۱/۷/۲۹ دیدار با مردم

^۲ ۱۳۷۷/۱/۲۷ دیدار با مسئولان نظان در عید سعید غدیر

^۳ ۱۳۵۹/۲/۵

فصل چهارم: آمرین به معروف و ناهین از منکر

امام خامنه ای: امر به معروف فقط این نیست که ما برای اسقاط تکلیف در کلمه بگوییم آنهم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهمترین منکرات باشد... چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند همه کار داشته باشند به کارهای جامعه، همه اهتمام داشته باشند همه آگاه باشند همه معروف شناس و منکر شناس باشند این به معنای یک نظارت عمومی است یک حضور عمومی است یک همکاری عمومی است یک معرفت بالادر همه است. دیدار با علما ۷/ ۵/ ۱۳۷۱

آمرین و ناهین خاص و عام:

جایگاه ممتاز و نقش بی بدیل امر به معروف و نهی از منکر در هدایت جامعه اقتضاء کرده است که اسلام متصدیان و ماموران امر به معروف و نهی از منکر را در دو بخش متمایز از هم اما در عین حال مرتبط و مکمل هم طراحی و سامان بدهد یکی بخش اختصاصی و خاص و دیگری عموم مومنین و تمام آحاد جامعه اسلامی. قرآن ابتدا بخش خاص و متصدیان سازمان دهی شده برای امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرده، می فرماید:

"وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران ۱۰۴)"

و باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و رستگاران آنها هستند^۱ سپس در چند آیه بعد امر به معروف و نهی از منکر را یک امتیاز و وظیفه عام و فراگیر برای همه مومنین معرفی کرده می فرماید: "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (آل عمران ۱۱۰)" شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اید (چه آنکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

و لذا باید آمرین به معروف و ناهین از منکر را در دو بخش تعریف و معنی کنیم:

الف - بخش خاص: بخش ها و مجموعه های خاص که دارای سازمان دهی خاص و ماموریت ویژه در امر به معروف و نهی از منکر هستند به تناسب هر کدام دارای وظایف خاص و معینی می باشند مانند (۱) تبیین احکام الهی و تفسیر صحیح از همه ابعاد دین از جمله امر به معروف و نهی از منکر (۲) فرهنگ سازی و ترویج امر به معروف و نهی از منکر

^۱ امت در اصل از ماده ام به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد به همین جهت امت به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آنها باشد گفته می شود خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام باشد بنابراین به اشخاص متفرق و پراکنده امت گفته نمی شود. تفسیر نمونه ج ۳ ص ۳۴

۳) فراهم نمودن زمینه ها و مقدمات امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (۴) حمایت از آمرین به معروف و ناهین از منکر (۵) تصدی امر به معروف و نهی از منکر یدی و همراه با اعمال قدرت (مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر) (۶) امر به معروف گروهی و جمعی؛ آنجایی که امر به معروف گروهی و جمعی لازم است.

این بخش باید توسط نهادها و مجموعه های حکومتی یا اداری که در نظام ولایت و جامعه اسلامی وجود دارد انجام گیرد نظیر نهاد روحانیت و علماء که رسالت تبیین معارف و احکام دین را بر عهده دارد، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر که مأموریت مدیریت و هدایت اقامه ای این دو فریضه را بر عهده دارد باید انجام دهد، مسئولین فرهنگی مانند سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد اسلامی و کانون های فرهنگی که ترویج ارزش ها و معروف های دینی و بازدارندگی از منکرات و ضد ارزش ها را باید انجام دهند، رسانه های گفتاری و نوشتاری که ابلاغ کننده و تبلیغ معارف دینی و خوبی ها و معروف ها و آثار مخرب منکرات و زشتی ها را باید انجام دهند نیروی انتظامی و قوه قضائیه که علاوه بر حمایت از آمرین و ناهین مأموریت مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارند و باید با اقتدار ناهنجاری های اجتماعی که امنیت فرهنگی و حرکت عمومی در مسیر هدایت را تهدید می کند بر خورد نمایند^۱. و عموم مردم به ویژه در دوران حکومت اسلام و نظام ولایی نباید به کارهای مربوط به حکومت وارد شوند مگر با اذن و اجازه رهبری.

ب- بخش عام: در کنار نهادها و مجموعه های خاص امر به معروف و نهی از منکر قلبی و زبانی، بر همه آحاد جامعه اسلامی و عموم مومنین واجب است، که باید همواره مشوق و احیاء کننده خوبی ها و معروف ها و بازدارنده از زشتی ها باشند و هرگز وجود نهادها سازمان های حکومتی رافع تکلیف عمومی نمی باشد.

مقام معظم رهبری با اشاره به این دو بخش و مرحله می فرماید:

امر به معروف یک مرحله ی گفتن و یک مرحله عمل دارد، مرحله عمل یعنی اقدام با دست و زور، این مرحله امروز به عهده حکومت است و باید با اجازه ی حکومت انجام بگیرد و لاغیر اما گفتن با زبان بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.^۲

و نیز می فرماید:

همه جا، جای نهی از منکر است یک دانشجو هم در محیط درس می تواند نهی از منکر کند، یک کارمند شریف در محیط کار می تواند نهی از منکر کند، یک کاسب مومن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند، یک هنرمند هم با وسایل هنری می تواند نهی از منکر کند، روحانیون در محیط های مختلف یکی از مهم ترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند نمی شود این

^۱ سپاه و بسیج به اقتضاء رسالت حفظ انقلاب و دست آوردهای آن هر وقت رهبری و نهادهای ذکر شده نیاز داشته باشند بعنوان معین و مکمل در این بخش مسئولیت یافته و باید وارد میدان شود.

^۲ ۱۳۶۸/۱۰/۱۹ در دیدار با مردم قم

واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد . کار هم کار همه است این طور نیست که مخصوص عده خاصی باشد البته هر کس وظیفه ای دارد.^۱

الزامات ضروری برای آمر به معروف و ناهی از منکر

علاوه بر ویژگی هایی که نهادها و مجموعه های خاص هر کدام باید برای انجام وظایف خود داشته باشند همه آمرین و ناهیان از منکر برای اینکه این دو فریضه را به خوبی انجام دهند و اثر بخشی و تاثیر گذاری لازم را داشته باشند باید واجد خصوصیات و ویژگی ها و توانمندیهای علمی و عملی باشند که این مسئولیت همگانی را کار آمدتر و در رسیدن به اهداف بلند و تعالی بخش ، تسهیل و تحکیم می بخشد .

البته باید یادآور شویم که این ویژگی ها بعنوان مقدمات انجام واجب باید تحصیل شود و کسی نمی تواند به بهانه اینکه برخی از این ویژگی ها را ندارد از زیر بار انجام واجب الهی شانه خالی کند. بلکه بیان این ویژگی ها برای این است که با تحصیل و کسب آنها بهتر و موثرتر انجام این دو فریضه همگانی را انجام داده و راهنمایی باشد برای ادای تکلیفی که نسبت به خدا و امت اسلامی و نظام ولایی متوجه تمام افراد و مومنین می باشد . که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- آگاهی به احکام امر به معروف و نهی از منکر :

آمر به معروف و ناهی از منکر باید نسبت به شرایط ، مراتب ، آداب و اصول شیوه ها و احکام امر به معروف و نهی از منکر تسلط داشته باشد تا در عمل گرفتار خطا نگردد و امر و نهی او کار ساز و نتیجه بخش گردد.

امر به معروف و نهی از منکر مانند واجبات دیگر دارای احکام و مسائلی دارد که یاد گرفتن آنها بعنوان مقدمه بر مکلفین و مومنین واجب است.^۲ قبلاً از مقام معظم رهبری نقل کردیم که می فرماید: مسئله امر به معروف و نهی از منکر مثل مسئله نماز است یاد گرفتنی است و باید بروید یاد بگیرید مسئله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد^۳ و نیز می فرماید: بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد تا مبادا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود^۴

۲- سعه صدر و بردباری

دعوت به خیر و مصلح بودن و امر و نهی دیگران با واکنش های مختلفی ممکن است مواجه شود و آمر و ناهی برای اینکه از مسیر هدایتگری و اصلاح خارج نشود نیازمند داشتن روحیه ای مقاوم و سینه ای گشاده است و باید آمادگی هر نوع برخورد و عکس العملی را داشته باشد و با مخالفت و احياناً تقابل و برخورد فرد یا افراد خاطی صبوری و مقاومت خود را از دست ندهد و نگران نباشد که ممکن است ناسزایی بشنود و یا با او برخورد شود.

^۱ ۱۳۷۱/۵/۷ در دیدار با علماء و روحانیون

^۲ یجب تعلم شرایط الامر بالمعروف والنهي عن المنکر و موارد الوجوب وعدمه و الجواز و عدمه حتی لا يقع فی المنکر فی امره و تهبه ، تحریر الوسیله امام خمینی ج ۱ ص ۴۲۱ مسئله ۸

^۳ ۱۳۷۱/۴/۲۲ دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور

^۴ آجوبه الاستفتاءات س ۱۰۷۴

حضرت موسی (ع) وقتی از طرف خدا ماموریت یافت که حاکم مستبد و ستمگری مثل فرعون را امر به معروف و نهی از منکر کند و جلوی طغیان او را بگیرد^۱ اولین درخواستش از خدا این بود که برای انجام این دستور به من شرح صدر و سینه گشاه و قدرت تحمل بده "قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (طه ۲۵)"

حضرت لقمان پس از امر به معروف و نهی از منکر به صبر و مقاومت بر آنچه بر او وارد می شود امر می کند^۲ یعنی امر به معروف بدون روحیه ای مقاوم و صبور امکان ندارد چنانچه علی (ع) می فرماید این جمله آیه که می فرماید صبر کن بر آنچه بر تو می رسد یعنی از ناراحتی ها و آزارها در راه امر به معروف و نهی از منکر صابر باش^۳ امر به معروف و نهی از منکر باید خود را برای سخت ترین شرایط آماده کند و اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند تا در برخورد فرد خاطی از میدان به در نرود .

امام خامنه ای می فرماید : من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعاً یکی از معجزات اسلام می دانم مثلاً یک نفر کار خلافی می کند می گویند آقا شما این کار را نباید می کردی این مطلب را بگو و برو می گوید و بر می گردد دو تا فحش به من می دهد خیلی خوب حالا دو تا فحش هم به شما بدهد برای خاطر خدا تحمل کنید^۴

۳- حسن خلق و برخورد کریمانه

علاوه بر محبت قلبی و خیرخواهی که یکی از اصول و اداب امر به معروف و نهی از منکر و از مبانی تشریح آن می باشد در کیفیت عمل و مواجهه با فاعل منکر و معروف ، نرم خویی و معاشرت نیکو، اظهار محبت، شاداب و برخورد مهربانانه با عطوفت و مهرورزی بهترین زمینه ها و فرصت ها را برای تاثیر گذاری فراهم نموده و امر و نهی با مقبولیت یافتن نزد مخاطب ابتدا دل و قلب او را تصرف می کند و سپس رفتارش را اصلاح می نماید .

حسن خلق و معاشرت نیکو علاوه بر اینکه خودش یکی از فضایل بزرگ است که در روایات فراوان ستایش شده است^۵ برای مصلحان و آمران به خوبی و بازدارندگان از زشتی یک ضرورت و شرط اساسی و از عوامل موفقیت می باشد که هم در کیفیت هدایت و امر و نهی اثر می گذارد و آنرا در اعماق جان و فطرت مخاطب قرار می دهد و هم بعد از عمل موجب می شود با برخورد کریمانه و عفو و عطوفت مانع تجری و جسارت و پرده دری فرد خاطی شود .

^۱ اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (طه ۲۴)

^۲ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان ۱۷)

^۳ و اصبر علی ما اصابک من المشقه و الاذی فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر ، مجمع البیان ج ۸ ص ۳۱۶

^۴ ۱۳۷۷/۱۲/۴ دیدار با مسئولین تشریحات دانشجویی

^۵ تعبیری مانند خیر دنیا و آخرت و نصف دین : نیکوترین و بهترین و نخستین چیزی که در قیامت در ترازوی اعمال قرار می گیرد سرآمد همه خوبی ها ، کمال ایمان و حقیقت آن ، رک بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۷۲ تا ۳۹۶

آمر به معروف و ناهی از منکر همانند پدر و طبیب است که با عمل زشت و بیماری مخالف هستند و مقابله می کنند با خود فرزند و فرد بیمار بلکه فوق العاده او را دوست دارند و می خواهند نجاتش بدهند. نگاه آمر به معروف و ناهی از منکر به خطا کار نگاه یک انسان به دشمن و شیطان نیست بلکه نگاه یک منجی است به غریق ، نگاه پدر و مادر به فرزند و نگاه پزشک به بیمار و لذا هر چه با نرم خوبی و تواضع و مهرورزی بیشتر انجام گیرد امکان نجات و هدایت او بیشتر می باشد. امام خامنه ای می فرماید: در خصوص امر به معروف و نهی از منکر حدیثی دیدم که از جمله چیزهایی که برای آمر به معروف و ناهی از منکر ذکر می کند ((رفیق فیما یامر و رفیق فیما ینهی)) بود آن جایی که جای رفیق است که غالب جاها هم از این قبیل است انسان باید با رفیق عمل کند برای اینکه بتواند با محبت آن حقایق را در دلها و ذهن ها جا بدهد و جایگزین کند.^۱

۴- شجاعت و قاطعیت

آمر به معروف و ناهی از منکر در عین حسن خلق و برخورد کریمانه و عفو بزرگی نسبت به خودش آنجا که پای ارزش های دینی و انقلابی ، اصول و مبانی ، باورها و مصالح جامعه اسلامی باشد با قاطعیت و صلابت و عزت نفس ایستادگی می کند و جوسازی ها ، شماتت ها ، تطمیع و تهدیدها نمی تواند در عزم راسخ و روحیه انقلابی و جهادی او کوچکترین خدشه ای ایجاد کند. زیرا وقتی راه حق را شناخته و امر به معروف و نهی از منکر تکلیف شرعی و عامل تقرب به خدا یافته چرا سر آن کوتاه بیاید و فضا سازی ها او را متوقف سازد و لذا آمر به معروف و ناهی از منکر بلحاظ فردی بسیار مهربان باگذشت و انعطاف پذیر است .

اما با حفظ همین روحیه در حرکت اصلی و در مانای بیماری ها شجاع ، با صلابت و نفوذ ناپذیر است ، آنهم نه تنها شجاعت در برابر دشمنان (که البته بسیار مهم است) بلکه شجاعت در برابر توقعات خودی ها ، شجاعت در برابر خجالت ها ، رو دربایستی کردن ها شجاعت در برابر ترس از دست دادن موقعیت ها ، شجاعت در برابر روابط خانوادگی و فشار خویشاوندانو شجاعت در برابر جناح بندی های سیاسی و گروهی ، که این از شجاعت و مصادیق آن بسیار از شجاعت در برابر دشمنان مهمتر است مانند شجاعت علی (ع) در برابر توقعات برادر نیازمندش عقیل که از شجاعت علی (ع) در برابر عمر و بن عبدود دشوار تر باشد.

آمر به معروف و ناهی از منکر توهین به شخص خودش را تحمل می کند اما توهین به مقدسات و ارزش ها و اصول را هرگز بی پاسخ نمی گذارد و با عزت نفس و قاطعیت و صلابت و با توجه به شرایط محیطی از مواضع دینی و انقلابی و نظام دفاع می کند و لذا موضع آمر به معروف و ناهی از منکر موضع خواهش و درخواست ساده نیست بلکه او دارای موضع آمرانه و استعلاء می باشد .

امام خامنه ای می فرماید :

طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه ی مردم نیستند حتی اگر در سطح بالا هم هستند شما باید به او امر کنید نه اینکه از او خواهش کنید باید بگویید آقا نکن، این کار یا این حرف درست نیست امر و نهی باحالت استعلاء باشد البته این استعلاء

^۱ دیدار با روحانیون و علماء ۱۳۷۸/۱/۲۳

أَلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَآخِشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران ۱۷۳)

معنایش این نیست که آمران حتماً باید آمران بالاتر از ماموران و ناهیان بالاتر از منهیان باشند نه روح و مدل امر به معروف مدل امر و نهی است مدل خواش و تقاضا و تصریح نیست نمی شود گفت خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید نه باید گفت آقا این اشتباه را نکن چرا اشتباه می کنی! طرف هر کسی هست بنده که طلبه ی حقیری هستم از بنده مهم تر هم باشد او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار میگیرد^۱

۵- استمداد از خدا و توکل بر او

آمر به معروف و ناهی از منکر باید همه ویژگی ها و الزمات را تحصیل کند لکن فراموش نکند که جلب توفیق خدا و تکیه بر او بیشترین نقش را در موفقیت و اثر گذاری امر و نهی او دارد و بدون استمداد از خدا و توفیق الهی هیچ کاری و تلاشی به نتیجه نمی رسد که به فرموده علی (ع) "لاینبغ اجتهاد بغیر توفیق"^۲

این جهت گیری و شعار و باور همه انبیاء و مصلحان است که در جهت اصلاح دیگران و دعوت به خیر و نیکی از پلیدی ها جز به خدا اعتماد و توکل و توفیق او تکیه ندارند. قرآن از شعیب پیامبر نقل می کند که به قومش گفت:

....وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالَفِكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنِ ارِيدُ إِلَّا الْإِصْحَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود ۸۸).

من هرگز نمی خواهم چیزی که شما را از آن باز می دارم خودم مرتکب شوم من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم نمی خواهم و توفیق من (در این کار) جز به (یاری) خدا نیست. تنها بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم.

آمر به معروف و ناهی از منکر در انجام تکلیف بزرگ هدایت دیگران و احیاء ارزش ها و مقابله با پلیدی ها و منکرات باید از خدا استمداد و طلب یاری بجوید و مانند مومن آل فرعون ضمن دعوت به راه صواب و رشد و نجات و نهی از منکر کار خود و نتیجه آن را به خدا واگذار کند که اگر چنین شد خداوند او را از توطئه ها ی شوم و خطرناک و گمراه کننده دشمنان محافظت می کند آری نتیجه "أَفُؤِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ" آن است که "فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا" (هود ۴۴ و ۴۵).

استمداد قبل از عمل و امر و نهی و توکل در حین انجام عمل به انسان اطمینان خاطر، صلابت و استقامت در برابر مشکلات و مخالفت ها و از همه مهمتر هدایت و نصرت خدا را به دنبال دارد که با جلب عنایت و نصرت خدا کارها پر برکت و اثر بخش می گردد و در مقابل بدون توکل و درخواست از خداوند کارهای انسان ارزش و مفید واقع می شود نه خود او.

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (فرقان ۷۷)

بگو پروردگرم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای شما نباشد.

^۱ ۱۳۷۹/۴/۱۹ دیدار با مسئولان نظام

^۲ عزرا الحکم ج ۶ ص ۴۱۴

۶. پیشتازی در انجام معروف

گرچه در بعضی از موارد پنهان کردن کارهای خیر مطلوب و پسندیده است اما اگر آشکار ساختن و تظاهر به انجام اعمال صالح و اجتناب از محرّمات موجب هدایت و سوق یافتن دیگران به خوبی ها و ترک منکرات شود باید این تظاهر و آشکار سازی را برای خدا بعنوان امر به معروف و نهی از منکر انجام داد.

هرگاه شاگردان یک استاد یا نیروهای یک سازمان و نهاد مشاهده کنند استاد، مسئول و فرمانده آنها در فعالیت های خیر و حضور در مراسم دینی و انقلابی مانند نماز جماعت، نماز جمعه، مجالس ذکر و تعلیم شعائر دینی، کلاس های عقیدتی، راهپیمایی ها و... پیشتاز دیگر آنست خود به خود ترغیب می شوند که آنها هم به این مجالس بیایند و شاید کُنُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ یکی از مهمترین مصادیقش همین باشد.

خاتمه

در پایان این فصل سه نکته را یادآور می شویم :

۱- آنچه ذکر شد برجسته ترین ویژگی ها و الزامات لازم [از نظر نگارنده] برای امر به معروف و نهی از منکر است و موارد دیگری هم وجود دارد که برخی به همین موارد ده گانه بازگشت می کند و برخی هم در بخش های دیگر مثل اداب و شیوه ها به آنها اشاره شده است مانند موضوع شناسی، مخاطب شناسی، موقعیت شناسی، پرهیز از خود برتر بینی و عجب و کبر، آشنایی با علومی مثل روان شناسی، جامعه شناسی، جرم شناسی فنون شناسی، تاریخ، سستی و مواهنه و ظاهر سازی نکردن، عزم راسخ، آراستگی ظاهری، انتظار قدر شناسی نداشتن، کسب موقعیت اجتماعی و

۲- هدف از بیان این ویژگی ها آن است که مومنین وظیفه شناس به دنبال تحصیل این ویژگی ها و خصوصیات باشند تا امر و نهی آنها اثر بخش و موثر باشد و کسب و تحصیل آنها را بعنوان مقدمه واجب برای خود لازم و واجب بدانند نه اینکه به بهانه اینکه من این خصوصیات را ندارم از انجام وظیفه و جوب قطعی خدا شانه خالی کند چرا که وجوب امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر اینها نیست و در هر حال مکلف، موظف است وظیفه امریت به معروف و نهی از منکر را انجام دهد لکن برای اینکه این وظیفه به نحو کامل تر و اثر بخش تر باشد باید الزامات و ویژگی های لازم را هم کسب کند.

۳- علاوه بر موارد فوق که مهمترین الزامات این فریضه می باشد موارد دیگری نیز وجود دارد، که عبارتند از: اخلاص و قصد قربت، بصیرت، تقوای فردی و اجتماعی، روحیه جهادی و انقلابی، ولایت محوری و... .

فصل پنجم: شیوه ها و روش های امر به معروف و نهی از منکر

امام خامنه ای: بعضی از جوانان به ما نامه می نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب مقابله بکنید اما چطور! بریزید طرف را تکه پاره کنید! نه این نیست، حرف بزنید یک کلمه بیشتر هم نمی خواهد لازم نیست یک سخنرانی بکنید کسی که می بینید خلافی را مرتکب می شود دروغ، غیبت، تهمت، کین ورزی نسبت به برادر مومن، بی اعتنائی به محرّمات دین، بی اعتنائی به مقدّسات، اهانت به پذیرفته های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت، یک کلمه آسان بیشتر نمی خواهد بگویید این کار شما خلاف است، نکنید لازم هم نیست که با خشم همراه باشد شما بگویید دیگران هم بگویند گناه در جامعه خواهد خشکید. ۱۳۷۰/۸/۱۵

در بحث چگونگی امر به معروف و نهی از منکر همه مباحث قبل احکام، شرایط، مراتب، آداب و ویژگی ها و توانمندی های امر و ناهی [دارای اهمیت فراوان می باشد اما شاید بتوان گفت مهمترین، کار بردی ترین و مبتلاء به ترین آنها بحث از روش ها و شیوه های امر و نهی است که در حساسیت، ظرافت و تاثیر گذاری نقش بیشتری دارد و بدون بهره گیری از شیوه های صحیح و متناسب با موقعیت ها و شرایط زمانی و مکانی و محیطی، نه تنها امر و نهی در تامین اهداف و آثار توفیقی حاصی نمی کند بلکه چه بسا با واکنش منفی مواجه شود و منکرها یا ترک معروف های دیگری را به دنبال داشته باشد.

قبل از پرداختن به شیوه ها توجه و تذکر سه مطلب ضروری می باشد.

۱- ملاک و شاخص صحت شیوه ها

گرچه انتخاب شیوه و مدل خاصی برای امر به معروف و نهی از منکر تا حدود زیادی به توانمندی عقلانی، ذوق و سلیقه و بصیرت امر به معروف و ناهی از منکر و عوامل محیطی و موقعیت مخاطب بستگی دارد اما در عین حال تمییز و تشخیص شیوه های صحیح از غیر صحیح نیازمند شاخص ها و معیارهایی است که امر و ناهی باید آنها را رعایت کنند و در انتخاب مدل و روش امر به معروف و نهی از منکر و انطباق بر مصادیق لازم است این شاخص ها مورد توجه قرار گیرد که مهمترین آنها از نظر نگارنده عبارتند از:

۱-۱. شیوه ها و مدل هایی که در قرآن آمده است: خدا اولین امر به معروف و ناهی از منکر است و قرآن بعنوان کتاب هدایت و دعوت کننده به معروف ها و بازدارنده از منکرات شیوه ها و روش های متنوعی را بکار برده است که علاوه بر بُعد هدایتی بهترین شاخص و منبع برای باز شناسی شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر از شیوه های غلط و مردود می باشد.

۱-۲. احادیث و روایات معصومین علیهم السلام که در موارد فراوانی مُدل و چگونگی امر و نهی کردن دیگران را به ما آموخته اند و رعایت این دستورات و آموزه ها بعنوان دومین شاخص تمییز شیوه های مطلوب، موثر و صحیح از غیر صحیح می باشد.

۱-۳. سیره عملی معصومین علیهم السلام و آنچه خود این بزرگواران در دعوت به خیر و معروف و نهی و بازداشتن از زشتی و منکر انجام داده اند و رفتار آنها بهترین اسوه و سرمشق ما است که روش خود را با آنها منطبق کنیم.

۱-۴. قول و عمل فقهاء و علماء وارسته که در علم و عمل نزدیکترین و مشابه ترین افراد می باشند و در هدایت امت و امر نهی آنها از شیوه هایی استفاده کرده اند که می تواند شاخص و معیار خوبی برای ما، در باز شناسی روش های صحیح از غیر صحیح باشد و در عصر ما بیش از همه روش ها و مُدل هایی که امامین انقلاب بیان یا عمل کرده اند از برجسته ترین شاخص ها برای آمران و ناهیان می باشد.

۱-۵. عقلا نیت و بصیرت: خردورزی و عمق نگری و ذوق سلیم علاوه بر اینکه یگانه ابزار استفاده از شاخص های قبلی در شرایط و موقعیت های مختلف است، در مواردی هم که از امور مستحدثه و بدون سابقه باشد و در موارد قبلی نتوان برای آن مشابه و مدلی یافت خود عقل سلیم و سلیقه و ذوق مناسب می تواند بهترین شاخص برای تمییز مُدل و روش مناسب و صحیح از غیر آن باشد^۱

۲: قانون و قاعده استفاده از شیوه ها [الایسر فالایسر]

در انتخاب بهترین نسخه و انطباق شیوه ها بر مصادیق علاوه بر معاینه صحیح و درک جامع و کامل از موقعیت ها و مخاطب باید این قانون رعایت شود که از ساده ترین، کار آمدترین و کم عوارض ترین آنها استفاده شود و به اصطلاح فقهاء قانون الایسر فالایسر رعایت گردد^۲ و هرگاه مطلوب با شیوه درجه و مرتبه پایین تر حاصل می شود سراغ درجه و مرتبه بعدی نباید رفت که این امر مهم به توانمندی ها و ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر و رعایت اصول و آداب امر به معروف و نهی از منکر و بعلاوه ذوق و سلیقه و بصیرت او نسبت به واقعیات بر می گردد.

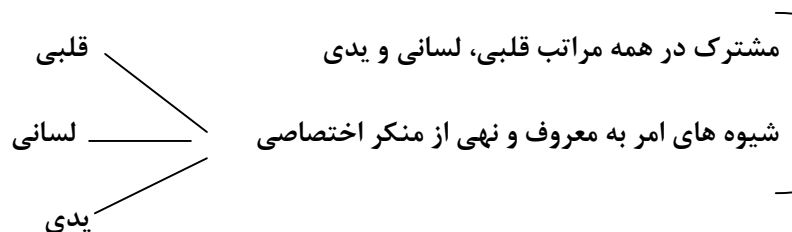
۳: دسته بندی شیوه های امر به معروف و نهی از منکر بر اساس مراتب: برای دسته بندی و تقسیم شیوه ها و روش های امر به معروف و نهی از منکر، الگو و مدل هایو معیارهای مختلفی وجود دارد مانند الگوی تقسیم بندی به شیوه های قرآنی، روایی، سیره و عقلانی و یا الگوی تقسیم شیوه ها به فردی، جمعی

^۱ شهید استاد مطهری با توجه به اهمیت عقل و فکر در انتخاب شیوه های امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر از کارهایی است که ساختمان و کیفیت ترتیب آن و اینکه کجا مفید است و به چه شکل مفید است و موثر است و بهتر ثمر می دهد و بارمی دهد و نتیجه می دهد همه را شارع در اختیار عقل ما و فکر ما منطق ما گذاشته است مجموعه آثار ج ۲۰ ص ۲۰۷

^۲ تحریر الوسيله امام ج ۱ ص ۴۷۶ مسئله ۱ رساله آموزشی امام خامنه ای ج ۱ ص ۳۳۵

و حکومتی یا مدل سازمان دهی شیوه ها به دو دسته روش های امر به معروف و روش های نهی از منکر و یا تقسیمات فرعی دیگری نظیر تقسیم به شیوه های استدلالی، عاطفی و احساسی و یا تقسیم شیوه ها به آشکار و پنهان و نیز تقسیم آنها به مستقیم و غیر مستقیم و تقسیم شیوه ها به ایجابی و سلبی و نیز دفعی یا تدریجی و...

اما شاید جامع ترین و کامل ترین مدل که هم دیگر تقسیمات را در درون خود دارد و هم با منابع دینی انطباق بیشتری دارد و با مباحث گذشته هم سنخیت زیادتری دارد، مدل و تقسیم بندی شیوه ها به اعتبار و بر اساس مراتب امر به معروف و نهی از منکر باشد و لذا ما در این فصل مدل زیر را دنبال می کنیم



الف) شیوه های مشترک

روش هایی وجود دارد که اختصاص به مرتبه و وضعیت خاصی ندارد و در همه مراحل و مراتب در ترویج معروف ها و بازدارندگی از منکرات تاثیر گذار هستند و بیشتر نقش تربیت عمومی و زیر بنایی و فضا سازی برای انجام معروف ها و بازدارندگی از رواج منکرات دارند که به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم .

۱. تقویت مبانی اعتقادی و ایمانی:

بزرگترین و کار آموزترین عامل تربیت و ضمانت اجراء قوانین شرعی که هم در بازدارندگی از انحراف و منکر بسیار کار آمد است و هم انگیزه و محرک فوق العاده ای برای انجام معروف ها و حرکت در صراط مستقیم می باشد ایمان راسخ به مبدء و معاد است و لذا قرآن اعتقاد عمیق و ایمان به خدا حاضری و خدا ناظری را در هدایت انسانها فوق العاده موثر می داند و با تعبیر مختلفی از آن یاد می کند

مانند:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۚ علق/۱۴

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۚ فجر/۱۴

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ توبه/۱۰۵

^۱ جمله معروف امام خمینی ترجمه و برداشت زیبایی از آیه است که فرمودند: عالم محضر هداست در محضر خدا معصیت نکنید- همچنین نقل شده علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان پس از ده سال شاگردی عارف و اصل سید علی قاضی وقتی می خواست از نجف به ایران بیاید خدمت استاد رسید و درخواست نصیحتی می کند که کلید سعادت او باشد و در واقع این ده سال را جمع بندی کند و استاد به او می فرماید: این آیه راهمواره مورد توجه قرار بده الم يعلم بان الله یری

همین مقدار که انسان ایمان و باور داشته باشد که خدا او را می بیند و تمام رفتار و کردار و حتی اندیشه های او را تحت کنترل دارد نمی گذارد به انحراف برود مانند راننده ای که وقتی می بیند مامور راهنمایی و رانندگی ایستاده و اگر خلاف کرد او را جریمه می کند از تخلف خودداری می کند ایمان و یاد خدا از قوی ترین عوامل تعالی معنوی و مبارزه با شیاطین است

علی (ع) می فرماید: ذَكَرُ اللهُ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ رِيحُهُ أَسْلَامَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ^۱

یاد خدا سرمایه هر مومن و سود و بهره آن سالم و ایمن ماندن از شیطان است .

قرآن با اصلاح و هدایت فکری و ایمانی مانع گرایش به باطل و انحراف می گردد مثلاً برای اینکه انسانها برای کسب قدرت به طاغوت ها و ظالمان تکیه نکنند می فرماید: إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً^۲

و یا به انتقاد از منافقین که با نزدیکی به کفار به دنبال کسب عزت و موقعیت هستند .

می فرماید: أَيْتُّنَّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً. نساء/ ۳۹

آیا عزت و سربلندی را نزد آنان می جویند با این که همه عزت ها از آن خداست .

تأکید فراوان قرآن بر توجه و ایمان به معاد و آنچه بعد از مرگ بر انسان می گذرد یکی از مهمترین عواملش نقش سازنده و تربیتی آن است که ایمان و درک درستی از آینده ای که در انتظار انسان است دارد که بعنوان یک عامل کنترل کننده طغیان گری نفس اماره و شیاطین بیرون می باشد و حتی گمان به قیامت هم سازنده است .

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (مطفقین ۴).

آیا آنها گمان نمی کنند بر انگیخته می شوند در روزی بزرگ!!

بنابراین تقویت و تحکیم ایمان و مبانی فکری و اعتقادی جامعه و جوانان از طریق قول و عمل و استفاده از ابزارهای مختلف یکی از قویترین راههای ترویج معروف و بازدارندگی از منکر است و هر کسی در این رابطه تلاش کند مصداق آمر به معروف و ناهی از منکر است .

۲. ترویج و تکریم ارزش ها در قول و عمل:

احترام و تکریم خوبی ها با بیان و عمل و تشویق نسبت به فضایل و ارزش های دینی مانند علم - تقوی و جهاد و بی تفاوت نبودن نسبت به آنها دعوت کننده و سوق دهنده دیگران است به سوی معروف ها مخصوصاً اگر تکریم و ترویج کننده دارای موقعیت الگویی هم باشد .

همچنین گاهی لازم است کار نیک و خیر را آشکار و علنی انجام داد تا هم داعی دیگران به سوی آن عمل خیر باشد و هم به تدریج به یک فرهنگ تبدیل شود و بنابراین باید بین علنی کردن با نیت ریا با علنی انجام دادن کار خیر برای تشویق و ترغیب دیگران تفاوت قائل شد و به همان میزان که اولی مذموم است آشکار کردن کار خیر برای ترویج و ترغیب دیگران و

^۱ میزان الحکمه ج ۳ ص ۴۲۰

^۲ بقره ۱۶۵

فرهنگ سازی ممدوح و شایسته است. و لذا اسلام برای فرهنگ ساختن ارزشها تاکید دارد بر خیعبادات و مراسم باشکوه و علنی و به صورت یک نمایش انجام گیرد مانند حج، نماز جمعه، نماز جماعت، همایش های قدرت مثل رزمایش نظامی. آشکار سازی اعمال نیک و ارزش ها سبب می شود کارهای خوب و ارزش ها در جامعه معروف و مطلوب داشته شوند و زشتی ها منکر و مورد تنفر شناخته شوند و در عصری که افراد فاسد و لابلایی، گناه و منکر خود را آشکار و علنی نموده اند چرا انسان های پاک و مؤمن کارهای نیک را مخفی کنند؟! باید آنقدر خوبی ها را در معرض دید قرار داد و به آنها افتخار کرد تا فضای جامعه فضای ارزش و معروف شود و خلاصه آنکه باید فضای جامعه را با معروف پر و آراسته نمود تا جایی برای منکر نباشد.

۳. از بین بردن زمینه های گناه و تخلف

مبارزه با علت ها و عوامل انحراف و بیماری بهترین راه درمان است و برای هدایت و تربیت جامعه و افراد یکی از برجسته ترین روش ها آن است که عوامل گناه و لغزش را شناسایی نموده و آنها را ریشه کن نمود مثلاً با آسان نمودن ازدواج می توان جلوی بسیاری از گناهان را گرفتو یا با ارائه اطلاعات درست می شود مانع غیبت، تهمت و شایعه پراکنی ها شد، با احترام و تکریم فرزندان می توان مانع وابستگی آنان به دوستان نااهل و جریان های شیطانی شد، عدالت و انصاف نسبت به زیر دستان و محبت یکسان به همه آنها بهترین راه خشکاندن ریشه طغیان و حرمت شکنی است، جلوگیری و منع از بسیاری از فیلم ها و نمایش ها و اردوهای مختلط و امثال آن راهکار جلوگیری از منکرات و فحشاء است نباید علت ها را رها کرد و تنها، به تذکرات موردی بسنده نمودن، خلوت با نامحرم در فضای بسته، مشرف بودن منازل بر یکدیگر، ارتباط بی برنامه دختر و پسر در دانشگاهها، خیابانها و پارک ها، سوء ظن و بدگمانی ها؛ نگاه های ناپاک در زمینه های گناه و انحراف هستند که باید در قول و عمل از آنها نهی شود.

۴. پر کردن اوغات فراغت

یکی از زمینه های انحراف و کشانده شدن افراد به خلاف، زمان هایی است که انسانها به ویژه جوانان به هیچ کاری اشتغال نداشته و در فراغت می باشند. که اگر با برنامه های متنوع حلال پر نشود ممکن است زمینه لغزش افراد را فراهم کند. در پادگان ها، در آموزشگاهها، در اردو ها، در خانه و خانواده و در محیط جامعه باید برای اوغات فراغت و استراحت برنامه ریزی مناسب داشت و با کارهای حلال و شاد و متنوع فرصت را بر شیطان و جنود او مسدود کرد که میدان حضور پیدا نکنند.

۵. تعظیم شعائر دینی

اهتمام به نمادها، نشانه ها و شعایر دینی و انقلابی، روحیه ی دین داری و تعبد و التزام به احکام الهی را قوت و قدرت بخشیده و زمینه های غفلت و بسیاری از گناهان را از بین می برد. قرآن پس از اشاره به برخی مناسک و شعایر حج به صورت یک قانون کلی تعظیم شعایر الهی را بخشی از حقیقت دین داری و تقوای قلبی (که مانع انحراف و عامل بندگی است) دانسته می فرماید:

و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای الهی دل هاست .

بزرگداشت و تلاش برای برگزاری مراسم ذکر، تکریم اهل بیت ، شهداء ، اعتکاف و دعا ، ایام الله ها و... با برنامه ریزی های جذاب و متناسب با مخاطبین روح انسانی را صیقل و نورانیت می بخشد و قوه عاقله و خرد ورزی را تقویت و تقوای مصونیت بخش را استحکام بخشیده ریشه بسیاری از لغزش ها را می خشکاند و معروف ها را احیاء می کند .

۶. فرهنگ کردن الگوهای شایسته

معرفی عملی و قولی الگوهای دینی و انقلابی و تجلیل و تکریم آنها و همینطور جلوگیری و مقابله با الگوهای کاذب ، وارداتی و غلط از موثرترین عوامل دعوت و وادار کردن مردم به معروف و بازداشتن از منکر است . هرگاه در جامعه الگو و اسوه رهبران دینی ، شهداء ، مجاهدین و انسان های مومن و فداکار باشد و فرهنگ عمومی به این سمت هدایت و مدیریت شود نه آنچه در فرهنگ اوما نیستی و لیبرالیستی الگو معرفی می شود خود به خود جوانانی را که به دنبال الگوهای پستند که خود را هماهنگ با آنها سازند به سوی خوبی ها ، ارزش ها و معروف ها و اجتناب از زشتی ها سوق می دهد.

در معرفی الگوها نباید به معصومین علیهم السلام اکتفا کرد بلکه هرگاه انسانی در بین مردم از برجستگی و امتیاز ایمانی و عملی برخوردار بود و رفتار او در تمام ابعاد با شاخص های دینی انطباق داشت می توان با تجلیل و معرفی او دیگران را بدان جهت هدایت کرد مثل یک دانشجوی مومن و نمونه ، یک کارمند نمونه ، یک رزمنده نمونه و... قرآن در کنار معرفی انبیاء بزرگ مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم (ص) همسر فرعون را بعنوان الگویی برای مومنین معرفی می کند که در متن کفر و ظلم و انحراف ، جذب آن محیط نشد و ثابت قدم بر ایمان خود ایستادگی کرد .

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ تحریم/۱۱

و خداوند برای مومنان به همسر فرعون مثل زده است در آن هنگام که گفت پروردگارا نزد خود برای من خانه ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش^۱

۷. ارائه جایگزین مناسب

انسان ها نیازهایی دارند که اگر درست و از طریق مشروع تامین نشود به سراغ راههای خلاف و مضر می روند و اسلام در روش تربیتی و هدایتی همواره به این واقعیت توجه نموده و برای جلوگیری از انحراف و منکرها جایگزین های حلال و معروف را قرار می دهد. در کنار حرمت ربا، حلیت بیع و کار و کسب را مطرح می کند در کنار نهی از فحشاء ازدواج را، در کنار منع از آشامیدنی ها و خوردنی های ناپاک ، استفاده از طیبات را قرار می دهد.

^۱ در آیه قبل از این آیه خدا همسر منحرف نوح و همینطور همسر لوط را برای کفار مثال می زند ، یعنی الگو برای هر دو گروه مومنین و کفار وجود دارد مهم این است که ما به سوی کدام برویم.

آمرین به معروف و ناهین از منکر باید باتاسی به معارف دینی با ارائه جایگزین های حلال و مشروع زمینه روی آوردن جوانان و نوجوانان را از اقبال و روی آوردن به منکرات از بین ببرند اگر می خواهند جوانان در کوچه ها و خیابان ها پرسه زنند یا به مجلس لهو و لعب و گناه نروند با ایجاد مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی نیازهای آنان را تامین کنند اگر می خواهند جلوی موسیقی و فیلم های مبتذل را بگیرند این با موعظه و نصیحت تنها تامین نمی شود بلکه باید جایگزین مشروع و بی ضرر آن را تامین کرد.

قرآن قبل از آنکه حضرت آدم و همسرش را از شجره ممنوعه نهی کند، استفاده از نعمت های بهشتی را برای او تشریح می کند^۱. و حضرت لوط برای جلوگیری از عمل شنیع و زشت ازدواج را مطرح می نماید^۲

۸. برخورد آئینه وار

در امر به معروف زبانی و عملی و رفتاری باید بر اساس روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمود: *الْمُؤْمِنُ مِرْءَاةُ الْمُؤْمِنِ* همچون آئینه عمل کرد که اولاً خوبی و بدی را با هم نشان می دهد ثانیاً روبرو و از روی صفا و نه انتقام جویی عیب را بی صدا و جنجال نشان می دهد ثالثاً در نشان دادن واقعیت ها فرقی بین افراد صاحب مقام و موقعیت و غیر آنها نمی گذارد و رابعاً در مخاطب انگیزه اصلاح ایجاد می کند نه عکس العمل و شکستن آینه .

اگر امر به معروف و ناهی از منکر در اظهار قلبی و بیان زبانی و رفتار عملی به دنبال نشان دادن واقعیت ها به دیگران و تایید خوبی ها و تغییر زشتی ها باشد و با انگیزه دلسوزی و اصلاح باشد حتماً امر و نهی موثر خواهد بود .

۹. تقویت نظام اسلامی و اجرای احکام الهی

یکی از اقدامات و شیوه های موثر در احیاء معروف ها و بازدارندگی از زشتی ها و منکرات آن است که پایبندی به حاکمیت دین و قانون گرایی و نظام ارزشی و فضایل و روحیه انقلابی و جهادی در جامعه ترویج و تقویت گردد و در کنار تولی و ولایت مداری موضع استکبار ستیزی و بدگمانی و بی اعتمادی به دشمنان و فرهنگ غربی و تبری ترویج گردد چرا که هر چه نظام اسلامی با اقتدار و حمایت و مشارکت مردمی همراه باشد در احیاء ارزش ها و معروف ها موفق تر خواهد بود چنانچه عدم وابستگی، بی اعتمادی، سوءظن به دشمنان و بصیرت نسبت به توطئه های آنان مانع انفعال و گرفتار شدن در دام لغزش ها و انحرافات شیاطین می گردد.

۱۰. توجه دادن به حقیقت انسانی

بسیاری از لغزش ها و انحرافات به خاطر آنست که افراد خود و زندگی خویش را در حد حیوانات تنزل داده و در بینش و گرایش و رفتار جز به بعد مادی و حیوانی توجه ندارند و تحت تاثیر انسان شناسی اومانستی، لذت و سعادت خویش را تنها در مادیات و حیات موقت دنیوی می بینند اما اگر در برنامه های تبلیغی، هنری

^۱ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ بقره/۳۵

^۲ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَوُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ هود/ ۷۸

و رفتار به انسانها آموزش داده شود که حقیقت آنها به روح الهی است و آنها گرچه ازلی نیستند اما ابدی هستند و ابدیت خویش را خودشان باید بسازند ، انسان خلیفه خدا ، مسجود فرشتگان و دارای حیات و سعادت بسیار فراتر از حیات مادی است و تنها خداست که بر اساس مصالح و تعالی انسان می تواند آزادی او را تعریف و محدود سازد و شایسته نیست که این موجود الهی و حاکم بر آفرینش ، اسیر دنیای مادی و ظواهر زودگذر آن شود ، چنین انسانی به راحتی تسلیم هواهای نفسانی و دام های شیطنی نمی گردد و آمرین به معروف و ناهیان از منکر هرچه در شناساندن انسان اسلامی موفق تر باشند در تربیت و هدایت دیگران تاثیر گذارتر و توفیق بیشتر خواهند داشت .

آنچه ذکر شد تنها برخی از مدل ها و روش های مشترک و عمومی بود که در کنار اداب امر به معروف و نهی از منکر می تواند بسیار موثر باشد.

(ب) شیوه های اختصاصی

ب-۱) شیوه های امر به معروف و نهی از منکر قلبی

برای آشکار ساختن خشنودی و رضایت قلبی از انجام معروف و همچنین اظهار انزجار و تنفر قلبی نسبت به منکر مدل ها و روش هایی وجود دارد که متناسب با موقعیت های متفاوت باید از بین آنها بهترین را انتخاب کرد که به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم .

۱. تبسم و خوش رویی

در مواجهه با اعمال صالح و معروفی که افراد انجام می دهند با تبسم و نشان دادن شادمانی و رضایت قلبی می توان آنها را در این مسیر ثابت قدم و تشویق نمود تا او با انگیزه بیشتری به دنبال انجام معروف ها برود و متوجه شود که محسن و مسیئی نزد دیگران و در جامعه یکسان و مساوی نیستند .

۲. پیشتازی در انجام معروف

گرچه در بعضی از موارد پنهان کردن کارهای خیر مطلوب و پسندیده است اما اگر آشکار ساختن و تظاهر به انجام اعمال صالح و اجتناب از محرّمات موجب هدایت و سوق یافتن دیگران به خوبی ها و ترک منکرات شود باید این تظاهر و آشکار سازی را برای خدا بعنوان امر به معروف و نهی از منکر انجام داد.

هرگاه شاگردان یک استاد یا نیروهای یک سازمان و نهاد مشاهده کنند استاد، مسئول و فرمانده آنها در فعالیت های خیر و حضور در مراسم دینی و انقلابی مانند نماز جماعت ، نماز جمعه ، مجالس ذکر و تعلیم شاعر دینی ، کلاس های عقیدتی، راهپیمایی ها و... پیشتاز دیگر آناست خود به خود ترغیب می شوند که آنها هم به این مجالس بیایند و شاید کُنُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ یکی از مهمترین مصادیقش همین باشد.

۳. نمایش علمی - عملی

گاهی برای هدایت و امر به معروف و نهی از منکر دیگران بدون اینکه عوارضی داشته باشد باید سراغ مدل ارائه صحیح عمل از طریق نمایش رفت و غیر مستقیم مخاطب را بدون اینکه احساس حقارت و تحقیر شدن بکند و عکس العمل نامطلوب نشان بدهد متوجه خطا و اشتباهش نمود. نظیر آنچه در امر به معروف امام حسن و امام حسین علیهما السلام نسبت به پیرمردی که وضو اشتباه انجام می داد آمده است - این دو کودک بزرگوار نزد پیرمرد رفته می گویند ما میخواستیم وضو بگیریم و شما داوری کنید که وضوی کدامیک صحیح است و سپس هر وضو می سازند و پیرمرد متوجه خطای خود در وضو شده به آنها عرض می کند وضوی هر دو شما صحیح بود این من هستم که وضویم صحیح نبود والان از شما یاد گرفتم.^۱

۴. تغافل و به روی نیاوردن

گاهی فردی با علم به زشتی عملی آنرا انجام می دهد اما اگر به روی او بیاورند و متوجه شود که دیگران از عمل منکر یا ترک معروف او اطلاع یافته اند در گناه جرات یافته و با این احساس که در جامعه و بین اطرافیان حرمت و کرامتی ندارد به هر گناه دیگری کشیده می شود. در این گونه موارد نسخه درمانی تغافل و خود را به خبری زدن است و مخصوصاً اگر خود او آن عمل را انکار کرد نباید در دنبال اثبات آن بود مثلاً اگر فرزندی به پدرش گفت: من فلان کار خلاف را نکردم، پدر با اینکه می داند اوصادق نیست اما حرف او را بپذیرد و بگوید الحمدلله که شما مبتلا به این گناه یا ترک معروف نشده اید.

البته باید توجه داشت که اولاً تغافل در جایی است که نهی از منکر و امر به معروف با آن تحقق پیدا کند نه اینکه مخاطب در انجام خلاف میدان را بازتر یافته و جراتش بیشتر شود و از تغافل سوء استفاده کند^۲ و ثانیاً تغافل در امور جزئی و خطاهای فردی است اما آنجا که پای منافع ملی، امنیت کشور و مصالح عمومی باشد جای تغافل نیست و همینطور تغافل از نقشه ها و فتنه گری های دشمنان از بزرگترین منکرها می باشد.

۵. عفو و گذشت بازدارنده

امر به معروف و نهی از منکر و همینطور مجازات گناهکار برای این است که خطا کار هدایت شود و خود و جامعه را آلوده نکند اما اگر در جایی گذشت و پرده پوشی نسبت به فاعل منکر یا تارک معروف سازنده تر باشد و او متوجه شود که در عین آگاهی از تخلفش مورد عفو قرار گرفته و ابرویش نزد دیگران حفظ شده است و انگیزه پیدا کرد که گذشته را جبران کند. همین مقدار در هدایت و امر و نهی او کفایت می کند، عفو بخشش حضرت یوسف به مراتب بیش از سرزنش در توبه و هدایت شدن برادرانش نقش داشت.

^۱ بحارالانوار ج ۴۳ ص ۳۱۹

^۲ حضرت یوسف وقتی برادرانش گفتند اگر بنیامین دزدی کرده او قبلاً برادری داشت که او هم دزد بود و در جواب تغافل کرد و نگفت چرا دورغ می گوئید اما با جمله ای وجدان آنها را بیدار و متوجه خلافشان کرد و فرمود شما پیش من از منزلت پایین تری نسبت به برادرانم برخوردارید و خدا از آنچه وصف می کنید و می گوئید آگاه تر است یوسف/۷۷

به این نکته هم توجه داشته باشیم که در بسیاری از موارد لازم نیست عفو و بخشش در قالب الفاظ و بیان بیاید و موجب شرمندگی مخاطب گردد بلکه در عمل و رفتار می توان به او فهماند که از لغزش و خطای او آگاهی یافته اما آنرا آشکار نمی کند و مجازاتی قرار نمی دهد تا وی خودش را اصلاح کند .

۶. عکس العمل رفتاری

در بسیاری از موارد بهترین راهکار برای اظهار رضایت یا عدم رضایت قلبی استفاده از حرکات و عکس العمل نشان دادن به وسیله اعضاء و جوارح است مثلاً با دیدن معروف ، خوش رویی شادمانی ، اقبال به صورت ، نوازش ، تایید خود را نشان دهد و یا با مشاهده منکر یکی از اقدامات زیر را انجام دهد . بستن چشم، اخم کردن، خیره شدن، دست روی دست زدن، لب را به دندان گرفتن، تکان دادن و اشاره با سر یا دست ، صورت را برگرداندن که البته در هر مورد باید دید کدامیک از این مصادیق موثرتر و آسانتر است و همانرا به کار گرفت.

۷. قطع کردن صحبت مخاطب

گاهی برای جلوگیری از منکر و تبدیل شدن جلسه گناه و غیبت و تهمت یا ترک معروف به مجلس بندگی خدا مناسبترین راهکار قطع کردن سخنان او یا ترک جلسه و مخاطبه و یا مشغول شدن به کارهای دیگری است که ناخشنودی شما را از اقدام مخاطب نشان می دهد .

۸. بی توجهی و سلام نکردن

گاهی برای درمان بیماری و اظهار نارضایتی از عمل منکر یا ترک معروفی باید موقتاً عاصی را مورد بی مهری و بی اعتنائی قرار داد و احترام معمول را در رابطه با او انجام نداد و حتی از سلام کردن به وی اجتناب کرد تا متوجه عدم رضایت و دلگیری آمر و ناهی شود . البته سلام نکردن غیر از جواب سلام ندادن است و چون جواب سلام واجب است می توان جواب او را داد اما به گونه ای که متوجه شود این جواب همراه با ناخشنودی و عدم رضایت است .

۹. تعاون در معروف و عدم تعاون بر منکر

یکی از مهمترین شیوه های امر به معروف و نهی از منکر با اظهار قلبی آن است که در کارهای معروف و اعمال صالح کمک و همراهی کامل نموده و خشنودی خود را به این صورت نشان دهد اما در اعمال منکر هرگونه همکاری و همراهی و کمک را به خطاکار قطع کند و حتی در حد جوهر قلم به ظالم و متخلف کمک نکند که این کار هم عامل حفظ دین داری خودانسان است هم هشدار و نهی از منکر نسبت به فرد خطاکار می باشد. امام موسی بن جعفر (ع) همین شیوه را به صفوان جمال آموخت که رضایت به حیات و زنده ماندن هارون

ظالم و ستمگر و کرایه دادن شتر به او همکاری و همراهی با اوست و نتیجه اش جهنم است. ولذا صفوان ترغیب شد که با هارون همکاری نکند و همه شترانش را فروخت^۱

۱۰. اعراض و عدم مجالست

اگر راههای آسانتر در احیاء معروف و بازدارندگی از منکر جواب نداد می توان با ترک همنشینی و مجالست اعتراض خود را نشان داد، هرگاه مشاهده کرد که جلساتی عمدتاً با گناه و غیبت، حرمت شکنی نسبت به مومنین و لهو و لعب می گذرد یا در راستای تضعیف نظام اسلامی تشکیل می گردد و با شرکت در آن جلسات نمی توان جلوی گناه و انحراف را بگیرد باید با عدم شرکت و اعراض از اهل آن جلسه ناخشنودی و عدم رضایت خویش را آشکار سازد.

۱۱. قهر کردن و قطع هرگونه رابطه

گاهی حتی اعراض و همراهی نکردن، فرد یا افراد خلاف کاری را متنبه نمی کند و برای هدایت و تربیت او لازم است برای مدتی با او قهر کرد و هرگونه مرادده و دوستی و هم کلامی را قطع کند تا وی را متوجه خطا و انحرافش نموده و از غفلت خارج سازد. روشن است که قهر و آشتی باید بر اساس و معیار معروف و منکر و دستورات دینی باشد نه حب و بغض و منافع شخصی و مادی.

ب-۲) شیوه ها و مدل های امر به معروف و نهی از منکر زبانی

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر زبانی کاربرد و موارد ابتلاء به آن به مراتب بیشتر از مراتب دیگر است مدل ها و روش های آن نیز متناسب با موقعیت های متفاوت از تنوع و کثرت بیشتری برخوردار است و علاوه بر اداب و اصولی که در فصل سوم بیان شد برای امر به معروف و نهی از منکر زبانی روش های فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها به اختصار می پردازیم:

۱. ایجاد ارتباط و محبت

قبل از هر اقدامی امر به معروف و ناهی از منکر باید بتواند ارتباطی معنوی و مهربانانه با مخاطب برقرار کند و به او بفهماند که طالب سعادت و تعالی اوست نه به دنبال عیب جویی و انتقام گیری یا تخطئه وی. و مانند طبیبی دلسوز به دنبال درمانگری و نجات مخاطب و خیر خواهی اوست. هرچه گوینده محبوبتر باشد سخن او تاثیر بیشتری دارد و لذا باید با اظهار محبت و استفاده از الفاظی لین و نرم و دلسوزانه او را مخاطب قرار دهد و جذب نماید. قرآن حتی برای هدایت و دعوت ستمگری مثل فرعون طغیان گر به حضرت موسی(ع) و هارون

^۱وسایل الشیعه ج ۶ ص ۲۵۹ ... یا صفوان ایقع کرا وک علیهم قلت نعم قال اتحب بقاء هم حتی بخرج کرا وک قلت نعم قال فمن احب بقاء هم فهو منهم و منکان منهم کان ورد النار قال صفوان فذهب فبعت عن آخرها

می فرماید: شما به نزد او بروید و با او سخن لین و نرم بگویید شاید در او اثر کند و پند بپذیرد^۱ وقتی با فرعون که ادعای خدایی می کرد سفارش شده با نرمی و مهربانی سخن بگویید نسبت به دیگران قطعاً این شیوه مدل کار برد بیشتری دارد.

اجتناب از الفاظ تند ، خشن، قهرآمیز و تحقیر کننده و به جای آن اظهار محبت و دوستی و استفاده از بیان و لفاظ جذب کننده و نرم همراه باروی خوش و مهربانی می تواند سخت ترین دلها را نرم و منعطف کند و نسبت به حق و دوری از باطل موثر تر واقع شود و سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه علیهم السلام مصادیق فراوانی از این مدل را به ما می آموزد .

۲. آماده سازی

در بسیاری از موارد نباید مستقیماً و از ابتدا سراغ امر و نهی رفت بلکه باید با مقدمات و زمینه سازی ، قدرت تحمل و اثر پذیری فرد را ارتقاء بخشید بعد او را مورد امر و نهی قرار داد مثلاً برای نهی از غیبت کردن می توان ابتداء از حرمت و منزلت انسان به ویژه مومنین و احترامی که خدا برای آنان قرار داده است سخن گفت و سپس بیان کرد که هر اقدامی که این حرمت و شرافت را مخدوش و متزلزل کند از نظر خدا مذموم و گناهی عظیم است و اعمالی مثل تهمت ، غیبت و استهزاء چون تعرض به حرمت انسان های دیگر است از نظر عقل و شرعی ممنوع و مذموم است .

انسان ها همیشه در یک حال و وضعیت نیستند و قلوب آنها اقبال وادبار دارد^۲ باید ابتداء اقبال قلوب را بدست آورد بعد اقدام به امر و نهی کرد قرآن برای ترغیب و امر به جهاد ابتدا می فرماید می خواهید شما را به تجارتی سودمند و رهایی بخش از عذاب الهی آگاه کنم؟^۳ سپس می فرماید:

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ص/۱۱

پیامبر اکرم(ص) گاهی خطاب به مردم می فرمود آیا مایلید و می خواهید برای شما صحبت کنم؟ ووقتی آنها اظهار تمایل و آمادگی می کردند آنها را موعظه و راهنمایی می فرمود^۴

۳. زیبایی بیان و سخن

تاثیر گذاری امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر نیکویی و مطلوبیت موضوع و محتوای سخن (انجام معروف و ترک منکر) نیازمند زیبایی و شیوایی و جاذبه داشته شیوه سخن گفتن هم می باشد [سخن نیکو را با بیان نیکو باید گفت] و

أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه ۴۳ و ۴۴)

^۱ آن للقلب اقبالاً وأد باراً

^۲ سوره صف آیه ۱۰

^۳ حضرت موسی برای امر به معروف و نهی از منکر فرعون ابتدا به او گفت آیا مایلی پاکیزه شوی (هل لك إلى ان تزكى) و سپس معجزه خود را نشان داد. (رک نازعات آیه ۱۷ تا ۲۰)

هرچه امر به معروف و ناهی از منکر قدرت و خلاقیت و ذوق بیشتری در زیبایی و نیکو سخن گفتن داشتند باشد اثرگذاری و هدایتگریش بیشتر می گردد.

علی علیه السلام می فرماید : مَنْ حَسَنُ كَلَامُهُ كَانَ النَّجْحَ أَمَامَهُ^۱

هرکس نیکو کلام باشد موفقیت و پیروزی در پیش روی اوست.

گاهی یک جمله کوتاه اما زیبا و ظریف تاثیرش از یک سخنرانی بیشتر است ، امام حسین علیه السلام یکی از الزامات و نیازهای امر به معروف و ناهی از منکر را خوش بیانی و گفتار نیکو معرفی می کند^۲

اما اگر دعوت به خیر و منع از منکر با الفاظ تند، تحقیر آمیز ، مستهجن و توهین انجام گیرد نه تنها اثر لازم را نمی گذارد بلکه ممکن است تاثیر معکوس داشته باشد.می توان به جای اینکه بگویید یا بنوسید بر چشم بد لعنت ، بگویید بر چشم پاک درود و رحمت و به جای اینکه روی دیوار بنویسید لعنت بر پدر و مادر کسی که اینجا زباله بریزد ، بنویسید رحمت خدا بر کسی که نظافت را رعایت کرده و اینجا زباله نمیریزد.به جای اینکه پشت درب اتاقان بنویسید ورود ممنوع بنویسید از اینکه با هماهنگی وارد می شوید سپاسگزارم، به جای اینکه بگویید بر بی حجاب لعنت ، بگویید درود و رحمت بر کسی که رعایت عفت و حجاب را می نماید و....

۴. شفافیت و رسائی بیان

علاوه بر زیبایی بیان یکی دیگر از شیوه هایی که امر و نهی را کار آمد می کند اجتناب از تعابیر مُخَلَّق ، پیچیده و غیر قابل فهم و بلکه استفاده کردن از الفاظ ساده و روشن و وافی به مقصود است که مخاطب به راحتی مقصود را درک کند و هرچه ساختمان و قالب کلام شفاف تر و روشن تر و در عین اتقان ، ساده تر باشد تاثیر گذاری آن بیشتر خواهد بود، خدا در توصیف قرآن می فرماید :

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (قهر - ۱۷ و ۲۲ و ۲۵ و ۳۲ و ۴۰)

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم آیا کسی هست که پند گیرد؟

حضرت موسی (ع) برای هدایت و دعوت بنی اسرائیل از خدا می خواهد هارون را که در فصاحت و شیوایی بیان از او قویتر است را همراهش کند^۳

یکی از رموز موفقیت بزرگانی مانند امام خمینی ، امام خامنه ای و شهید مطهری این است که عالی ترین معارف و مفاهیم دینی و عرفانی و سیاسی را در قالب الفاظی ساده و همه فهم بیان نموده اند .

خلاصه آنکه هم زبانی با مخاطب و استفاده از الفاظ روشن ، بلیغ و فصیح که مخاطب به راحتی آنها را درک کند از الزامات و شیوه های تضمین کننده کارآمدی امر و نهی است.

۵. مدل تایید و سپس تغییر

^۱عزرا الحکم ج ۵ ص ۳۰۶

^۲صاحب الامر بالمعروف یحتاج الی ان یکون..... حسن البیان بحار الانوار ج ۹۷ ص ۸۳

^۳وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ قصص / ۳۴

یکی از شیوه های بسیار موثر در امر به معروف و نهی از منکر فرایندی عمل کردن است به این صورت که اول در مخاطب نقاط قوت و خوبی ها را تایید و تمجید کند و سپس رفتار غلط او را اصلاح و تغییر دهد. مثلاً می توان مانند قرآن ابتدا مشترکات را گفت و آنرا اساس دعوت به خیر و معروف قرار داد^۱ و سپس به نرمی برخی لغزش ها را که این مشترکات و نقاط قوت را مخدوش می کند تذکر داد.

در همه انسانها می توان یک نقطه مورد تایید یافت مثل انقلابی بودن، شیعه بودن، مسلمان بودن، ایرانی بودن و حداقل انسان بودن و بعد همین نقطه مورد تایید را مبنای امر و نهی قرار داد مثلاً گفت تو انسانی و انسان یعنی خلیفه خدا و برترین موجود آفرینش آیا سزاوار است منزلت و جایگاه خود را با آلودگی به منکرات و زشتی ها از بین ببری؟ یا به شیعه پیرو اهل بیت گفت تو مفتخر به بهرمندی از ولایت اولیاء خدایی و سزاوار نیست که دل آن بزرگواران را از خود به رنج آوری، خواهرم، برادرم با عفت و حجابت نزد حضرت زهرا و اهل بیت محبوبتر خواهی بود و....

۶. آسان سازی

ریشه بسیاری از دین و قانون گریزی ها و ترک واجبات و ارتکاب محرمات به ویژه در جوانان این است که تصور می کنند پایبندی به دستورات و احکام شرعی و عمل به قانون سخت و طاقت فرسا است و طبیعت انسان این است که از اعمال سخت گریزان است برای هدایت و امر و نهی اینگونه افراد ابتدا باید امکان پذیری و آسان بودن دین دیداری و عمل به دستورات را با همان روشی که قرآن و اهل بیت به ما آموخته اند تفهیم کرد و سپس از آنها خواست با اراده قوی و انسانی و باتوجه به عواقبی که رفتار او دارد خود را اصلاح کند.

قرآن برای هدایت انسان ها گاهی حرجی و دشوار نبودن و مفید بودن دین را مطرح می کند و می فرماید: وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج/۷۸)

و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مائده/۶)

خداوند نمی خواهد شما را در تنگنا و سختی قرار دهد بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید.

گاهی تصریح می کند که تکلیف مالایطاق و سخت در دین برای هیچ انسانی قرار داده نشده است.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (بقره/۲۸۶)

خداوند هیچ کس را جزء به اندازه توانایش تکلیف نمی کند (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد به سود خود انجام داده و هر کار (بدی) کند به زیان خود کرده است^۲

۱. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ آل عمران/۶۴

۲. همچنین رجوع نمود آیه بقره ۲۳۳ - انعام ۲۵۲ - اعراف ۴۲ و مومنون ۶۲

وگاهی با بیان آثار اعمال خوب (بهشت جاویدان) و پیامد اعمال زشت (جهنم) کاری می کند که تحمل و ظرفیت افراد برای انجام معروف و ترک منکر بالا برود.

نباید دین داری و عمل به دستورات آن را آنقدر سخت کرد که انسانها از آن گریزان شوند مانند مرد مسلمانی که می خواست همسایه یهودی خود را هدایت کند اما با سخت گیری او را پشیمان کرد. با کوتاه کردن مجالس ذکر، نمازهای جماعت و جمعه و اکتفاء به واجبات و اصرار نداشتن بر مستحبات می توان خیلی افراد را جذب کرد^۱

۷. تحریک عواطف

بسیاری از افراد از راه عواطف و احساسات بیشتر اثر می پذیرند تا از راههای استدلالی و برهانی و یکی از راهها و شیوه های تاثیر گذار برای امر و نهی دیگران تحریک عواطف و احساسات دینی، ملی و انسانی آنها است با یاد آوری نعمت های خدا و شوق و محبت او به بندگان و نیز با بیان محبت اهل بیت و درستی آنها می توان خیلی ها را به راه آورد مثل اینکه بگوییم: آیا می دانی این امام حسینی که این همه به او عشق می ورزید و شب تا صبح برای او عزاداری می کنی چقدر برای نماز ارزش قائل بود تاجایی که یک شب را مهلت گرفت برای نماز و در ظهر عاشوری با همه مشکلات به نماز ایستاد؟

آیا می دانی غیبت برادر دینی که حضور و امکان دفاع از خود ندارد از تعرض به حریم خانه خدا و کعبه زیانش و گناهش سنگین تر است؟

آیا عزت کشور و استقلال ملی و عزت نفس تو اجازه می دهد با دشمنان مراوده و دوستی کنی و به مردم خودت خیانت کنی آیا این خلاف جوانمردی و وطن دوستی نیست بسیاری از کشورها و حکومت ها با همین احساس و عاطفه وطن دوستی توانسته اند افراد و جوانان زیادی را به جبهه جنگ سوق دهند پس چرا ما که از عقبه عاطفی و احساسی بزرگتری مثل دین برخورداریم از آن استفاده نکنیم؟

۸. مماشات و تدریج

یکی از اصول و شیوه های تربیتی اسلام که برای امر به معروف و نهی از منکر بسیار مفید و آموزنده است حرکت تدریجی و آرام و آرام است. نباید از همان آغاز مخاطب را مورد رگبار حملات قرار داد و خطا هایش را پشت سر هم برشمرد چرا که اکثر افراد تحمل آنرا نداشته و اگر همه عیوب آنها گفته شود عکس العمل نشان می دهند بلکه باید ابتدا یکی از ساده ترین و در عین حال مهمترین معروف ها را از او مطالبه کرد یا او را تنها از یک منکر نهی نمود و بعد در گام های بعدی انجام معروف ها و ترک منکر های دیگر را به تدریج از او مطالبه نمود.

^۱ رجوع شود کافی ج ۳ ص ۴۴۲ روایت امام محمد باقر (ع) رابطه با مستحبات

وقتی کفار اشکال گرفتند که چرا قرآن یک جا و دفعتاً نازل نشد خدا جواب داد نزول تدریجی برای آرامش روح و استحکام قلبی موثر تر است^۱

همانگونه که شیطان های انس و جن از سیاست گام به گام و تدریج برای انحراف استفاده می کنند و با ایجاد یک زاویه کوچک از صراط مستقیم به مرور زمان انسانها را از مسیر هدایت و سعادت خارج می کنند چرا ما در هدایت افراد مماشات مثبت و حرکت تدریجی را که قرآن خود در مواردی مثل حرمت شراب^۲ و حرمت قمار و حرمت ربا عمل کرده مبنای امر و نهی خود قرار ندهیم .

۹. امید دادن و بازسازی روانی

بسیار اتفاق می افتد که با افراد گناهکاری مواجه می شوید که خود را غرق شده و غیر قابل اصلاح و معتاد به گناه می دانند و امید وانگیزه ای در خود برای بازگشت نمی یابند و تصور میکنند که آب دیگر از سر آنها گذشته و با یاس و ناامیدی راه گناه و ترک معروف را ادامه می دهند .

چو قامت ما غرق است در کم و زیاد او چه فرق است

اینگونه افراد قبل از هر چیز نیاز به بازسازی روحی و روانی دارند و باید به آنها امید و انگیزه داد که در هر وضعیت و با هر سابقه و گناهی راه بازگشت و اصلاح وجود دارد و در فرهنگ دینی گناه و انسان غیر قابل درمان وجود ندارد (باز آئی هر آنکه هستی باز آئی) با تلقین ، با محبت با یک دیدار و ملاقات با دادن یک هدیه ، با برقرار کردن رابطه عاطفی و گاهی با یک کلمه بیدار کننده می توان این افراد مایوس و بی انگیزه را دارای روحیه نشاط و امید و توبه نمود قرآن چه زیبا و با لطافت و درمان روحی و روانی گناهکار را از یاس و بی انگیزه ای نجات داده و وعده می دهد من همه بیماری ها و زشتی های تو را پاک می کنم.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر/۵۳)

بگو ای بندگان من که بر خو اسراف و ستم کرده اید از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

در امر به معروف و نهی از منکر میتوان با ایجاد امید و امکان بازگشت و اصلاح گذشته او را برای توبه آماده کرد که توبه راهکار درمان بیماری ها و مرتفع ساختن آفت ها و ویروس هایی است که به تدریج انسان را نابود

^۱ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا». فرقان/ ۳۲

^۲ قرآن در حرمت شراب چهار مرحله را دنبال کرد: ۱. از انگور دو استفاده متفاوت می شود خوب و بد (نحل ۶۷) ۲. در شراب منافی هست امراضرهایش بیشتر است (بقره ۲۱۹) ۳. موقع نماز مست نباشید (نساء ۴۳) ۴. حرمت قطعی دائمی شرب خمر و شیطانی دانستن آن (مائده ۹۰)

می کند. توبه نه تنها مهمترین و اولین واجب است برای هر گناهکاری بلکه بهترین عامل بازسازی روحی و روانی و نجات انسان است از خطر بزرگ یاس و غرق شدن.

توبه میتواند ساحران فرعون را بندگان خاص خدا کند که به فرعون بگویند هر کار می توانی بکن ما از ایمان و موسی دست بر نمی داریم. توبه حرّی را که راه را بر امام حسین (ع) بسته چنان منقلب می کند که می شود شهید و آزاد در دنیا و آخرت و هزارن مصداق دیگر.

آمر به معروف و ناهی از منکر باید مراقب باشد هیچ خطا کاری را غیر قابل اصلاح نداند و هم خود امید و انگیزه اصلاح او را داشته باشد هم این امید و روحیه را در او ایجاد کند و به آرامی وی را به مسیر بیاورد .

۱۰. ایجاد درد و احساس

برعکس گروه قبلی عده ای نسبت به گناه یا گناهانی هیچگونه احساس بدی و قبحی نمی کنند و ترک برخی معروف ها را ناپسند و زشت نمی داند بلکه چه بسا خیلی از منکرها و ضد ارزش ها را ارزش و پسندیده و امتیاز می پندارند و گرفتار جهل مرکب و بی احساسی و بی دردی (که بزرگترین بیماری است) شده اند و اگر درمان نگردند به بزرگترین خسران و زیان مبتلا می گردند اینان منکر را منکر و معروف را معروف نمی بینند بلکه منکر را معروف تلقی می کنند قرآن و روایات به ما می آموزند که بدترین و منکرترین اعمال و خسران بارترین آنها عملی ناپسند است که همراه با احساس درد و نگرانی نباشد و همراه جهل مرکب باشد .

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا كَهْف / ۱۰۳ و ۱۰۴

بگو آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین مردم کیانند؟ آنها که تلاشهایشان در زندگی گم و انحرافی است با این حال گمان می کنند کار نیک انجام می دهند .

و علی (ع) می فرماید أَشَدَّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَخَفَّ بِهِ صَاحِبِهِ^۱

بدترین گناهان آن است که صاحبش آن را کوچک و حقیر شمارد.

برای درمان اینگونه افراد ابتدا باید احساس درد و توجه به بیماری و ویروس را در آنها ایجاد کرد باید با تبیین قبح درستی و ویروس گناه آنها را متوجه خطری که آنها را تهدید می کند نمود تا انگیزه معالجه و درمان را پیدا کند .

اگر با افرادی مواجه شدید که به گناه خود گرفته و آنرا زشت و قبیح می شمارند و در عین ابتلاء به مرض و بیماری، احساس درد نمی کنند اولین اقدام شما برای امر و نهی او باید این باشد که او را صاحب درد و ادارک کنید و متوجه بیماری و آثارش بکنید و هشدار دهید که شیطان ها برای فریب انسانها اعمال زشت آنها را زیبا جلوه می دهند باید به او بفهمانید که بی دردی مساوی با سلامت نیست و اتفاقاً خطرناکترین مرض و بیماری است که همراه با احساس درد نباشد. باید در درمان این گونه افراد هشدار داد که غفلت و تغافل و مسکن نمی تواند ویروس مهلک گناه را از بین ببرد و با صاحب درد و احساس کردن آنها را به مسیر هدایت دعوت نمود.

^۱ نهج البلاغه حکمت ۴۷۶

چطور شما در امور مربوط به جسم مراقب هستی که غذایی را که احتمال ضرر دارد مصرف نکنی اما نسبت به ایمان و حیات حقیقی خود نگران نیستی ، امام سجاد علیه السلام می فرماید: عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي عَنِ الطَّعَامِ لِمُضَرَّتِهِ وَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمُعْرَتِهِ^۱

درشگفتم از کسی که از غذایی که برایش ضرر دارد اجتناب می کند اما از گناه که او را هلاک می سازد دوری نمی نماید .

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به کسانی که تنها لذت و شیرینی گناه و ترک معروف را چشیده اند اما قبح و تلخی آنرا درک نکرده اند با تبیین و نشان دادن قبح و زشتی و خطرهای گناه و ایجاد احساس درد و نگرانی امکان پذیر خواهد بود و در منابع دینی ما این شیوه بسیار مورد اهتمام قرار گرفته است مثلاً می گوید غیبت و شکستن حرمت مومنی که حضور ندارد خوردن گوشت مرده است^۲ و یا خورشت سگهای جهنم^۳ هرچه بتوانید قبح گناه و منکر و زیبایی معروف را برای مخاطب بیشتر و بهتر تبیین کنید انگیزه و توانایی او را برای انجام معروف و ترک منکر بیشتر خواهید ساخت .

۱۱. انتقاد از کار نه شخص

امر به معروف و نهی از منکر مبارزه با جهل است نه جاهل ، مبارزه با بیماری و مرض است نه بیمار ، انزجار از عمل زشت و ترک معروف است نه کسی که مبتلا شده است و امر به معروف و ناهی از منکر بعنوان نجات دهنده دلسوز و مهربان به دنبال تخطئه و تحقیر مخاطب خود نیست و با خود او مخالفت و کینه و دشمنی ندارد بلکه از عمل نا پسند او بی زار است و می خواهد مخاطب را از آن عمل رهایی بخشد . در امر به معروف و نهی از منکر همه افراد به ویژه فرزندان ، نیروهای تحت امر و شاگردان باید بگونه ای اقدام کرد که آنها احساس توهین و تحقیر و مخالفت با شخصیت خود را نکنند و کاملاً متوجه شوند که امر و نهی کنند بافعل و عمل آنها مشکل و مخالفت دارد نه خود آنها.

محبت به خطا کار و انتقاد از خطا را امرین به معروق و ناهین از منکر از خدا آموخته اند که بفرموده علی(ع) بنده را دوست دارد اما کردار بدش را دشمن است^۴

انبیاء و مصلحان بزرگ هم در مواجهه با مشرکان و خطا کاران عمل آنها را انکار و از آن برائت می جستند نه از خود آنها. حضرت ابراهیم به مشرکان فرمود من از شرک شما برائت می جویم " إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ " (انعام ۷۸) و حضرت لوط به آن مردم بدکاره فرمود اِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (شعراء/۱۶۸) من بی تردید دشمن این عمل شما هستم .

^۱ بحار الانوار ج ۷۵ ص ۱۵۹

^۲ حجرات آیه ۱۲

^۳ قال الحسين لرجل اعاتب عنده رجلاً يا هذا كف عن العيبه فانها ادام كلام النار تحت العقول

^۴ اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ وَيُبْغِضُ عَمَلَهُ. (نهج البلاغه خطبه ۱۵۴ - بند ۳)

۱۲. بیان منافع و ضررها

یکی از شیوه های ترغیب به معروف و نهی از منکرات دنبال کردن مدل و الگوی جلب منفعت و دفع ضرر است . به این بیان که اولاً آنچه شرع مقدس و خدا واجب کرده و به آن امر نموده دارای مصالح و منافعی بود و آنچه را حرام و از آن نهی نموده به خاطر مفاسد و ضررهایش بوده است

و ثانیاً انسان بر اساس فطرت و عقل موجودی منفعت طلب و ضرر گریز است و حتی برای منفعت محتمل و رهایی از ضرر احتمالی هم تلاش می کند و همه اقدامات خود را در این راستا مدیریت و سامان می دهد . با توجه به این دو مطلب اگر امر به معروف و ناهی از منکر بتواند مصالح و آثار و منافع انجام معروف و پیامدهای مخرب و مضرهای منکر را به خوبی تبیین کند مخاطب خود به خود به سراغ معروف و ترک منکر می رود .

به دیگر بیان بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر آن است که واحبات و خوبی ها را معروف کنید یعنی نشان دهید که اینها ارزش و منفعت داری، شناخته می شوند و محرمات را منکر کنید یعنی قبح و آثار زیانبار آنرا نشان دهید . مثلاً اگر کسی بداند که وابستگی به دشمنان و انفعال در برابر آنها نه تنها برای او عزت نمی آورد بلکه موجب ذلت و خواری وی می گردد کجا حاضر می شود آگاهانه پیاده نظام دشمن باشد یا اگر خانمی بداند با بدحجابی آینده خود را تباه ساخته و کسی حاضر نخواهد شد با کالای مصرف شده زندگی کند و افسردگی ، یاس و انزوا و عدم آرامش در انتظار اوست هرگز حاضر نمی شود برای لذت جویی دیگران، خود را به هلاکت بیندازد .

۱۳. وعده و وعیدهای الهی

در کنار بلکه برتر از منافع و مصالح دنیوی توجه دادن به آنچه خدا برای واجبات و معروف ها وعده داده و مجازات های سختی که برای ارتکاب به منکرات و محرمات قرار داده از بهترین روش های ترغیب و امر به معروف و نهی از منکر می باشد . هشدارهای قرآنی مبنی بر اینکه هیچ عملی ناپود نمی شود و همه آنها در قیامت تجسم پیدا می کند ، و تمام اقدامات و حرکات شما مورد محاسبه و رسیدگی قرار میگیرد و سرنوشت و ابدیت شما را همین اعمالتان تعیین می کند که آیا در بهشت جاویدان باشید یا مخلد در دوزخ باشید و خلاصه پاداش هایی که در معروف ها و عقاب هایی که بر انجام منکرات قرار داده است اگر با بیانی زیبا و قرآنی بیان شود خیلی از افراد را می تواند هدایت کند .

شوق به بهشت الهی (برای هر کس متناسب با استعدادش) و خوف از عذاب خدا از بهترین چراغ هایی است که امر به معروف و ناهی از منکر با روشن و فعال کردن آن میتواند در ترویج ارزش ها و خوبی ها و بازدارندگی از زشتی ها اقدام کند .

به جوانی که اسیر لذتهای دنیوی شده با مهربانی بگویند ای عزیز تو ازلی نیستی اما ابدی هستی و هرگز فانی و نابود نمی شوی بلکه منزل عوض می کنی و البته ابدیت تو در همین دنیا و به وسیله اعمال خودت ساخته می شود به یاد مرگ که شروع حیات ابدی در اوج عزت یا سقوط و ذلت است باش و قبل از اینکه مهلت تمام شود اعمال و کالای مناسب را برای عبور دادن از گمرک مرگ فراهم کن^۱ حتی اگر به قیامت و پاداش و

^۱استعد سفرک قبل حلول املک

عذاب آن یقین نداشته باشی لاقلاً احتمال قوی می دهی که این همه انبیاء و انسانهای بزرگ آمده اند و اگر واقعاً قیامتی باشد چه خواهی کرد قرآن حتی گمان به قیامت را سازنده می داند و می فرماید:

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (مطفقین ۵۴).

آیا آنها گمان نم میکنند که برانگیخته می شوند در روزی بزرگ .

شایسته است امر به معروف و ناهی از منکر با تسلط بر آیات و روایاتی که در رابطه با مرگ ، قیامت و حساب و کتاب و بهشت و جهنم وارد شده و تبیین صحیح و زیبایی آنها این عامل مهم و تعیین کننده در مقابله با وسوسه های شیطان را در جوانان تقویت کند و انگیزه لازم برای انجام معروف و ترک محرمات و منکرات را در آنها تقویت نماید.

۱۴. غیر مستقیم

در بسیار از موارد انتقال مطالب به صورت غیر مستقیم کارایی بیشتر داشته و عوارض آنهم کمتر است گاهی کسی را که نزد شما بسیار عزیز و محبوب است مخاطب قرار داده و به او مطلبی را تذکر می دهید تا دیگران را متوجه وظیفه و یا خطایشان بنمایید این روش در نظام تربیتی و سیره هدایتی رهبران بزرگ مابارها تجربه شده و خوب جواب داده است بسیاری از خطابات قرآنی ظاهراً متوجه شخص پیامبر اکرم(ص) است اما همه مسلمانان را در بر می گیرد مانند اینکه می فرماید ای پیامبر اگر پدر و مادرت به پیری رسیدند با آنها درستی نکن

[فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا، (اسراء ۲۳)]

درحالی که می دانیم پیامبر اکرم (ص) در دوران رسالت پدر و مادری نداشت و قبل از تولد و در همان کودکی هر دو از دنیا رفته بودند. ضرب المثل ایاک غنی و اسمعی که در فارسی با تعبیر به درب بگو تا دیوار بشنود اشاره به همین انتقال مفاهیم به صورت غیر مستقیم دارد .

البته امر به معروف و ناهی از منکر غیر مستقیم موارد دیگری هم دارد مثل اینکه مطلبی را به واسطه و فردی که نسبت به تارک معروف یا فاعل منکر از نفوذ کلام و موقعیت بهتری برخوردار است می گویند تا او اقدام کند مثلاً به پدر و سرپرست خانواده نسبت به رفتار فرزندان یا همسر تذکری را می دهند تا او آنها را اصلاح کند یا با گزارش کردن وضعیت کارمندی که وظایف خود را عمل نمی کند و توصیه های شما را هم نمی پذیرد به مسئول مافوقش جلوی عمل منکر او را می گیرید.

۱۵. روش سؤالی و استفهامی

یکی از بهترین الگوهای تربیتی که در آیات و روایات مورد اهتمام قرار گرفته و در امر و ناهی دیگران بسیار می تواند موثر شود الگوی استفهامی و پرسشی است که مخاطب را به تامل و تعقل وا می دارد و او را متوجه خطا و اشتباهش می نماید در روش طرح موضوع با سوال در حالی که پاسخ روشن است و در خود سوال به آن اشاره شده حساسیت و توجه مخاطب نسبت به موضوع بیشتر می گردد و انگیزه برای انجام معروف و ترک منکر افزایش می یابد . نمونه هایی از سؤالهای برانگیزاننده و تربیتی قرآن عبارتند از :

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ عِلْقَۃَ ۱۴

آیا انسان نداند که خدا او را می بیند؟

لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (حدید/ ۱۶)

آیا وقت آن نرسیده که دل‌های کسانی که ایمان آورده اند در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده خاشع گردد.

أَيُّتَنُوعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا نساء/

آیا عزت و سربلندی را نزد آنان (کافرین) می جویند با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست .

...أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (توبه/ ۱۳)

آیا از آنها (پییمان شکنان و دشمنان اسلام) می ترسید با اینکه اگر ایمان دارید خداوند سزاوارتر است که از او بترسید .

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/ ۹)

بگئی آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می شوند .

أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (یوسف/ ۳۹)

آیا خدایان متعدد و پراکنده بهترند یا خداوند یگانه ای که بر همه چیز فاهر است .

می توان به جوانی که لذت گناه را چشیده اما از لذت عبادت بی خبر است گفت آیا لذت جاویدان بندگی و عبادت خدا بر لذت زودگذر گناه ترجیح ندارد؟ آیا بندگی شیطانی که بر دشمنی و سقوط انسان قسم خورده بهتر است یا بندگی خدای مهربان؟ آیا به عواقب کارت توجه داری؟ آیا می دانی با انجام واجبات چه آینده درخشانی در انتظار توست؟ آیا این عمل باشان و منزلت انسانی و ایمانی تو سازگار است؟ آیا از خدا و امام زمان خجالت نکشیدی؟ آیا اگر امام زمان حافظه تلفن همراه تو را ببیند شرمنده نمی گردی؟...

۱۶. تمثیل و تشبیه

برای تسهیل و تفهیم بهتر مطلب استفاده از مثال و تشبیه معقولات و معنویات به محسوسات از جمله روش‌ها و شیوه‌هایی است که اگر درست و با ظرافت انجام گیرد در ترغیب و امر به معروف و بازدارندگی از منکر و زشتی بسیار کارایی خواهد داشت و قرآن بارها از تمثیل و تشبیه استفاده کرده است و آنها را از زمینه تفکر^۱ و تذکر^۲ معرفی می کند .

هنرمندی و یافتن تمثیلات و تشبیهات و همین‌طور داستانهای مرتبط با موضوع با بهره‌گیری از مدل قرآنی و روایی کارآمدی و موفقیت‌آمر به معروف و ناهی از منکر را فوق‌العاده افزایش میدهد.

^۱ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ حشر/ ۲۱

^۲ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ابراهیم/ ۲۵

۱۷. جدال احسن

ظرفیت فکری و روحی افراد متفاوت است گروهی با استدلال و حکمت و از طریق قوه عاقله بیشتر تاثیر می پذیرند، گروهی از راه وعظ و تحریک عاطفه و امور فطری زودتر و بیشتر پذیرش دارند اما برخی افراد به خاطر تعصب و لجاجت از دو طریق قبلی تاثیر پذیری لازم را ندارند و عکس العمل منفی نشان می دهند در اینگونه موارد باید از جدال احسن و فن مناظره، همراهی ابتدایی و تکیه بر مفروضات و مسلمات نزد مخاطب استفاده کرد تا او را متوجه خطا و لغزشش نمود و به خیر دعوت نمود نظیر آنچه حضرت ابراهیم علیه السلام در رابطه با بی خاصیتی و ناتوانی بت ها انجام داد^۱ یا آنچه در معرفی پروردگار معبود حقیقی انجام داد^۲.

البته همانگونه که قرآن به ما آموخته اولاً ابتدا باید به سراغ دعوت حکمت آمیز و موعظه حسنه رفت و اگر نتیجه نداد از جدل استفاده کرد و ثانیاً مجادله باید احسن و نیکو باشد^۳

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل/۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که روشنتر است استدلال و مناظره کن.

۱۸. ملامت و نکوهش

گاهی آنقدر گناه یا ترک معروف بزرگ است و تاثیر اجتماعی اش زیاد است و فرد متخلف هم با شیوه های محبت آمیز از غفلت خارج نمی شود که باید از شیوه ملامت، مذمت و سرزنش استفاده کرد تا وی متوجه خطایش گشته و دیگران هم متنبه شوند به دیگر سخن گاهی درمان و معالجه کسیکه مرتکب منکر شده جز با جراحی و برخورد تند (البته در حد زبانی) و سرزنش قابل درمان نیست.

در تخلف و جرائم مسئولین که زیانش فقط به خود آنها بر نمی گردد بلکه نظام اسلامی و جامعه را به لحاظ فکری یا عملی دچار مشکل می کند این روش امر به معروف و نهی از منکر بسیار کارایی دارد مانند آنچه علی علیه السلام نسبت به استاندار خود عثمان بن حنیف انجام داد.

۱۹. اظهار ناخشنودی و تنفر

برای امر به معروف و نهی از منکر کسی که به شما علقه عاطفی و محبت دارد و خشنودی و رضایت شما برای او خیلی اهمیت دارد یک شیوه موثر آن است که در کنار اظهار خشنودی از کارهای خوبش نسبت به ترک معروف یا انجام منکر اظهار ناخشنودی نموده و با صراحت به او بگویید از این کار شما هیچ خوشم نیامد مانند والدین در عین محبت به فرزند به او می فهمانند که رفتار و عملی که از او سرزده آنها را ناراحت و منزجر کرده و از او می خواهند رفتار خویش را اصلاح کند یا مسئول و فرماندهی که در برابر لغزش نیروهای تحت امر با اظهار ناخشنودی به او می فهمانند که خطایش موقعیت آنها را نزد مسئول و فرمانده مخدوش و متزلزل

^۱سوره انبیاء آیه ۵۷ تا ۶۵

^۲سوره انعام آیه ۷۶ تا ۷۹

^۳سوره انعام آیه ۷۶ تا ۷۹

نموده است. و این شیوه ای است که ائمه معصومین علیهم السلام بارها نسبت به شیعیان انجام داده اند مانند رفتار امام موسی بن جعفر با زیاد بن ابی سلمه^۱ و برخورد امام رضا علیه السلام با محمد بن عاصم^۲

۲۰. استفاده از روش نوشتاری

برای مبارزه با منکرات و ترویج معروف ها از انواع روش های نوشتاری و مکتوب می توان استفاده کرد مانند تالیف کتاب و مقاله های کاربردی و آسیب شناسانه و از این موثرتر نوشتن نامه شخصی و آموزش غیر حضوری فرد متخلف و یا ارسال پیامک و ارسال جملات برگزیده و متناسب از قرآن و روایات همینطور فضا سازی محیط با نوشتن آیات و روایات به روی دیوارها، پلاکاردها، سالن ها و مراکز مورد رجوع مردم با رعایت موقعیت مکانی و زمانی.

چنانچه خواننده محترم توجه دارد شیوه ها و راهای امر به معروف و نهی از منکر زبانی به این امور محدود نمی باشد و با استقراء و تامل می توان به دهها روش دیگر نیز اشاره کرد که به خاطر اجتناب از اطاله بیشتر کلام از توضیح آنها اجتناب می کنیم شیوه هایی مانند، تلقین، الگو سازی، تکیه بر وجدان اخلاقی، استدلال عقلی، یادآوری نعمت های الهی، بیان شریک مجرم بودن، سنت شکنی، شیوه های آموزشی، قالب طنز، علنی کردن خوبی ها، حرکت جمعی، نفوذ در دستگاه ظلمه برای جلوگیری از فساد، استفاده از تاریخ و سرنوشت گذشتگان، خشمگین سازی، اعجاب انگیزی، روش تاکید و اصرار، استفاده از تجربیات دیگران^۳ و....

ب-۳) شیوه های امر به معروف و نهی از منکر از موضع اعمال قدرت (یدی)

چنان که قبلاً بیان شد این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر بیش تر به حکومت و مسئولان اختصاص دارد که از طریق تصویب قانون و اجرای آن در مواردی که امر به معروف زبانی تأثیر لازم را ندارد و افرادی تظاهر به فسق و گناه می کنند و امنیت فکری، دینی و اجتماعی را مخدوش و متزلزل می کنند با اقتدار و اعمال قدرت جلوی فساد و مفسد را بگیرند. با این حال برخی از شیوه های پیشنهادی را که برای مسئولان میانی می تواند در مدیریت صحیح و ترویج معروف ها و بازدارندگی از منکرها مفید باشد به اختصار ارائه می کنیم.

۱- زمینه سازی و فرصت آفرینی برای احیای دو فریضه بزرگ:

یکی از بهترین شیوه های احیای امر به معروف و نهی از منکر آن است که مسئولان، فرماندهان و مدیران در سطوح مختلف با حاکم ساختن فضای (أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي)^۴ و پذیرش انتقاد سازنده و میدان دادن به منتقدان دلسوز و متعهد و راهنمایی و آموزش آنها نسبت به مسائل امر به معروف و نهی از منکر (آداب شرایط، مراتب و شیوه ها) به گونه ای که نقش اصلاحی و سازنده نه تخریبی داشته باشد و نیز نکوهش و میدان ندادن به فرهنگ چاپلوسی و تعریف و تمجیدهای غلط زمینه و فرصت را برای احیای دو فریضه بزرگ الهی در سازمان خود فراهم کنند.

^۱ کافی ج ۵ ص ۱۱

^۲ اختیار المعرفة الرجال شیخ طوسی ج ۲ ص ۷۵۷

^۳ جناب حجت الاسلام و المسلمین قرائتی بیش از سی شیوه را همراه با تجربیات و خاطرات خود در کتاب امر به معروف و نهی از منکر انتشارات مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن ارائه نموده است که بسیار آموزنده است

^۴ امام صادق (ع): بهترین برادران و دوستان من کسی است که عیوبم را به من هدیه کند؛ کافی، ج ۲، ص ۶۳۹، حدیث ۵.

۲- رعایت اصل شایسته سالاری

معیار قرار دادن ارزش‌های اسلامی و انقلابی که همان معروف‌ها هستند و اجتناب از دخالت دادن انگیزه و معیارهای دنیوی، وابستگی خانوادگی، حزبی و گروهی و امثال آن‌ها که زمینه ساز ترویج منکرات و تعطیلی بسیاری از معروف‌هاست و انگیزه اصلاحگری و انتقاد و روحیه حریت را تهدید می‌کند از دیگر شیوه‌ها و الزامات مدیریت اسلامی است که نقش فراوانی در حاکمیت و ترویج امر به معروف و نهی از منکر در سازمان خواهد داشت.

۳- اشراف اطلاعاتی

آگاهی کامل و تسلط بر مشکلات فردی، خانوادگی، اجتماعی، روحی و روانی، اقتصادی و سیاسی نیروهای تحت امر به ویژه جوانان و تلاش مجاهدانه و فکری و عملی برای رسیدگی و حل آن‌ها و نیز اشراف بر خطرها و آسیب‌هایی که آنان را تهدید می‌کند می‌تواند زمینه‌های عمل به معروف‌ها و ریشه کن کردن منکرات را فراهم آورد.

۴- اهتمام به مسائل خانوادگی

غفلت نکردن از نقش خانواده، شهرک‌ها، اردوها، تربیت و تعلیم فرزندان و اهتمام به مسائل فرهنگی، فکری و اعتقادی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها می‌تواند جلوی بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و رواج منکرات و تعطیلی معروف‌ها را بگیرد و نیروها را در انجام مأموریت، انگیزه و توان بیشتری بخشد.

۵- تشویق ضابطه‌مند

قدردانی و تشویق افراد متعهد و دلسوز که علاوه بر رفتار نیکو مطالبه‌کننده منطقی و صحیح ارزش‌های اسلامی و انقلابی مانند عدالت، معنویت، تقوا، ولایت محوری، روحیه انقلابی و جهادی، استقلال کشور، پیشرفت‌های علمی و عملی و اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) دفاع از عناصر ماندگاری انقلاب و جهاد کبیر هستند و با رعایت اصول اسلامی و سازمانی منتقد ضد ارزش‌ها نظیر تبعیض، فساد، وابستگی به بیگانگان، دنیاگرایی، اباحه‌گری و بی بند و باری‌های اخلاقی، اشرافی‌گری و انفعال در برابر ظالمان می‌باشند، روحیه بی‌تفاوتی و سکوت را در سازمان از بین برده و دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را حاکم می‌سازد.

۶- مدیریت زمان

برنامه‌ریزی سالم، متنوع و جهت‌دار برای تمام زمان‌های حضور کارکنان و بویژه اوقات فراغت نیروها مانند سربازان، پایوران، دانشجویان و دانش‌آموزان می‌تواند ضمن ترویج معروف‌ها جلوی بسیاری از منکرات را بگیرد.

۷- فضاهای مجازی

مسئولین می‌توانند با اهتمام و توجه برای بهره‌برداری صحیح و شرعی و قانونی از فرصت فضاهای غیرحقیقی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، پیامک‌ها و هدایت مناسب نیروها و هشدار به خطرات و برنامه‌های دشمنان در این رابطه نگذارند که این فرصت به تهدید تبدیل شود و آن را بجای رواج منکرات به ابزاری برای احیای معروف‌ها قرار دهند.

۸- بصیرت افزایی

ایجاد حساسیت علمی و عملی و اهتمام و توجه جوانان و نیروهای سازمان نسبت به فتنه‌ها و توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و انقلاب که می‌خواهند انقلاب اسلامی را از درون گرفتار استحاله و پوکی کنند و با متزلزل کردن ارکان و اصول انقلاب، نفوذ فکری و عملی، آزادی حیوانی بجای آزادی انسان، و زیر سؤال بردن مقدّسات، مکتب سازی مقابل مکتب فکری و سیاسی امام و رهبری، جلوی تعمیق و گسترش انقلاب اسلامی و عناصر ماندگاری آن را بگیرند بسیار می‌تواند در روحیه سنگر نشینی انقلاب که بزرگ‌ترین معروف است را تقویت و جلوی بزرگ‌ترین منکر را که بی‌تفاوتی و انفعال در برابر دشمنان است بگیرد.

۹- ارشاد و راهنمایی

نسبت به افرادی که به خاطر جهل و ناآگاهی نسبت به معروفها و منکرها بی تفاوت گشته‌اند نباید برخورد تند و حذفی داشت، بلکه با راهنمایی پدران و از سر مشقت باید آنان را راهنمایی و ارشاد نمود و نسبت به صراط مستقیم و وظایف دینی، انقلابی و سازمانی آگاه ساخت. گاهی دعوت از یک فرد جاهل و او را مورد لطف و درمان و ارشاد قرار دادن تأثیری دارد که ساعتها سخنرانی ندارد.

۱۰- قاطعیت در اجرای قانون

نسبت به کسانی که آگاهانه و با انگیزه ساختارشکنانه به منکرات روی آورده، علاوه بر خود، سازمان را با آسیب مواجه ساخته‌اند باید با تنبیهات قانونی و قاطع عمل کرد و قانون‌گریزی آنان را تحمل نمود و با اجرای آنچه در قوانینی مثل آیین نامه انضباطی آمده آنان را از راه خلاف بازداشت و با اقداماتی نظیر تذکر شفاهی، توبیخ کتبی، محروم ساختن از برخی امتیازات، جابجایی سازنده در مسئولیت‌ها و سرانجام اگر هیچ راهی نبود محروم ساختن آنها از حضور در سازمان از طریق راه‌های قانونی جلوی منکر آنها را مسدود و از منافع و مصالح سازمان حفاظت نمود. بار دیگر یادآوری می‌گردد که تمام این اقدامات باید بر محور قانون و ضوابط سازمانی باشد و آنجا که از حوزه اختیاراتی مسئول یک سازمان خارج است به مسئولان بالاتر یا سایر دستگاه‌های حکومتی مثل قوه قضائیه ارجاع داده شود.

والسلام علیکم و رحمت الله